

حضرت فاطمه سلام الله، فضایل القاب،

راز قبر مخفی، خطبه فاطمیه، شہادت و ہدایت

اولین شہید ولایت ۲۸

سرشناسه : زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

شمارگان: ۵۰۰۰ قیمت: ۶۵.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

آدرس نویسنده : m5736z.blog.ir لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: zarepoorketab.blog.ir



صحافی و چاپ : انتشارات فراز اندیش

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

مقدمه

فاطمه سلام الله عليها گوهر بی همتای آفرینش، پاره تن پیامبر خاتم، کفو ولایت، سرچشمه امامت، سرور زنان شایسته عالم و انسیه حوراء است. آن روزگار که تولد فرزند دختر، ننگ عرب جاهلیت به شمار می رفت و قبور دختران معصوم زنده به گور شده فخر ریش سفیدان قبایل بود، خداوند متعال اراده فرمود میلاد کوثر جاری تا قیامت را برای بشریت تا جمال و جلال زن به برکت وجود نازنین صدیقه طاهره بر سراسر عالم چون خورشیدی تابناک بتابد و مقام مادر را در اعلی علین هستی جای دهد

چرا فاطمه، فاطمه نامیده شد؟ برای اینکه خلق از شناخت حقیقت او دور و منقطع و عاجزند. و **اینکه فاطمه زهرا عليها السلام ناشناخته ماند** و در زمان حیات ظاهری اش، مجهول و مظلوم واقع شد و پس از ارتحال از جهان فانی به سوی جهان باقی نیز قبر مطهرش مجهول و ناشناخته است، خود حکایتی از عظمت و اهمیت این شخصیت می باشد. پس فاطمه همانند **لیله القدری** است که **و ما ادریک لیله الفاطمه؟**

در روایات داریم هر زنی که نمازهای پنجگانه را بخواند و ماه رمضان روزه بگیرد، حج خانه خدا را به جای آورد و زکات اموالش را پردازد و از شوهرش اطاعت کند و علی علیه السلام را دوست بدارد، به واسطه شفاعت فاطمه داخل بهشت خواهد شد. فاطمه سلام الله عليها بهترین زنان جهان است. این دل بستگی و سفارش اکید به حفظ حرمت او به واسطه مقامی است که حضرت زهرا سلام الله عليها در پیشگاه حق تعالی و نظام تکوین و تشریح هستی و قوس نزول و صعود وجود، دارا می باشد.

در کتاب پیش رو سعی شده گوشه ای ناچیز از دریای بیکرانی را از بانوی دو عالم بیان نماید و به ولایت پذیری و مظلومیتش در عین حال با خطبه شجاعانه اش اشاره ای داشته و آموزه ها و احادیث از سبک زندگی او پردازد. محمود زارع پور

فهرست مطالب

- بخش ۱ : حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها
- بخش ۲ : اسامی و القاب شریفه حضرت سلام الله عليها
- بخش ۳ : علم و آگاهی و فضایل حضرت زهرا سلام الله عليها
- بخش ۴ : صدیقه طاهره سلام الله عليها در نگاه معصومین عليهم السلام
- بخش ۵ : فاطمه منحصر به فرد
- بخش ۶ : ارتحال پیامبر و آغاز بی وفایی ها
- بخش ۷ : فلسفه گریه ها و مویه های فاطمی
- بخش ۸ : فاطمه سلام الله عليها در مقام دفاع از ولایت
- بخش ۹ : (در عیادت زنان): خطبه دوم فاطمه زهرا در بستر بیماری
- بخش ۱۰ : علل بی نشان ماندن قبر فاطمه سلام الله عليها
- بخش ۱۱ : خطبه ولایت یا فاطمیه به بهانه غصب فدک (فدکیه) خطبه ی اول
- بخش ۱۲ : فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی در خطبه حضرت فاطمه
- بخش ۱۳ : پاسخ به مهم ترین شبهات و هابیون درباره شهادت حضرت
- بخش ۱۴ : فاطمه سلام الله عليها ليله القدر آیت الله جوادی آملی
- بخش ۱۵ : اهمیت تسبیحات حضرت زهرا سلام الله عليها
- بخش ۱۶ : مصحف حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها
- بخش ۱۷ : زیارتنامه و میثاق نامه عظیم حضرت زهرا سلام الله عليها
- بخش ۱۸ : حضرت فاطمه سلام الله عليها و آیات و روایات
- بخش ۱۹ : آموزه های تربیتی و اخلاقی حضرت فاطمه سلام الله عليها
- بخش ۲۰ : احادیثی درباره حضرت فاطمه زهرا از پیامبر صلی الله علیه و آله

بخش ۱: حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها

فرزند ششم محمد (صلى الله عليه وآله) و خدیجه (سلام الله عليها)، جبرئیل نازل و به پیامبر میفرماید چهل شبانه روز از همسرت دوری کن و به نماز و روزه پرداز و سپس به منزل برو که خدا اراده کرده فرزندی که نساء العالمین است، عطا نماید.

دو سال بعد از نبوت پدر، فاطمه (جداکننده خود و شیعیان از آتش) بدنیا آمدند چون از بدیها بریده شد، او را فاطمه نامیده اند. **زهراء** بمعنی درخشانده، روشن. این لقب از هر جهت برازنده این بانوست. او چهره درخشان زن مسلمان، فروغ تابناک معرفت و نمونه روشن پرهیزگاری و خداپرستی است. دشمنان خوشحال هستند پیامبر را **ابتر** مینامند ولی نزول سوره کوثر نویدی دیگر دارد **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ** نماز بخوان و نذر کن ما به تو کوثر بخشیدیم.

برترین زنان جهان چهار نفرند حضرات مریم آسیه خدیجه و فاطمه (سلام الله علیهن). فاطمه تنها کودکی است که در مکه از منزل پدرش ندای **الله اکبر** بلند است، میشنود و شاهد نماز و عبادت خانواده است. در کودکی اغلب روزها فاطمه با دست و پای خونی و زخم زبان دشمنان به خانه باز می گشت و با وفات مادر و عمویش ابوطالب آزار و اذیت ها بیشتر شد فاطمه سلام الله عليها دارای مقام عصمت، بدین معنی که معصومه است، یعنی محصوره از گناه، یعنی ممنوع و محفوظ از لغزش و انحراف، و از این دید می تواند الگو باشد.

آیه تطهیر هم، او را از رجس و خطا دور معرفی می کند **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد و نگه دارد.

اسلام رشد میکند خانه پایگاهی مخفی برای یاران پدر است با حوادثی چون شکنجه بلال و کشته شدن پدر و مادر عمار، آزار و اذیتهای ابولهب و ابوجهل سنگ زدن به پدر، شکم گوسفند بر بدن پدر و..... فاسمه با این شرایط بزرگ میشود. بر اثر فشار تصمیم به رفتن به دره و شعب ابوطالب میگیرند و محاصره اقتصادی و گرسنگی بیداد میکند سه سال در شعب میمانند.

خدیجه سلام الله عليها بیمار میشود و در فاصله کمی از هم ابوطالب و حضرت خدیجه وفات میکنند (دختر باید، مادر پدر هم باشد) **(فاطمه أمّ آبیها)** لقب می گیرد.

فاطمه زهراء سلام الله عليها در جریان نقشه ترور پیامبر قرار گرفته بود و پدر را مضطربانه از این واقعه هشدار می داد. بر بدن پدرش جراحات وارد می کنند. وی همچون پرستاری مهربان بر آن جراحات مرهم می گذارد. و الحق که این دختر را چه تحملی در رنج ها و نامردی ها بود و چه آثاری از خدمات ارزنده. معنی ظاهری **اُمّ** به معنای مادر است و مادر عهده دار یکسری از کارها برای فرزندان است. اینجا بعد از حضرت خدیجه سلام الله عليها بی بی دو عالم فاطمه سلام الله عليها آن کارهایی را که برای رسول الله صلی الله علیه و آله انجام می دادند کارهایی بود که یک مادر برای فرزندش انجام می دهد.

منظور حضرت پیامبر این است که احترامی را که فرزند برای مادر قائل است حضرت زهرا برای پدر گرامیشان قائل بودند و باز در روایات آمده که هرگاه فاطمه سلام الله عليها وارد می شدند بر رسول الله، حضرت تمام قامت مقابل پایش می ایستادند و علاوه بر بوسیدن صورت حضرت زهرا گاهی خم می شدند و بر دستان آن حضرت بوسه می زدند و می فرمودند: **فاطمه مانند مادر است برای پدرش**.

از کودکی در دامان نبوت پرورش یافت؛ به بهترین شکل از نور هدایت نبوی بهره برد. تربیت پدرش در تمامی حالات به وجود وی رخنه کرده بود تا آنجا که تمامی حرکاتش نیز بسان پدر شده بود.

عایشه: هیچ کس را ندیدم که در ظاهر، در وقار و سیرت نیکو و طریقتش و در قیام و قعودش از فاطمه به پدرش شبیه تر باشد. (سنن ترمذی ص ۱۴۶۲). فاطمه سلام الله عليها یادگار پدر، تربیت یافته مکتب نبوت؛ گوشه ای از وجود پدر بود؛ پیامبر اکرم فرمود: فاطمه پاره تن من است، کسی که او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده. محبوب ترین بانو نزد پیامبر گرامی و گوشه ای از وجود پدر بود. (صحیح بخاری ج ۴ ص ۲۶۹)

حدیث **لَوْ لَا فَاطِمَةَ لَمَا خَلَقْتُكُمْ** که حدیث قدسی است، معنای دقیق و عمیقی دارد بطور اجمال این است که اگر به خاطر مقام عبودیت نبود نبوت و امامت به غایت خود نرسیده بود چرا که نبوت و امامت مقدمه ای برای رسیدن به مقام عبد مطلق است. این مقام در خود پیامبر و علی علیهما السلام نیز بود ولی در فاطمه سلام الله عليها منحصرأ همین مقام تجلی کرد. بنابراین در این روایت تکیه اصلی بر آن حضرت سلام الله عليها شده است. (مستدرک سفینة البحار) و فاطمه شاخه و فرع من است، هر کس او را بسط دهد مرا بسط داده و هر کس او را کوتاه کند مرا کوتاه کرده (مستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۶۸)

نگاه فاطمه سلام الله عليها به مهربانی نگاه خدیجه سلام الله عليها بود

از وقتی که مادر از دنیا رفته بود بیشتر کارها را فاطمه سلام الله عليها انجام می داد. اما پدر هم کمکش می کرد. فاطمه سلام الله عليها، پدر را خیلی دوست داشت. هر وقت پدر، او را در آغوش می گرفت و می بوسید، خستگی را فراموش می کرد. صدای پای پدر را شنید. حال پدر خوب نبود. آهسته قدم برمی داشت. پدر به دیوار تکیه داد. پاهای پدر از جسارت دشمنان زخمی و خونین بود. فاطمه سلام الله عليها ناله کرد. لباس های سفید پدر، خاک آلود و کثیف شده بود و موهایش پر از خاشاک بود.

باز، بت پرستان، پدر را اذیت کرده بودند. فاطمه سلام الله عليها به اتاق رفت و پارچه تمیز زردی آورد. دست پدر را گرفت. به طرف نخلستان رفتند. دست زخمی پدر، گرم بود. پدر زانو زد و دست های لطیف دخترش را نوازش کرد و بوسید. فاطمه سلام الله عليها قطره اشکی ریخت. پدر، اشک او را پاک کرد و با محبت دستی بر گونه او کشید. گریه فاطمه سلام الله عليها بلند شد. پدر، دختر کوچکش را در آغوش گرفت و گفت: دخترم! چیزی نشده است.

فاطمه سلام الله عليها از پدر خواست کنار نخل بنشیند. بعد رفت ظرف آبی آورد. آب ریخت تا پدر دست و صورتش را بشوید. پدر پارچه زرد را گرفت و دست و صورتش را خشک کرد. فاطمه سلام الله عليها خار و خاشاکی را که لابه لای موهای پدر بود، برداشت و با پارچه خیزی خاکها را گرفت و آب ریخت. پدر موهایش را شست. وقتی پدر پاهایش را تمیز شست، برخاست و رفت تا لباس هایش را عوض کند. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد. نگاهی به چهره خسته دخترش کرد. به یاد مادرش، آمنه سلام الله عليها افتاد. جلوی فاطمه سلام الله عليها زانو زد. بازوهای دخترش را گرفت و پیشانی او را بوسید. پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه سلام الله عليها را به سینه چسباند. چشمانش را بست و با مهربانی گفت **مادر بابا**. چقدر دختر کوچکش مهربان بود. درست مثل فرشته هایی که می دید. فاطمه سلام الله عليها، همواره در کنار پدرش و حامی وی بود؛ و نگران سلامتی وی. پیامبر اکرم دختری تربیت میکند که این دختر، شایستگی آن را پیدا میکند که پیامبر خدا دست او را ببوسد! این بوسه، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد. مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آنهم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر هست و اتکایش به وحی و الهام الهی است، خم میشود و دست دخترش را میبوسد؟

یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام مشغول اقامه نماز بود و ابوجهل و دوستانش نیز در آنجا حضور داشتند.

ابوجهل به اطرافیان‌ش گفت: کدام یک از شما زهدان شتر را می‌آورد و آن را بر دو کتف محمد در حال سجود می‌اندازد؟ کسی این کار را بر عهده گرفت و آن را بر دو کتف پیامبر صلی الله علیه و آله در حال سجود نماز انداخت. ابوجهل و اطرافیان‌ش شروع به خندیدن کردند تا آنجا که بعضی از آنها از شدت خنده بر روی بعضی دیگر می‌افتادند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حال سجود بود و سرش را بلند نکرد. شخصی آنجا بود خودش جرات نکرد با دیدن این وضعیت به نزد فاطمه سلام الله علیها رفت و او را خبردار کرد

فاطمه سلام الله علیها آمد و آنرا از پشت پدر برداشت و سپس رو به آن قوم کرد و آنان را مورد سرزنش قرار داد. هنگامی که نماز پدر تمام شد، صدایش را بلند کرد؛ وقتی صدای او را شنیدند، خنده از ایشان دور شد و از نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیدند. راوی حدیث، ابن مسعود گوید: قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق مبعوث کرد، اجساد افرادی را که پیامبر صلی الله علیه و آله نفرین کرد در روز بدر در چاه دیدم. (صحیح مسلم ص ۷۶۵)

در آن روزهای سخت، فاطمه سلام الله علیها همواره نگران پدر بود؛ روزی فاطمه سلام الله علیها گریه کنان به نزد پدر آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم! چرا گریه می‌کنی؟ گفت: پدر جان! چرا گریه نکنم در حالی که گروهی از قریش در حجر هم پیمان شده‌اند و به لات و عزی و مناة ثالثه (بت‌های جاهلی) سوگند می‌خورند که اگر تو را ببینند برمی‌خیزند و تو را می‌کشند و همه آنان نیز سهمشان را از خون تو می‌دانند.

پرستاری و حمایت فاطمه سلام الله علیها از پدر، فقط منحصر به ایام کودکی وی نبود. در روز احد در زمانی که سپر پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر وی شکست و رخسار وی خون آلود شد و یکی از دندان‌های پیشین وی شکست، علی علیه السلام بود که در سپر خود آب می‌آورد و فاطمه سلام الله علیها بود که آن را می‌شست؛ چون فاطمه سلام الله علیها دید که خون بسیار زیاد است، بوریایی را گرفت و سوزاند سوخته‌اش را بر زخم نهاد.

محبوب‌ترین زنان نزد پیامبر، فاطمه بود و محبوب‌ترین مردان نزدش علی علیه السلام بود. عایشه و دیگران از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: ای فاطمه! بر تو بشارت باد که خدای متعال تو را بر زنان جهانیان و بر زنان اسلام که بهترین دین است، برگزید. (سنن ترمذی ص ۱۴۶۱).

ستودن فاطمه بر اساس حقیقت او و ظهور صفات و کمالات معبود در روح او بوده است. او عظیمه و مطهره است.

مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله از او، وی را الگو و حجت بر تمام مردم جهان اعم از زن و مرد قرار داد؛ اقتدای به او، اقتدا به رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. حضرت زهرا سلام الله علیها می فرماید: زمانی که آیه **لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا** (نور ۶۳) صدا کردن پیامبر را در میان خودتان، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید. نازل شد، ترسیدم که رسول خدا را با لفظ **ای پدر بخوانم**، من هم پدرم را چندین بار با لفظ **یا رسول الله** صدا زدم، پیامبر یکی دو بار از من روی گردانید، سپس رو به من کرد و فرمود: ای فاطمه این آیه دربار تو و خانواده و نسل تو نازل نشده است، تو از من هستی و من از تو هستم.

ازدواج سیده بانوان عالمین

فاطمه سلام الله علیها بانوی نیکوست که مورد توجه بسیاری از بزرگان صحابه است؛ آنها می دانستند که در قیامت هر حسب و نسبی از بین خواهد رفت، مگر آنکه متصل به پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ از طرف دیگر خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مورد علاقه بسیاری از اصحاب به بهانه های مختلف بود، اما ازدواج با بانو فاطمه سلام الله علیها علاوه بر اتصال حسب و نسب به پیامبر و قرابت خانوادگی، ازدواج با یکی از چهار بانوی برگزیده عالم بود که این نیز افتخاری بزرگ به شمار می رفت.

فاطمه خواهان بسیاری دارد ابوبکر عمر و ... پیامبر در پاسخ خواستگاران می فرمود **أَمْرُهَا إِلَى رَبِّهَا** کار فاطمه به دست پروردگار فاطمه است. آری باید در خواستگاری فاطمه، الگوهای اسلامی مشخص شود، سنتهای جاهلیت پایمال گردد، و معیارهای ارزش اسلامی معلوم شود. انصار هم علی علیه السلام را به خواستگاری تشویق میکنند. علی تصمیم میگیرد و از طرفی پیش خود میگوید چیزی ندارم بالاخره پا جلو گذاشت. پیامبر خطاب به فاطمه: **می خواهم تو را به همسری بهترین خلق خدا در آورم، نظر تو چیست؟ سکوت....** **الله اکبر! سکوتها اقرارها** (مستدرک علی الصحیحین ج ۲)

و پیامبر و فاطمه خوشحال میشوند ناگهان این **ازدواج الهی** در همه جا پیچید که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواهد تنها دخترش را به همسری علی علیه السلام در آورد. علی که دستش از مال و ثروت دنیا کوتاه بود و از معیارهای عصر جاهلی چیزی نداشت، اما وجودش از فرق تا قدم، مملو از ایمان و ارزشهای اصیل اسلامی بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی صحبت های مردم را شنید، فرمود: من او را به ازدواج علی در نیاوردم بلکه خدا او را به ازدواج وی در آورد. (تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۲۷)

بانو فاطمه سلام الله عليها با این ازدواج، افتخار همسری علی امیرالمومنین علیه السلام را پیدا کرد و علی علیه السلام افتخار همسری سیده بانوان عالمین و پاره تن محمد صلی الله علیه و آله را. حتی فاطمه زهرا سلام الله عليها، یگانه دخت عزیز دردانه رسول الله صلی الله علیه و آله و سرور بانوان بهشتی هم، از زخم زبان های مردم زمان خود در امان نبود. هنوز چند روزی از ازدواج مبارکش با امیرمومنان علی علیه السلام نگذشته بود که زنان تنگ نظر و کوتاه بین مدینه دورش را گرفتند و به او چنین گفتند: حیف تو نبود که با وجود آن همه خواستگار پولدار و ثروتمند، پدرت تو را به مردی داد که دلش از مال دنیا خالی است؟

فاطمه سلام الله عليها این مطلب را با پدر بزرگوارش رسول الله صلی الله علیه و آله در میان گذاشت جواب آن حضرت چنین بود: دختر عزیزم! خداوند متعال نگاهی به اهل زمین انداخت و از میان تمامی آنان، دو مرد را (بیش از همه پسندید) برگزید، و (آن قدر تو برایش عزیز بودی که) یکی از آن دو را پدر تو قرار داد و دیگری را شوهر تو... پس از ادای این جمله بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله غنچه لبان فاطمه سلام الله عليها را به لبخند رضایت قلبی کامل، شکوفا یافت (امام علی تاریخ دمشق ج ۱ ص ۲۶۹)

امام حسین علیه السلام نقل میکند: آن زمان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بود، صرصائیل (یکی از فرشتگان الهی) نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: نور را به عقد نور درآور. سپس در حضور جبرئیل و میکائیل و صرصائیل، فاطمه سلام الله عليها را به عقد علی علیه السلام درآورد.

علی؛ از مال دنیا چه دارد؟ شمشیر؛ شتر و زره. شمشیر را برای جهاد و شتر را برای آبرسانی شغلتش و زره را به فروش میرساند و پولش را برای مهریه میگذارد و در کنار منزل پیامبر منزل میگیرند

پیامبر هم برای مصلحت اسلام و پیوند با قریش عایشه دختر ابوبکر و سپس بیوه ای به نام ام سلمه را به همسری انتخاب کرده بود.

تجلی اطاعت خدا در زندگی خانوادگی فاطمه سلام الله عليها

چند روزی از عروسی فاطمه سلام الله عليها دختر محمد صلی الله علیه و آله نگذشته است. پدرش دوست دارد بداند دامادش علی علیه السلام از زندگی و تازه عروس خود خوشنود است علی علیه السلام را می خواند و از او می پرسد: **کیف وجدت اهلک؟**؛ همسرت را چگونه یافتی؟ فقال: **نعم العون علی طاعه الله؛** علی علیه السلام او بهترین یاور بر اطاعت خداست.

پاسخی که امیرمؤمنان علی علیه السلام به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌دهد می‌توان دغدغه و فلسفه زندگی آن حضرت علیه السلام را دانست که چه هدف و فلسفه ای برای زندگی خود دارد. این گونه است که براساس فلسفه زندگی خود، **سبک زندگی** خویش را سامان می‌دهد. براساس آنچه در گزارش های قرآنی و نیز در تاریخ و احادیث و روایات آمده، معلوم می‌شود که علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها **کفو** هم بوده اند و تبیین هر یک بیانگر تبیین دیگری از فلسفه زندگی است.

خداوند در آیاتی بیان می‌کند که هر دو نفس پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و فلسفه و سبک زندگی آنان یکی است. از این رو، می‌توان گفت که آنان قرآن مجسم هستند. امیرمؤمنان علیه السلام در بیان فلسفه زندگی خود اطاعت خداوند را همه هدف زندگی خود می‌داند؛ از این رو زندگی خانوادگی خود را بهترین کمک بر این مهم معرفی می‌کند و همسرش را بهترین معاون در اطاعت خداوند و عمل به فلسفه زندگی خود می‌داند. فاطمه سلام الله علیها چون می‌دانست که زندگی اش می‌بایست در راستای یاری در اطاعت الهی باشد، هرگز کاری نمی‌کرد که حضرت علی علیه السلام مشغول به کاری شود که او را از اطاعت خداوند دور کند. ولادت حسن علیه السلام خاطره شیرین پیروزی های جنگ بدر را شیرین تر می‌سازد. در شعبان سال چهارم، ولادت حسین علیه السلام گرمی تازه ای به خانه علی علیه السلام می‌دهد **أَلْحَسَنُ وَ أَلْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ذَرِيَّةِ رَسُولِ أ.**

فاطمه کیست؟ فاطمه سلام الله علیها را به اوصاف و القابی ستوده اند؛ او ولی خداست، محل اسرار رب العالمین است، دختر ولی خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله است و همسر ولی دیگر خدا، امیرمؤمنان علیه السلام و مادر اولیای خدا از حضرات ائمه و معصومان علیه السلام است. او ذخیره بزرگ الهی و ذخیره دار حجت خداوند است. نور چشم رسول است، دردانه خدیجه کبری سلام الله علیها است، معجزه تربیت محمد است و پرورنده امامان و حجت های الهی، مهدی ذخیره امت و بقیه الله فی الارض از فاطمه پدید آمده، فاطمه مظهر عفت است، مظهر طهارت نفس، تقوا، مظهر حلم و متانت، ادب، خدمت، مظهر شجاعت، مظهر عصمت، مظهر مظلومیت، مظهر حق طلبی، مظهر مبارزه و سیاست، مظهر عبادت، مظهر عشق به خدا، مظهر رحمت و مظهر اشک و آه و ناله، مظهر عصیان علیه ظلم و تجاوز و مظهر قهر علیه دشمنان خدا.

فاطمه برتر از فرشتگان و پیامبران: فاطمه سلام الله علیها انسان است ولی تعبیرات دیگران، از جمله رسول خدا درباره او تعبیر فرشته ای است در صورت انسان. **فاطمه خلقت حوریة فی صورة انسیة** (بحارالانوار ج ۴۳ ص ۹۱)

و بر اساس پاره ای از دیگر روایات او فوق فرشته است و حتی فرشتگان در خدمت او بودند، و از انفاس قدسیه اش بهره می گرفتند. کدام فرشته است که خدای را چون فاطمه با تمام وجود پرستیده باشد؟ و با آن همه علم و ایمان و اخلاص در پیشگاه او به خضوع و خشوع بایستد؟ و کدام فرشته است که پیک الهی در ورود به آستانش از او اجازه بطلبد؟ فرشته مرگ در زمان رحلت رسول خدا باید از او اجازه ورود بطلبد.

شکیبایی فاطمه در پاسخ به سؤالات زنی به حضور حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها آمد و گفت: من مادر پیر و ناتوانی دارم که مسئله ای مربوط به نماز برای او پیش آمده و نسبت به احکام نمازش دچار شبهه و اشتباه شده است به همین جهت مرا به نزد شما فرستاده که از شما بپرسم. حضرت فاطمه سلام الله علیها به پرسش او پاسخ داد. او بار دوم پرسید، حضرت جواب داد، بار سوم پرسید، حضرت پاسخ داد تا اینکه آن زن از زیادی پرسش های خود خجالت زده و شرمنده شد، حضرت با تحمل و صبر و بردباری فرمود: من برای پاسخ به هر یک از این پرسش ها بیش از آن چه میان زمین و عرش الهی پر از مروارید و جواهر شود، مزد و پاداش می گیرم. پس من سزاوارترم به این که این کار برای من سنگین و سخت نباشد و احساس دشواری نکنم.

من از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: همانا علما و دانشمندان شیعه ما در روز قیامت در حالی محشور می شوند که به اندازه بار علم و دانش و کوششی که در راه ارشاد و هدایت بندگان خدا برداشته اند، بر قامت شان خلعت های کرامت و بزرگواری پوشانده می شود. تا به هر یک از آنها هزاران حله نورانی اعطا شود

حضرت زهرا سلام الله علیها بالاترین ظرفیت تبلیغ اسلام در جهان امروز است و می توانیم به صورت نمونه عینی و عملی ایشان را به جهانیان معرفی کنیم. جهان بشریت تشنه این است که مادری مانند حضرت زهرا داشته باشد؛ ایشان برای همه ابنای بشر می تواند مادر باشد. نام فاطیما که عبارت دیگری از نام فاطمه به زبانی دیگر است نامی بین المللی است و برخی تحلیل و اخباری از ارادت هایی که در آمریکای لاتین و دیگر نقاط دنیا مانند مصر نسبت به ایشان وجود دارد ارائه می کنند

سالهاست که همت خود را صرف اهانت به پیامبر خاتم کرده اند اما اگر مردم عالم خبر داشته باشند که این پیامبر دختری مانند حضرت زهرا دارد دلشان نمی آید که به پیامبر اهانت کنند. این اشتباه بزرگ را باید جبران کنیم. همه زیارتنامه های ما جهانی است ما در زیارتنامه ها به نوح و عیسی و انبیای همه ادیان عالم سلام می دهیم؛ ما ظرفیت جهانی زیادی داریم اما جهانی نشده ایم. حضرت زهرا سلام الله علیها در رأس چهار زن بزرگوار عالم قرار دارند و باید ایشان را جهانی معرفی کنیم

مشهورترین لقب دختر پیامبر خدا و همسر علی بن ابی طالب **فاطمه** است. این لقب نیز گویای لزوم محبت و عشق و دوستی جهانیان نسبت به فاطمه زهرا سلام الله عليها می باشد. جابر بن عبدالله انصاری گفته است پیامبر خدا **صلی الله علیه و آله** فرمود: **انما سمیت ابنتی فاطمه لان الله فطمها و فطم محبيها عن النار** دخترم، فاطمه نامیده شده زیرا خداوند او و دوستدارانش را از آتش بریده و جدا کرده است (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۶).

آری حضرت فاطمه از آتش رهاست و سرآمد زنان اهل بهشت از ازل تا ابد خواهد بود. در این حدیث نبوی چیستی و چرایی نام فاطمه بیان شده. دختر پیامبر فاطمه نام گرفت چون خداوند او و محبان فاطمه را از آتش نجات داده. بنابراین لقب فاطمه منشأ الهی دارد و خدای متعال فاطمه و عاشقانش را از آتش رهایی بخشیده است.

همه موحدان تاریخ درصدد نجات از آتش جهنم و ورود به بهشت بوده اند. به حکم این حدیث، محبت فاطمه راه نجات از آتش جهنم است. همسر فاطمه زهرا **عليها السلام** نیز درباره وجه تسمیه و علت نامگذاری دختر پیامبر به فاطمه فرموده اند: **انما سمیت فاطمه لان الله فطم من أحبها عن النار** (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۳-۱۵ علل الشرایع ص ۱۷۹). شناخت فضایل و اخلاق و صفات حضرت فاطمه و تلاش همه جانبه برای فاطمی زیستن نیز بخشی از محبت و مودت به حضرت فاطمه است. محبت اعتقادی و پیروی عملی از حضرت فاطمه و عمل بر طبق سیره ایشان عامل رهایی از آتش جهنم است. باید فاطمه را شناخت و فاطمی زیست و از فاطمیون شد و در آخرت از جهنم رهایی یافت.

در خصوص شخصیت حضرت زهرا سلام الله عليها به سادگی نمی توان سخن گفت در میان فریقین؛ شیعه و سنی مبنی بر فاطمة سيدة نساء العالمین: سیده در زبان عربی در دو معنا به کار می رود گاهی اوقات یک خانم، سیده خطاب می شود و بعضی اوقات سیده به معنای سیادت و برتری او نسبت به سایر افراد است. وقتی این تعابیر در خصوص شخصیت حضرت زهرا سلام الله عليها به کار می رود به معنای آن است که ایشان نسبت به مجموعه زنان عالم، نه فقط در یک برهه زمانی، نه یک مکان خاص، بلکه نسبت به تمام زمان ها و مکان ها و تمامی مراحل وجود، ایشان مقام سیادت و برتری را نسبت به تمام زنان عالم دارند.

چرا آن حضرت را زهرا نامیده اند؟ مرحوم فیض از حضرت امام باقر **عليه السلام** حدیثی نقل می کند، **لِمَ سمیت الزهراء، زهراء؟** اسما و القاب بزرگان و اولیای خدا، هر یک اشاره

به کمالی دارد. کلمه زهرا، یعنی درخشنده، به خاطر درخشش خاصی که داشته به این نام نامیده شده. خداوند او را از نور عظمت خودش خلق کرد و سپس به تناسبی اجازه اشراق و تجلی به او داد. همین که از خود درخششی نشان داد، تمام آسمانها و زمین منور گشت و فرشتگان به سجده افتادند و گفتند: **يا الهنا و سيدنا ما هذا النور؟** این چه نوری بود؟ خطاب آمد: **هذا نورٌ من نوری خلقته من عظمتی أسکنته في سمائی** این نوری از نور من است و از عظمت خودم آفریده و در آسمانها جایز دادم؛ **و أخرجه من صلب نبی من انبیائی و أفضله علی جمیع الأنبياء** او را از صلب پیامبری از پیامبرانم به وجود می آورم و بر همه انبیاء تفضیلش (برتریش) می دهم. **و أخرج من ذلك النور أئمة یقومون بأمری** و از این نور، امامانی ظاهر می سازم که قیام به امر من بنمایند، اینجا، ملائکه به این کیفیت زهرا را شناختند.

محدثه بودن حضرت زهرا سلام الله علیها محدث به کسی می گویند که حدیث بیان کند. چون حضرت زهرا سلام الله علیها هم از طریق پدر بزرگوارشان حدیث بیان می فرمودند و هم از جانب پروردگار متعال و جبرائیل حدیث بیان می فرمودند این لقب را به ایشان دادند. جبرائیل بعد از ارتحال رسول الله برای وحی بر احدی نازل نشد، اما بعد از شهادت پیامبر، وقتی حضرت زهرا زیاد می گریستند که یکی از گریه کنندگان عالم بودند، جبرائیل برای عرض تسلیت و برای تسلی دل، بر حضرت زهرا سلام الله علیها نازل می شد.

باز هم امیرالمومنین علیه السلام می فرماید که ناگهان دیدم حضرت زهرا سلام الله علیها می فرماید: یا علی این جبرائیل است که بر من وارد شده است و بر من اخباری را بیان می کند. امیرالمومنین علیه السلام قلم و کاغذ آوردند و فرمودند: فاطمه جان هر چه جبرائیل می گوید بگویند تا من بنویسم، حضرت زهرا سلام الله علیها شروع کردند به بیان کردن و امیرالمومنین علیه السلام می نوشتند آن اخبار را و این شد **صحیفه حضرت زهرا سلام الله علیها** که امام صادق علیه السلام فرمودند: صحیفه مادرمان حضرت زهرا سلام الله علیها چهار برابر قرآن است، حکم حلال و حرام در او نیست، بلکه اخباری است از آیندگان و اسامی شیعیان ما در او ذکر شده. به خاطر همین نقل حدیثی از امام باقر علیه السلام که حضرت زهرا سلام الله علیها از جبرئیل بیان می کردند حضرت زهرا را محدثه نامیدند.

امام صادق علیه السلام فرمودند که حضرت علیها السلام در نزد خداوند ۹ نام دارد: **فاطمه مبارکه صدیقه طاهره زکیه راضیه مرضیه محدثه و زهرا. ام الائمة:** مادر امامان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چندین بار به دختر عزیزش فرمود: ای فاطمه سلام الله علیها تو را بشارت می دهم که از نسل تو یازده فرزند معصوم، امام مردم خواهند شد

و آخرین آنها مهدی (ارواحنافداه) است. **ام ابیها** (یعنی مادر و دلسوز پدرش) چون رسول خدا دلسوزی وی را می‌دید اشک می‌ریخت و می‌فرمود: او مادر پدرش است. **ام الحسن و ام الحسین - ام المحسن**. **سیده النساء العالمین** دیگر صفات و القاب حضرت :

(۱) **انسیه** : زنی که خصلتهای خوب انسانی در او متجلی است.

(۲) **بتول** : زن پاک و دور از هرگونه آلودگی. (۳) **تقیه** : پاک و بی گناه.

(۴) **حبیبه** : دوست و رفیق، دوست داشتنی. (۵) **حرّه** : زن آزاده، زنی که اسیر شهوات نیست. (۶) **حوریه** : زن بهشتی، فرشته خصال.

(۷) **حوراء** : فرشته، زنی که خصلتهای خوب فرشتگان را در خود به وجود می آورد.

(۸) **راضیه** : زنی که به مقدرات خداوند راضی باشد.

(۹) **راکعه** : اهل رکوع و تواضع در برابر خدا (۱۰) **رشیده** : زن فهمیده و صاحب خرد را گویند. (۱۱) **رضیه** : زنی که به مقام رضا می رسد.

(۱۲) **ریحانه** : گل خوشبوی، لطیف و مهربان، تعبیر لطیفی از موجود زن.

(۱۳) **زکیه** : زن پاک و باتقوا، در حال رشد و ترقی. (۱۴) **زهراء** : درخشنده و تابان.

(۱۵) **زهرة** : درخشان، نورانی (۱۶) **ساجده** : زنی که در پیشگاه خدا سر بر سجده بساید

(۱۷) **سعیده** : زن خوشبخت. (۱۸) **سیده** : سرور، خانم.

(۱۹) **شهیده** : زنی که در راه خدا جان را فدا نماید. (۲۰) **صابره** : زن شکیب و بردبار.

(۲۱) **صادقه** : زن راستگو و درست کردار. (۲۲) **صدوقه** : زن راستگو با کرداری صحیح.

(۲۳) **صدیقه** : زنی که در راستگویی شهره شود و در عمل نیز درست کردار باشد.

(۲۴) **طاهره** : زن پاک دامن و دور از رذایل. (۲۵) **طیبه** : پاک و پاکیزه.

(۲۶) **عارفه** : زن با شناخت و درک کامل. (۲۷) **عالیه** : زن بلند همت و دور اندیش.

(۲۸) **عدیله** : نظیر و مانند. (فاطمه ی زهرا **علیها السلام** را « عدیله ی مریم » می نامند زیرا این هر دوی این بانوان در پاکی و طهارت ضرب المثل هستند.)

۲۹) **عذراء** : زن پاکدامنی که پرده ی عفت را کنار نزند. (۳۰) **عزیزه** : زن ارجمند و گرانقدر. (۳۱) **علیمه** : زن دانشمند و آگاه. (۳۲) **فاضله** : زن صاحب فضیلت.

۳۳) **فاطمه** : بریده شده از آتش، جهل و هر بدی. (۳۴) **فریده** : زن یگانه در نفیس بودن. (۳۵) **کریمه** : زنی که اهل کرم و جود و سخاوت است. (۳۶) **گوثر** : خیر فراوان.

۳۷) **کوکب** : درخشنده و درخشان. (۳۸) **مبارکه** : زنی که در او خیر بسیار باشد. (۳۹) **مبشره** : بشارت دهنده. (۴۰) **محدثه** : زن حدیث کننده.

۴۱) **محموده** : پسندیده، زن مورد پسند خداوند. (۴۲) **مطهره** : زن پاک و عاری از گناه و زشتی. (۴۳) **مرضیه** : زن کاملی که خداوند نیز از او راضی است

۴۴) **معصومه** : زنی که هیچ گاه گناه نکرده باشد. (۴۵) **ملهمة** : زنی که خداوند بر دل او الهام می فرستد.

۴۶) **ممتحنه** : زنی که امتحان شده و از آزمایش سرافراز بیرون آمده است.

۴۷) **منصوره** : زن یاری شده. (۴۸) **موقّقه** : زنی که توفیقات الهی همراهش باشد.

۴۹) **مهدیه** : زنی که خداوند او را هدایت می کند. (۵۰) **مومنه** : زن با ایمان به خداوند و روز قیامت. (۵۱) **ناعمه** : زن خوش زندگانی، شادا (۵۲) **نقیه** : پاک و بی گناه.

۵۳) **والهه** : شیفته و عاشق. (۵۴) **وحیده** : یگانه، تنها، بی همتا. (۵۵) **حانیه**: آن که به شوهر و فرزندان خود بسیار مهربان است. (۵۶) **حصان**: پارسا و عفیف

حدیث کساء: خداوند افراد خاندان نبوت را با محوریت زهراء سلام الله علیها معرفی می کند. خدا در عالم بالا و در میان فرشتگان به وجود اصحاب کساء مباهات می کند که من تمام عوالم را به پاس محبت این پنج تن آفریده‌ام. آن گاه سؤال می کنند: **یا رب و من تحت الکساء** خدایا اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: **هُم فاطمه و أبوها و بعلها و بنوها** اینجا خداوند متعال فاطمه سلام الله علیها را مرکز قرار داده و همه را از طریق انتساب به او معرفی کرده و فرموده: اصحاب کساء، فاطمه و پدر فاطمه و همسر فاطمه و فرزندان فاطمه اند (بحارالانوار ج ۴۳ ص ۵۲ المحجه البیضاء ج، ص ۲۱۳) معلوم می شود که فرشتگان بر اثر خاطره‌ای، یک شناسایی قبلی نسبت به فاطمه سلام الله علیها داشتند و آن خاطره، همان اشراق و جلوه‌ای از زهرا سلام الله علیها در عالم بالا بود که فرشتگان تحت تاثیر شدید آن قرار گرفته و به سجده افتادند.

حضرت زهرا سلام الله علیها در ردیف ائمه معصومین هستند و علم آن بزرگوار همان علم امیرالمومنین و علم ائمه علیهم السلام است. شبی امیرالمومنین تشریف آوردند به منزل و به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند: که فاطمه جان من امشب می خواهم به منزل پدرتان بروم و شب در آنجا بمانم. آن شب مولا به منزل پیامبر گرامی رفتند و قضایا را از اول خلقت شروع کردند بیان کردن، از نیمه شب تا صبح امیرالمومنین علیه السلام برای پیامبر اکرم شروع به صحبت کردند از آن زمان تا قیامت را، و پیامبر تأیید می فرمودند. بعد هم صبح به مسجد آمدند و نماز را پشت سر حضرت رسول صلی الله علیه و آله اقامه کردند.

پیامبر و امیرالمومنین تشریف بردند منزل. حضرت زهراء : یا علی من بگویم که دیشب بین شما و پدرم رسول الله چه گذشت، آنچه بود بیان داشتند. وقتی این جمله را حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود امیرالمومنین علیه السلام پشت به زهرا نکرد و عقب عقب از خانه بیرون آمد و به نزد پیامبر بازگشت، پیامبر فرمودند یا علی چه شد؟ چرا برگشتید؟ علی علیه السلام جریان را بیان کردند و پیامبر فرمودند: بلی یا علی، زهرا هم از ماست.

مقام فاطمه سلام الله علیها بزرگتر از مقام برخی انبیاء کتاب شریف اصول کافی نقل می کند: جبرئیل بر وجود مبارک فاطمه سلام الله علیها نازل می شد، این نشانه آن است که مقام آن حضرت نسبت به برخی از انبیاء، بزرگتر و برجسته تر است. این نه برای آن است که زن های بزرگ در عالم کم اند! اگر از علیّ تجلیل می شود، نه برای آن است که مرد های بزرگ در عالم کم اند! مردان بزرگ در عالم خیلی اند، اما علی خیلی بزرگ است. زنهای بزرگ هم در عالم خیلی اند، اما فاطمه خیلی بزرگ است.

فضایل فاطمه سلام الله علیها از زبان قرآن برخی از این فضایل اکتسابی است، هر چند که برخی از آن ها جزو اختصاصات آن حضرت سلام الله علیها بوده و نمی توان آن را به دست آورد. **اخلاص** فاطمه سلام الله علیها از اموری است که می توان آن را کسب کرد. خداوند وی را در آیات ۸ و ۹ انسان به اخلاص می ستاید (الکشاف زمخشری ج ۴ ص ۶۷۰) اصولاً اخلاص اصل اساسی در دست یابی انسان به هر فضیلت الهی است. از این رو همواره در آیات قرآن بر اخلاص در عمل تأکید شده است. **يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿۷﴾** وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿۸﴾ **إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿۹﴾** إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿۱۰﴾ **فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿۱۱﴾**

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ خوف از خدا و خوف از قیامت و بیمنای از عذاب دردناک آن (انسان ۷ تا ۱۰) صبر در برابر گرسنگی و ادای مسئولیت و وظایف الهی (انسان ۸ و ۱۲) مظهر عبودیت خداوند بودن (انسان ۶) وفای به نذر (انسان ۷ و ۹) دوستی و محبت خدا (انسان ۸) جزو ابرار و نیکوکاران بودن (انسان ۵ و ۸) و اطعام به نیازمندان در عین نیاز و علاقه به غذای خود (انسان ۸) و اهل ذکر بودن **فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** (نحل ۴۳) از جمله مهم ترین فضایی است که قرآن برای آن حضرت برمی شمارد و هرکسی می تواند با اسوه قرار دادن آن حضرت سلام الله علیها آن را به دست آورد.

البته از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بودن **وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا** (طه ۱۳۲) و از خویشاوندان و ذی القربی آن حضرت بودن **وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ** (اسراء ۲۶) و یا شجره طیبه الهی بودن **أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ** (ابراهیم ۲۴)

و شرکت در مباحله **تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ** (آل عمران ۶۱) و تعلق گرفتن اراده الهی به عصمت آن حضرت **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (احزاب ۳۳) بیرون از اختیار آن حضرت سلام الله علیها بوده و نمیتوان آنرا الگوی خود قرار داد. با این همه میتوان با استفاده از روش آن حضرت سلام الله علیها در تقرب جویی به خداوند و متاله شدن (بقره ۳) به عصمتی عام دست یافت که از ویژگی های انسان کامل است

همان گونه که حضرت آدم علیه السلام برای پذیرش توبه به حضرت سلام الله علیها توسل جسته است ما نیز می توانیم با توسل به آن حضرت سلام الله علیها خشنودی خدا را به خود جلب کنیم و مغفرت الهی را بدست آوریم. (بقره ۳۷ و نورالثقلین ج ۱ ص ۶۷ الدر المنثور ج ۱) آن حضرت سلام الله علیها با بهره گیری از فرمان های الهی و اطاعت از آن، توانست به مقامات و فضایل بسیاری دست یابد که برای همگان شدنی است. آن حضرت هر چند از یک نظر در مقام برتر و والاتری است که دور از دسترس آدمی است ولی از جهاتی دیگر می توان وی را الگو قرار داد؛ زیرا معرفی کردن ایشان و تبیین خصوصیات آن حضرت برای آن است که ایشان را اسوه و الگوی رفتاری خویش قرار دهیم. بدین ترتیب خانه علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها به خانه ای دارای رفعت و منزلت تبدیل می شود (نور ۳۶ الدر المنثور ج ۶ ص ۲۰۳) و لذا می توان با اسوه قرار دادن ایشان چنین خانه و زندگی را برای خود ساخت که از سوی خداوند بلند و رفیع شود.

حجاب فاطمه سلام الله علیها و رفتار وی با نامحرمان که از سوی خداوند فرمان آن را یافته است، بهترین حجاب برای حفظ حرمت و احترام و صیانت از شخصیت زن است. براین اساس هرکسی که می خواهد به آرامش و امنیت دست یابد، باید از حجاب فاطمی بهره گیرد. **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِجَالِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ** (احزاب ۵۹) رفتار و شخصیت آن حضرت سلام الله علیها موجب شده تا خداوند دوستی آنان را بر مؤمنان واجب کند، لازمه دوستی و محبت به اهل بیت علیهم السلام اطاعت از فرمان آنها و رفتار براساس رفتارهای ایشان است. همین دوستی که لازمه آن اطاعت و الگوبرداری از ایشان است، موجب می شود تا انسان ها از عنایت خاص خداوند بهره مند شوند. چنانکه خداوند در آیه ۲۳ شوری دوستی و محبت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را موجب بهره مندی شخص از پاداش مضاعف الهی می داند **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى .**

منزلت حضرت فاطمه سلام الله علیها در سوره کوثر

پیش از اسلام در دوران جاهلیت، زن ابزاری بی اراده بود در دست مرد و ماشین بهره کشی، زن فقط می بایستی پسر به دنیا بیاورد و برای مرد راحتی جسمی و روحی ایجاد نماید، در عربستان چنان وضع بدتر و اسفناک تر بود که چنانکه به مردی خبر میدادند خداوند برای تو دختری داده، پدر از غصه نزدیک بود سگته نماید

دختران را زنده به گور می کردند و این سنت مذموم تا قیام پیامبر صلی الله علیه و آله رواج داشت و اگر رسول گرامی به رسالت مبعوث نمی شد چندان طولی نمی کشید که نسل عرب به مخاطره می افتاد. بعثت رسول اکرم نعمت و لطف بی پایان خداوند نه برای ملت عرب بلکه به تمامی انسان های گمراه و درمانده جهان بود. خداوند برای ازدیاد نسل بشر هم مرد و هم زن را آفریده و نباید این دیدگاه وجود داشته باشد که دختر نیز مخلوق و آفریده با ارزش خداوند می باشد.

و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله گواه این امر است و نسل ایشان از طریق دختر والا تبارش فاطمه علیها السلام بوجود آمده و ایشان الگوی کامل و بارز زن مسلمان است که در شان ایشان سوره کوثر نازل شده: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾** درباره شان نزول سوره کوثر اکثر مفسرین عقیده دارند که این سوره درباره حضرت فاطمه سلام الله علیها نازل شده، امروزه بعد از ۱۴۰۰ سال مسلمان به چشم خود اعجاز این خبر غیبی را می بینند

و به حقیقت قرآن پی میبرند که خدا قادر و توانا وفا به وعده خود نمود و از نسل همان یک دختر عالم را پر از سادات و اولاد رسول گرامی نموده است. که از ۶۰ هزار کودک از بنی امیه در زمان حکومتشان حتی یک نفر در دنیا پیدا نمی شود. ولی اولاد رسول خدا **صلی الله علیه و آله** و فاطمه زهرا **سلام الله علیها** در تاریخ اسلام زندگی و حضور معنوی و حماسی داشته اند.

نعمت کوثر با بیان آشکاری به نسل و عقبه تفسیر می شود و این که پروردگار متعال پیامبر گرامی خود را به اعطای کوثر افتخار داده و دشمنانش را مقطوع النسل و دنباله بریده نامیده اعلام می دارد که کوثر کانون نسل و مایه ذریه رسول الله است.

و از آنجایی که نسل پیغمبر **صلی الله علیه و آله** جز فاطمه زهرا **سلام الله علیها** در جهان نیست به این نتیجه می رسیم که کوثر عنوان پر افتخاری برای حضرت فاطمه است. در این سوره خداوند به رسول خود که آورنده نماز هست دستور می دهد که **فصل** نماز بخواند، یعنی به خاطر این لطف و نعمتی که خدا به وی داده شکر و سپاس نماید. خداوند برای نعمت های دیگر، رسالت و صدها الطاف و رحمت خود که به بندگان و مومنان داده است و این دستور فقط برای زهرای مرضیه است.

و آن **نحر** نیز قربانی کردن به افتخار زهرا **علیها السلام** می باشد. از یک دختر کوثری بیکران در تمام ادوار تاریخ و در تمام نقاط دنیا فواره می زند و تا قیامت پایدار خواهد بود.

امامان معصوم ثمره و نتیجه تربیت و فضایل زنی بودند که در تاریخ بی همتا است. و هیچ زنی از لحاظ فضیلت و ایمان و دینداری در طول تاریخ به حضرت فاطمه نمی رسد.

سوره کوثر در زمانی نازل شد که چندین سال قبل از آن اعراب جاهل به دختر و شان و منزلت زن در جامعه اهمیت نمی دادند و قرآن کریم ثابت کرد که دختری چون فاطمه الزهرا **سلام الله علیها** از پدر بزرگواری چون پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** نشانه بهشت و الگوی یک زن شایسته و نمونه در سرتاسر تاریخ جهان است.

مقام والای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها فقط از منظر معصومین (علیهم السلام) که همتای ایشانند، قابل بیان است. کلمات و سخنان این بزرگواران حکایت از کرامت و عظمت والای این بانوی عالمه دارد.

حضرت زهرا سلام الله علیها از منظر امیرالمومنین علیه السلام منزلت و جایگاه رفیع حضرت زهرا در نزد حضرت علی نشانگر اوج شخصیت زن در نگاه اوست، یک زن می تواند چنان بالا رود که مایه مباهات و افتخار امام علیه السلام گردد. شخصیت بزرگی چون علی به همسری فاطمه افتخار می کند و همسری با او را برای خود فضیلت و ملاک برتری بر دیگران و شایستگی پذیرش مسئولیت های سنگینی چون رهبری جهان اسلام می داند. برخی از موارد که حضرت برای اثبات حقانیت خود به داشتن همسری فاطمه استناد فرموده اند عبارت است از:

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به ادعاهای بی اساس معاویه مبنی بر فضایل امویان در نامه ای می نویسد: ... دو سید جوانان اهل بهشت از ماست و **صبیه النار** از شماست، کودکانی که نصیب آنان آتش گردید. بهترین زنان جهان از ماست. و **حماله الحطب** آن که هیزم کشد برای دوزخیان، از شماست. در شعری که به ایشان منسوب است، می فرماید: من به فاطمه و فرزندانش مباهات می کنم! آن گاه به رسول خدا صلی الله علیه و آله افتخار می کنم در آن هنگام که فاطمه سلام الله علیها را به همسری من درآورد. در جریان سقیفه حضرت ضمن برشمردن فضایل و کمالات خویش و این که باید بعد از پیامبر، او رهبری و هدایت جامعه اسلامی را عهده دار شود به ابوبکر فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم! آیا آن کس که رسول خدا او را برای همسری دخترش برگزید و فرمود خداوند او را به همسری تو [علی] در آورد من هستم یا تو؟ ابوبکر پاسخ داد: تو هستی (بحارالانوار ج ۴۱ ص ۱۵۱ و ۲۲۴)

فاطمه رکن علی است از مقامات ممتازی که مخصوص پیامبر و حضرت فاطمه می باشد رکن بودن برای علی است. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: **سلام علیک یا ابا الریحانتین، فعن قلیل ذهب رکناک**. چه تعبیر لطیف و زیبایی همان تعبیر حضرت علی علیه السلام در مورد زن که فرمودند زن ریحانه است. (علامه الحافظ محب الدین الطیری)

پیامبر نیز فرمودند: سلام بر تو ای پدر دو گل [زینب و ام کلثوم] به زودی دو رکن تو از دست می‌روند. علی بعد از رحلت پیامبر فرمودند: این یکی از دو رکن بود و بعد از شهادت حضرت زهرا فرمودند: این رکن دیگر است.

حضرت زهرا بعد از ارتحال رسول اکرم به زنان بنی‌هاشم که او را یاری می‌کردند و زینت‌ها را رها کرده و لباس سوگ در بر نموده‌اند، فرمود: این حالت را رها کنید و بر شماست که دعا و نیایش نمایید با این که حضرت علی معصوم بوده و تمام گفته‌های او حجت است ولی برای تثبیت مطلب به سخن زهرا **علیها السلام** تمسک می‌کند. این نشانگر عصمت حضرت بوده و این که تمام رفتار، گفتار و نوشتار او حجت است و از این جهت فرقی بین زن و مرد نیست.

از نگاهی دیگر امام : در آخرین لحظات عمر مبارک حضرت فاطمه **سلام الله علیها** وصایای خویش را به همسرشان می‌نمودند که ای پسر عمو! تو هرگز مرا در دوران زندگی، دروغگو و خائن نیافتی و هرگز با فرمانت مخالفت نکردم. **علی علیه السلام** که شاهد درگذشت تنها یاور و تسلی بخش خود است، می‌فرماید: پناه به خدا! تو داناتر و پرهیزگارتر و گرمی‌تر و نیکوتر از آنی که من به جهت مخالفت کردنت با خود، تو را نکوهش کنم. دوری از تو و احساس فراق بر من گران خواهد بود ولی گریزی از آن نیست. به خدا سوگند! با رفتنت مصیبت رسول خدا **صلی الله علیه و آله** را بر من تازه کردی. **انا لله و انالیه راجعون** از این مصیبت بزرگ و دردناک و تأثرآور و حزن‌انگیز! دقت در کلام **علی علیه السلام** در این لحظات، شدت علاقه و احترامش را به فاطمه می‌رساند. در نگاه امام **علی علیه السلام** فاطمه در چنان مرتبه والایی از زهد و خداترسی و عمل به احکام الهی قرار دارد که تصور مخالفت او با همسرش ممکن نیست.

از نگاه امام حسن مجتبی علیه السلام امام حسن **علیه السلام** در موارد بسیاری از مادرشان سخن گفته‌اند. از جمله: شبی دیدم مادرم در محراب به نماز ایستاده است و تا طلوع خورشید مشغول رکوع و سجود بود و شنیدم برای یکایک مردان و زنان دعا می‌کرد و آنان را نام می‌برد ولی برای خود چیزی نخواست. عرض کردم: مادر! چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: فرزندم! اول همسایه بعد از آن خانه.

از نگاه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، در آن هنگام که لشکر دشمن، امام حسین **علیه السلام** را احاطه کرد. ایشان ضمن خطبه مفصلی فرمودند: مرا بین کشته شدن

و ذلت مخیر کرده اند و من هرگز تن به پستی نمی دهم. خدا و رسول، مرا از چنین کاری باز می دارند. همچنین نیاکان پاک و دامنه‌های مطهر و پاکیزه اجازه چنین پذیرشی را به من نمی دهند. در یک کلام، امام حسین علیه السلام دلیل پایمردی و مقاومت خویش را تربیت الهی فاطمه سلام الله علیها میدانند.

از نگاه امام سجاد علیه السلام امام می فرماید: وقتی که قیامت فرا رسد، منادی ندا می دهد: در این روز، ترس و اندوهی به خود راه ندهید. همه خوشحال از این عفو عمومی، سر بالا می برند. فاطمه سلام الله علیها وارد محشر می شود و گفته می شود کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و مسلمان شدند به جز مسلمانانی که دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستند، همگی سرها را به زیر اندازند آن گاه اعلام می شود: این است فاطمه سلام الله علیها دخت محمد صلی الله علیه و آله. او و همراهانش به سوی بهشت می روند. خداوند فرشته ای را خدمت وی می فرستد و می گوید: حاجت را از من بخواه! فاطمه سلام الله علیها عرض می کند: پروردگارا! حاجت من آن است که مرا و کسانی را که فرزندان مرا یاری کردند، مورد عفو قرار دهی.

از نگاه امام جعفر صادق علیه السلام: فاطمه سلام الله علیها، صدیقه کبری است. محور حرکت انسانهای گذشته، معرفت و شناخت حضرت فاطمه بوده. نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر اینکه به فضیلت آن حضرت اقرار نموده، محبت او را دارا باشد. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه **انا انزلناه فی لیله القدر** می فرماید: منظور از «لیله»، فاطمه و منظور از «قدر»، خداوند است. هر کس فاطمه را آن گونه که سزاوار است، بشناسد، «لیله القدر» را درک کرده است. (مرحوم مجلسی)

از نگاه امام موسی کاظم علیه السلام همانا فاطمه سلام الله علیها، صدیقه و شهیده است. در خانه ای که اسم محمد یا علی، حسن، حسین، جعفر، عبدالله و از زنان فاطمه باشد، فقر و تنگدستی وارد نخواهد شد.

از نگاه امام رضا علیه السلام امام از اجداد گرامی اش نقل میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: سه فضیلت به تو داده شده که به من داده نشده. علی علیه السلام عرض کرد: چه چیزهایی؟ فرمود: تو پدر زنی چون من داری، همسری چون فاطمه به تو داده شده، حسن و حسین به تو داده شده. امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار خود از رسول خدا: پس از ازدواج علی و فاطمه علیه السلام، خداوند عزوجل فرمودند: اگر علی علیه السلام را نمی آفریدم، برای دخترت فاطمه همتا و همسری در یافت نمی شد.

از نگاه امام جواد علیه السلام امام خطاب به موسی بن قاسم که گفت: در حج از طرف مادرت نیز زیارت کردم، فرمودند: آن را زیاد کن، زیرا که برترین چیزی است که بدان عمل می کنی. زکریا بن آدم نقل میکند: در محضر امام رضا علیه السلام بودم که امام جواد علیه السلام در حالیکه بیش از ۴ سال از عمرش نگذشته بود، وارد شد. وقتی نشست دستش را روی زمین قرار داد و سر به آسمان بلند نمود و مدتی طولانی به فکر فرو رفت. امام رضا علیه السلام فرمود: جانم فدایت! چرا این چنین در اندیشه ای؟ پاسخ داد: به جهت ستم هایی که نسبت به مادرم فاطمه سلام الله علیها انجام دادند.

از نگاه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) حضرت بقیه الله فرمودند: دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه سلام الله علیها برای من سرمشق و الگوی نیکویی است. امام مهدی (ارواحنا فداه) که با ظهور خویش عالم را متحول می سازد، حضرت فاطمه سلام الله علیها را الگوی عملی و حکومتی خویش می شمارد و این، حکایت از مقام عظمای بانوی عالم، حضرت زهرا سلام الله علیها دارد. آنچه مطرح شد، قطره ای از دریای وجود حضرت فاطمه سلام الله علیها بود. به این امید که در قیامت، ما را مشمول عنایت و شفاعت خود قرار دهد.

هنر سجع گوئی : در خطبه و سخنان حضرت فاطمه ادبیات جالبی دارد. در خاندان پیغمبر امری طبیعی بوده، پیش از اسلام سخن به سجع گفتن در مکه رواج داشت. نخستین دسته از آیات مکی قرآن کریم فراوان از این صنعت برخوردار است. دختر پیغمبر و علی علیه السلام و فرزندان او بحکم وراثت، و نیز تحت تاثیر آیه های قرآن به سجع گوئی خو گرفته بودند. در خطبه های علی علیه السلام کمتر عبارتی را می بینیم که مسجع نباشد. هنگامی که زینب علیها السلام در مجلس پسر زیاد به زشت گوئی او پاسخ می داد با بلاغت و فصاحت خاصی سخن می گفت که ... ابن زیاد گفت سخن به سجع مانند پدرش می گوید، گذشته از خاندان هاشم بیشتر مردان و زنان تیره عبد مناف نیز از این هنر برخوردار بودند. **لولم یخلق علی لم یکن لفاطمة کفو** هرگاه علی آفریده نمی شد، کسی که لایق همسری فاطمه باشد وجود نداشت اصولاً در خطبه های اهل بیت علیهم السلام تشبیه، استعاره و کنایه بکار رفته. در بخش های بعدی خواهد آمد



از میان چهار زن بزرگ هستی، فاطمه سلام الله علیها دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله اشرف زنان در همه تاریخ بشریت است. از این روست که نامش بسیار فراتر از همگان می درخشد و خورشید وجودش در کهکشان هستی هر خورشیدی را چون ستاره ای خرد در خود می گیرد. این عظمت و شرافت و بزرگی را نه تنها به نسب بلکه به حسبی برد که با ایمان خالص و تقوای الهی به دست آورد. مجاهدت های وی بود که او را بر تارک هستی نشانند و خداوند خود مدیحه سرای وی گشت و سوره ها و آیات بسیار در کمالش فرو فرستاد.

فاطمه سلام الله علیها فاطمه است و هیچ کس را نمی توان با او سنجید. از این رو کسی جز خداوند نمی تواند در حق این بانوی بزرگ عالم بشریت سخن بگوید؛ زیرا او وجه الله بود و همه هستی اش وجه الله را می جست. لذا خداوند در سوره انسان، از این صفت فاطمی سخن می گوید و بدان وی را می ستاید. بیان همه وجوه و ابعاد وجودی حضرت فاطمه سلام الله علیها حتی بر پایه گزارش های قرآنی که در حق این بانوی کرامت و شرافت آمده است، بیرون از توان هر انسانی است؛ مگر آن که خود یکی از وجودات نوری و نورانی باشد.

فاطمه سلام الله علیها همپایه امیرالمؤمنین است شخصیت زهرای اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته ای است؛ به طوری که همه زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه عظیم جهانی فراموش نشدنی بود

آن خانمی که در دوران کودکی، سختیهای مبارزه دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگیش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین علیهما السلام هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله نبسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دائمی میدان جنگ را نکرده باشد.

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمة زهرا به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است.

جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک طرف، و بین وظایف یک انسان مجاهدِ غیورِ خستگی ناپذیر در برخوردش با حوادثِ سیاسیِ مهم بعد از رحلت پدر که به مسجد می آید و سخنرانی و موضعگیری و دفاع می کند و حرف می زند؛ و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی ناپذیر و محنتپذیر و سختی تحمل کن است، از طرف دیگر. همچنین از جهت سوم، یک عبادتگر و بپادارنده نماز در شبهای تار و قیام کننده و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می کند.

پس، **زندگی فاطمة زهرا**، اگرچه کوتاه بود و طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمة زهراست که بسیار عظیم و فوق العاده و حقیقتاً بی نظیر است و یقیناً در ذهن بشر چه امروز و چه در آینده یک نقطه درخشان و استثنایی است.

جلوه ای از اطاعت خدا روزی حضرت علی علیه السلام وارد خانه شد و دید چهره فاطمه سلام الله علیها زرد شده، از او می پرسد: چرا چهره ات این چنین پژمرده است؟ فاطمه سلام الله علیها پاسخ می گوید: در خانه هیچ غذایی برای خوردن نداریم. علی علیه السلام به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید: چرا به من نگفتید تا برای خانه غذا تهیه کنم. فاطمه سلام الله علیها می فرماید: علی جان! من از خدا شرم دارم چیزی از تو طلب کنم که در توان تو نیست. یعنی فاطمه سلام الله علیها نسبت به همسرش علی علیه السلام شناخت کاملی داشت که اگر توان و استطاعت بیشتری داشت بی گمان آن را برای همسرش انجام می داد و اگر نتوانسته غذایی تهیه کند، حتماً در توان و استطاعت او نبوده.

پس در هر کاری سعی می کردند تا گامی برخلاف خشنودی و رضای خداوند و اطاعت او برندارند، بلکه کاری کنند تا کمک کار همسر بر اطاعت و خشنودی خداوند باشند. زهرا سلام الله علیها در آخرین ساعت های وداع به همسرش گفت: پسر عمو! در طول عمر هرگز به تو دروغ نگفتم و هیچگاه با تو مخالفت نمودم.

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ فرمود: **اوصینی بما احببت. قالت: یا ابن عم ما عهدتني كاذبه و لا خائنه و لا خلفتك منذ عاشرتني. فقال عليه السلام: معاذ الله انت اعلم بالله و ابر و اتقى و اكرم و اشد خوفاً من الله من ان اوبخك بمخالفتي، قد عز علي مفارقتك** آری ای دختر پیامبر! معاذ الله که تو خلافی را مرتکب شده باشی. مرتبه خدا شناسی و نیکوکاری و تقوا و خدا ترسی تو بالاتر از آن است که با من مخالفت کرده باشی. مفارقت از تو بسیار بر من سخت است. [بحار ج ۳۴ ص ۱۹] اما روزهایی چند پس از این ولادت فرخنده، گرد اندوه، حمزه عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله سردار دلیر مسلمانان و ۷۴ تن نو مسلمان در این جنگ به شهادت می رسند. فاطمه سلام الله علیها هر دو یا سه روز، خود را به احد می رساند و بر مزار شهیدان می گریست و آنان را دعا می کرد.

روزی حسن و حسین مریض میشوند علی و فاطمه علیهم السلام سه روز روزه نذر میکنند و افطاری خود را به یتیم، فقیر و اسیر میدهند سوره انسان نازل میشود.

فرزند بعدی او زینب کبری صدیقه توانا، عقيله دودمان وحی، تربیت شده خاندان نبوت، قهرمان و پیام رسان کربلاست همو که در بزرگواری و کرامتش سخن ها گفته اند. آن بانوی گرامی شاهد مبارزات و سختیهای پدر در جنگها بود و پا به پای صبر و شکیبائی و تحمل پدر حرکت میکرد. تا موقعیت اسلام تثبیت شود.

در فاصله ۱۴۰ کیلومتری مدینه قلعه و دژ خیر، یهودیان شیطنت میکنند، گروهی همراه ابوبکر گروه بعدی همراه عمر ولی نتیجه ای ندارد گروهی همراه علی علیه السلام و او به تنهایی درب سنگین را جابجا کرده و بدون درگیری خیر تسلیم می شود.

فتح فدک پس از فتح خیر در سال ۷ هجرت، جبرئیل نازل شد، و دستور فتح فدک توسط پیامبر و امیرالمؤمنین را آورد. آن دو بزرگوار در تاریکی شب با اسلحه لازم به سرزمین فدک آمدند، امیرالمؤمنین بر کتف پیامبر قرار گرفت و آن حضرت بر خاست و علی را با خود بلند کرد.

به معجزه الهی مولی الموحدين در حالی که شمشیر رسول الله همراهش بود، از دیوار قلعه فدک بالا رفت و بالای دیوار صدای مبارکش را به اذان بلند کرد.

یهودیان قلعه فدک گمان کردند که مسلمین حمله کرده اند و روی دیوارها هستند. خواستند از در قلعه فرار کنند، ولی بیرون قلعه مقابل در آن پیامبر را در برابر خود دیدند و از طرفی علی پایین آمد و با آنان درگیر شد و ۱۸ نفر از بزرگان آنان را کشتند، و بقیه تسلیم شدند. و خیر را فتح میکنند و **دهکده فدک** نزدیک خیر بدون دخالت

سپاه اسلام تسلیم میشود. زنان و فرزندان آنان را اسیر کردند و غنائم را همراه خود آوردند. امر بر این قرار گرفت که هر کس از اهل فدک مسلمان شود، خمس اموال او را بگیرند و هر کس بر دین خود باقی ماند همه اموالش را بگیرند.

این گونه بود که بدون لشکر کشی و کوچکترین دخالت مسلمین قلعه فدک فتح شد. و طبق آیه مبارکه سوره حشر. سرزمینهایی که بدون لشکر کشی مسلمین فتح شود، حتی اگر اهل آنجا خودشان به عنوان تسلیم نزد پیامبر بیایند، این مناطق و غنائم و اسرای آن ملک خاص حضرت است و مانند اموال شخصی خود می تواند هر تصمیمی درباره آنها بخواهد بگیرد، و مسلمین هیچ حقی در آنها ندارند.

اعطای فدک به حضرت فاطمه (علیها السلام)

در سال هفتم هجرت، فدک به حضرت زهرا سلام الله علیها بخشیده شد، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر این بخشش شاهد گرفتند. بعد از این ماجرا جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: **و آت ذا القربی حقه** (حق خویشان را به آنان بده). پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: منظور چه کسانی هستند، و این حق کدام است؟ جبرئیل از طرف خداوند عرضه داشت: فدک را به فاطمه عطا کن. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: خداوند فدک را برای پدرت فتح کرد، و چون لشکر اسلام آن را فتح نکرده مخصوص من است. خداوند دستور داده آن را به تو بدهم.

از سوی دیگر مهریه مادرت حضرت خدیجه سلام الله علیها بر عهده پدرت مانده و پدرت در قبال مهریه مادرت و به دستور خداوند فدک را به تو عطا می کند آن را برای خود و فرزندان بردار و مالک آن باش. حضرت زهرا عرض کرد: تا شما زنده اید بر من و مال من صاحب اختیار هستید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ترس آن دارم که نااهلان تصرف نکردن تو را در زمان حیاتم، بهانه ای قرار دهند و بعد از من آن را از تو منع کنند. حضرت صدیقه سلام الله علیها عرض کرد: آن گونه که صلاح می دانید عمل کنید.

پیامبر، امیرالمؤمنین علیهما السلام را فراخواند و فرمود: سند فدک را به عنوان بخشوده و اعطایی پیامبر بنویس و ثبت کن. علی علیه السلام آن را نوشت و پیامبر صلی الله علیه و آله و ام ایمن شهادت دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ام ایمن زنی از اهل بهشت است

ولایت علوی، انتقال از ولایت نبوی

پیش از ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام ولایت الهی در ولایت پیامبران علیهم السلام جریان داشت؛ اما با پایان ارسال رسولان و انزال کتب از سوی خداوند، ولایت الهی به ولایت امامت منتقل شد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن به عنوان آخرین کتاب وحیانی و آسمانی معرفی شد؛ به طوری که پس از ایشان هیچ پیامبری نخواهد آمد و هیچ کتابی نازل نخواهد شد.

بنابراین، ادعای پیامبری و کتاب از سوی هر کسی دیگر، ادعای باطل و ادامه همان مسیر کفر و باطل شیطانی خواهد بود؛ زیرا جریان کفر و باطل همواره خود را در میان حق نهان کرده و می کند. با آغاز ولایت علوی، شکل ولایت الهی تغییر می یابد؛ هر چند که اصل کلی ولایت و محتوای آن باقی و برقرار است.

اما در این میان دشمنان ولایت و خلافت الهی در برابر آن قرار می گیرند و می کوشند تا جلوی این انتقال گرفته شود و با پایان ولایت نبوی، پایان ولایت الهی نیز رقم بخورد و انسان از سبک زندگی الهی محروم شود و در دام کفر و باطل افتد و سبک زندگی شیطانی و کفر بر جهان چیره شود.

توطئه های بسیاری در این مسیر از سوی اولیای کفر انجام گرفت، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله آن را رسوا و گاه نابود ساخت. دشمنان بر آن بودند تا پیامبر صلی الله علیه و آله را ترور کنند و اجازه نصب ولایت الهی به علی علیه السلام به طور رسمی به پیامبر صلی الله علیه و آله داده نشود. (مائده ۶۷)

پس از نصب ولی الله از سوی خدا و معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله در روز عید غدیر، دشمنان بر شدت دشمنی و فتنه و توطئه ها افزودند و در نهایت در سقیفه آنچه نباید اتفاق می افتاد، رخ داد.

بخش ۶ : ارتحال پیامبر و آغاز بی وفایی ها

چون **نزدیک وفات رسول خدا** شد، **فاطمه** بسیار می گریست. رسول خدا فرمودند: گریه نکن ای دخترم. فاطمه **علیها سلام** گریه نمی کنم برای آنچه بعد از تو با من خواهند کرد، می گریم برای جدایی از تو ای رسول خدا.

عایشه گوید: من تا به حال، شادی از زهراء را که این حد نزدیک به اندوه باشد، ندیده بودم. بعد از رحلت پیامبر **صلی الله علیه و آله** عایشه از صدیقه کبری **سلام الله علیها** سبب آن گریه و خنده را پرسید. فاطمه **سلام الله علیها** فرمود: در بار اول پدرم خبر به سرآمدن اجلش را به من داد و من گریستم و سپس فرمود: سپس به من فرمود: همانا تو نخستین کسی از اهل بیتم هستی که به من می پیوندی. آیا خشنود نمی شوی که سرور زنان اهل بهشت باشی؟ و خندیدم (صحیح بخاری ج ۴ ص ۲۰۹)

با رحلت پیامبر **صلی الله علیه و آله** طوفانهای تازه‌ای از حوادث پیچیده و بحرانی، وزیدن گرفت. احقاد و کینه های بدر، خیر و حنین که در عصر پیامبر **صلی الله علیه و آله** در زیر خاکستر پنهان بود آشکار گشت. مبارزات مدبرانه آن حضرت با انحرافات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** از یک سو و عظمت روحی آن بانوی نمونه که عقول بشر را از درک گنجینه کوثر، ناتوان ساخته است از سوی دیگر، بر تکریم او افزوده است.

احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلام انتقام بگیرند، و هم از خاندان پیامبر **صلی الله علیه و آله** و فاطمه زهرا **سلام الله علیها** در مرکز این دایره بود که تیرهای زهراگین دشمنان پرتاب می شد. فراق و جدائی دردناک از پدر از یکسو مظلومیت غم‌انگیز و جانکاه همسرش امیرمؤمنان از سوی دیگر. توطئه های دشمنان بر ضد اسلام از دیگر سو. و نگرانی فاطمه از آینده مسلمین و حفظ میراث قرآن، دست به دست هم دادند و قلب و روح پاکش را سخت می فشردند.

آرامش فاطمه سلام الله علیها بعد از آن خبر مهم پیامبر اکرم به حضرت امیر فرمود: ای علی! سر مرا در دامان خود بگذار که امر خداوند عالمیان رسیده و چون جان من بیرون آید، آن را به دست خود بگیر و بر روی خود بکش و روی مرا به سوی قبله بگردان و مشغول تجهیز من شو. اول تو بر من نماز کن و از من جدا مشو تا مرا به قبر بسپاری و در جمیع این امور از حق تعالی یاری بجوی. (شیخ مفید)

چون حضرت امیر علیه السلام سر مبارک آن سرور را در دامن خود گذاشت، پیامبر بیهوش شد. حضرت فاطمه سلام الله علیها به جمال بی‌مثال حضرت نظر می‌کرد و می‌گریست و شعری می‌خواند که مضمونش این است: سفیدرویی که به برکت روی او طلب باران می‌کنند و فریادرس یتیمان و پناه بیوه زنان است.

چون حضرت رسول، صدای فاطمه را شنید، دیده خود را گشود و به آواز ضعیفی فرمود: ای دختر! این سخن عمومی تو ابوطالب است. این را مگو؛ بلکه بگو **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ**

چون فاطمه سلام الله علیها بسیار گریست، حضرت او را به نزدیک خود طلبید و رازی را در گوش او گفت، او شاد شد و چون روح مقدس رسول مفارقت کرد، دست حضرت علی علیه السلام در زیر روی او بود. پس دست خود را بلند کرد و به روی خود کشید و از حضرت فاطمه سلام الله علیها پرسید: آن چه رازی بود که چون حضرت رسول در گوش تو گفت، اندوه تو به شادی مبدل شد و اضطراب تو تسکین یافت؟

حضرت فاطمه گفت: پدربزرگوارم به من خبر داد: اول کسی که از اهل بیت او به او ملحق خواهد شد، من خواهم بود و مدت حیات من بعد از او طولانی نخواهد شد و به این سبب شدت اندوه و حزن من تسکین یافت،

علی تسلیم وصیت پیامبر اکرم برای اتحاد امیرمؤمنان (علیه السلام) در تمام دوران زندگی اش، مطیع محض فرمان‌های الهی بوده و آنچه او را به واکنش وامی‌داشت، فقط و فقط اوامر الهی بود و هرگز به خاطر تعصب، غضب و منافع شخصی از خود واکنش نشان نمی‌داد. آن حضرت از جانب خدا و رسولش مأمور به صبر و شکیبائی در برابر این مصیبت‌های عظیم بوده است و طبق همین فرمان بود که دست به شمشیر نبرد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: از پدرم امام صادق علیه السلام پرسیدم: پس از به هوش آمدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چه اتفاق افتاد؟ فرمود: زنها داخل شدند و صدا به گریه بلند کردند، مهاجرین و انصار جمع شده و اظهار غم و اندوه می‌کردند،

علی فرمود: ناگهان مرا صدا زدند، وارد شدم و خودم را روی بدن پیغمبر انداختم، فرمود: برادرم، این مردم مرا رها خواهند کرد و به دنیای خودشان مشغول خواهند شد؛ ولی تو را از رسیدگی به من باز ندارد، مثل تو در بین این امت مثل کعبه است که خدا آن را نشانه قرار داده است تا از راههای دور نزد آن بیایند..

پس چون از دنیا رفتم و از آنچه به تو وصیت کردم فارغ شدی و بدنم را در قبر

گذاشتی، در خانه‌ات بنشین و قرآن را آنگونه که دستور داده‌ام، بر اساس واجبات و احکام و ترتیب نزول جمع آوری کن، تو را به بردباری در برابر آنچه که از این گروه به تو و فاطمه زهرا سلام الله علیها خواهد رسید، صبر کن تا بر من وارد شوی.

پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی و حسنین (علیهم السلام) نگاهی کرد و فرمود: ای سلمان! خدا را شاهد می‌گیرم افرادی که با اینان بجنگند با من جنگیده‌اند، افرادی که با اینان روی صلح داشته باشند با من صلح کرده‌اند، اینان در بهشت همراه من هستند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به علی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی! تو به زودی پس از من، از قریش و متحد شدنشان علیه خودت و ستمشان سختی خواهی کشید.

اگر یارانی یافتی با آنان جهاد کن و به وسیله موافقینت با آنان بجنگ، و اگر کمک کار و یآوری نیافتی صبر کن و دست نگهدار و با دست خویش خود را به نابودی مینداز. تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی،

خبر واقعه کودتای سقیفه به امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید، در حالی که آن حضرت پیکر مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تجهیز کرده و در قبر گذاشته بود. با شنیدن این خبر بیل را در زمین فرو کرد، سر مبارک را به آسمان بلند کرد و آیات ابتدای سوره عنکبوت را تلاوت کردند. **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . الم . أَحْسِبُ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ** آیا مردم تصور می‌کنند با صرف ادعای ایمان، خداوند آنها را رها کرده، نمی‌آزماید؟ ما پیشینیان را امتحان کردیم، شما را نیز خواهیم آزمود.

صرف این که اظهار ایمان کنید، نماز بخوانید و جهاد و انفاق کنید، کافی نیست؛ بلکه باید تمام مراحل مختلف ایمان را طی کنید و در هر مرحله امتحان شوید تا پایه ایمان شما مشخص شود. و فرمودند این همان امتحان و فتنه الهی است که خداوند فرموده هیچ امتی از آن بی نصیب نخواهند ماند (بحارالانوار ج ۲۸ باب ۴ ص ۱۸۱)

این سنت الهی بر سایر سنت‌های خداوند حاکم است و خدا هیچ‌گاه از آن دست برنمی‌دارد. خدا ابتدا راه را روشن کرده، اتمام حجت میکند تا مقدمات لازم برای کسانی که در صدد شناخت حق هستند فراهم باشد؛ اما زمینه امتحان را باقی می‌گذارد.

شیوه اعتراض فاطمه سلام الله علیها برای تمام تاریخ

فاطمه سلام الله علیها که از هر فرصتی برای هشدار مردم زمان خود استفاده کرده بود و آنها، یا هشدار او را نادیده گرفته بودند و یا آن را نفهمیده بودند، اینک در اندیشه مردمی بود که در آینده خواهند آمد و برای آنها چه می توان کرد؟ آنها را چگونه می توان هشیار نمود؟ چگونه با آنها می توان سخن گفت؟ چگونه می توان به آنها خبر داد که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، پیام او قربانی دسیسه اشرافیت و جاه طلبی نخبگان سیاسی و فرصت طلبی آنها که اسلام را برای خود می خواستند و جاهل و ساده اندیشی مردم شده است؟ چگونه می توان صدای اعتراض خود را به گوش تاریخ رسانید؟ راستی فاطمه سلام الله علیها چه وسیله ای در اختیار داشت تا با آن اعتراض خود را به گوش خلقها و نسلها و عصرها برساند؟ او حتی از حق گریستن در سوگ پیام و پیامبر نیز محروم شده بود. از میان صفحات تاریخ، صدای اعتراض فاطمه سلام الله علیها را در میان وصیتی کوتاه می توان شنید:

بسم الله الرحمن الرحیم؛ این است آنچه فاطمه دختر رسول خدا بدان وصیت می کند. وصیت می کند در حالی که شهادت می دهد به یگانگی خداوند یکتا و رسالت بنده او محمد و گواهی می دهد که بهشت حق است، دوزخ حق است و قیامت بی تردید فرا خواهد رسید و خداوند کسانی را که در گورهایند، زنده خواهد کرد. علی! منم فاطمه! دختر محمد که خدا مرا به همسری تو درآورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو در انجام کارهای من سزاوارتر از دیگرانی.

گزارش های تاریخی حقیقتی را بیان می کند که حقانیت مظلومیت اهل بیت علیه السلام و **غصب حقوق ایشان از جمله حق امامت** پس از رسول الله صلی الله علیه و آله از جمله آنهاست. در لحظاتی که پیکر پیامبر صلی الله علیه و آله دفن می شد، عملا نیز توصیه او درباره ولایت علی علیه السلام که مسیر حرکت سیاسی جامعه اسلامی را تبیین می کرد، دفن می شد. پیامبر صلی الله علیه و آله با ظرافتی که تنها از او باید انتظار داشت، علی علیه السلام را **ولی مومنان** معرفی کرد، نه **ولی مسلمین** و این واقعیت را تصریح کرد که کسانی که تسلیم شرایط سیاسی شده و اسلام آورده اند و اینک مسلمان نامیده می شوند، ولایت او را نخواهند پذیرفت.

پس از ماجرای سقیفه، فاطمه سلام الله علیها پرچم مبارزه را بر دوش کشید و در این راه رنج های بسیار برد که آسیب بدنی و سقط جنین از جمله آنهاست. او به سبب

فشارهای مضاعف تنها مدتی اندک زنده ماند. او در روزهای آخر عمرش و در پاسخ به ام سلمه که حال او را جویا شد، صراحتاً اعلام کرد: محزون فقدان رسول خدا و مغموم غصب حق وصی اوست. (مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۹- جامع الاخبار، ص ۹۱)

در فرصتی دیگر فاطمه سلام الله علیها شبیه به همین اظهارات را به طور مبسوط و گسترده‌تر با زنان مدینه که به عیادت او رفته بودند، در میان گذاشت و گفت: چرا این منصب [جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله] را از فراز پایه‌های محکم و تزلزل ناپذیر رسالت و نبوت و وحی برکنند و از کسی که بر امر دنیا و دینشان آگاه‌تر و کار آمدتر بود را گرفتند؟ ... اینان از ابوالحسن چه مشکلی در دل داشتند؟ ...

سوگند به خدا اگر زمام مرکب حکومت که رسول خدا به او سپرده بود، در دست او باز می‌گذاشتند و از او دفاع و پیروی می‌کردند، به خوبی این مرکب را مهار می‌کرد ... به راستی که اگر چنین کرده بودند درهای برکت آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌شد. اما ...

فاطمه زهرا سلام الله علیها از مظلومیت دیروز تا مهجوریت امروز

فاطمه زهرا در دوران حیات پس از پدر، در مظلومیت قرار گرفت به گونه ای که امتی که ادعای تبعیت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله را داشتند، خون به دل فاطمه کردند و با هجوم به خانه ایشان، نهایتاً

این موضوع بعنوان یک حقیقت تلخ تاریخی، قلب هر مؤمنی را آزرده کرده و بر مصائب آن حضرت اشک را روان می‌کند. ولی ما در دوران فعلی از این مهم غافلیم که اگر دیروز فاطمه سلام الله علیها در مظلومیت بود امروز نیز در میان مؤمنین همچنان مظلوم باقی مانده و کسی برای رفع این مظلومیت، تلاشی صورت نمی‌دهد.

فاطمه سلام الله علیها، آینده را می‌دید که آنهمه دلشوره داشت زهرا سلام الله علیها، آن روزها، بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیش از آنکه، خود نیز چشم از جهان فرو بندد و در جوار قرب الهی به پدر چشم انتظار خویش ببیوندد، بارها کوچه های مدینه را کاویده بود و به دیدن برخی از «خواص» رفته بود.

فاطمه سلام الله علیها با دلوپسی سفارش های رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان گوشزد کرده بود و عهدی که با خدا بسته و اکنون بی محابا شکسته بودند را یادآور شده بود. اما، دلشوره فاطمه سلام الله علیها که اصرار او را در پی داشت، پاسخی جز سکوت برخی از

خواص، به دنبال نداشت و چنین بود که صدای فاطمه سلام الله علیها در سکوت سنگین و سؤال آفرین آن روزها گم شد.

زهر سلام الله علیها می دانست که اگر مردم از ولایت علی علیه السلام دور شوند بی تردید به پذیرش ولایت حاکمان جور، مجبور می شوند. و سرانجام هنگامی که در میان خواص آن روزها، برای ندای ملکوتی خود پاسخی نیافت، با بی نشانی تربت خویش برای آیندگان نشانه گذاشت تا ناخشنودی دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از رخدادهای آن روزها را به خاطر بسپارند و هیچگاه علی علیه السلام را تنها نگذارند.

مگر نه این که ام ابیها بود... خورشید و شب!.. هیچکس به یاد ندارد که این دو را با هم دیده باشد. احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلام انتقام بگیرند، و هم از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا در مرکز این دایره بود که تیرهای زهراگین دشمنان پرتاب می شد.

فاطمه آنروز یزید را می دید آینده را می دید که سر بریده فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را پیش روی نهاده، بر لب و دندان او می زند و اجداد به هلاکت رسیده خود در بدر و حنین را به تماشای انتقام می خواند و... مردم مظلوم را که در چنگال خونریز بنی امیه و بنی عباس گرفتارند و جماعت مسلمانان را که انگشت پشیمانی به دندان می گزند و دست حسرت بر پیشانی می زنند که کاش ولایت علی علیه السلام آن دوستدار محرومان و حامی مظلومان را پاس می داشتند تا ولایت حجاج بن یوسف ها و منصور دوانقی ها که خونریز و انسان ستیزند را به زور بر گرده خویش نمی داشتند.

مبارزات مدبرانه آن حضرت با انحرافات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یک سو و عظمت روحی آن بانوی نمونه که عقول بشر را از درک گنجینه کوثر، ناتوان ساخته است از سوی دیگر، بر تکریم او افزوده است.

فاطمه سلام الله علیها در محرومیت جهان اسلام از امامت علی علیه السلام، **فتنه** جمل را می دید، نعره مستانه معاویه در فریب صفین را می شنید، در نهروان، جهالت خوارج را می نگریست و در سحرگاه خونین نوزدهم رمضان سال چهلیم هجری در محراب مسجد کوفه بر فرق شکافته علی علیه السلام می گریست. اشرافیت بر باد رفته را می دید که بار دیگر به میدان آمده، حسن علیه السلام را که از محرومیت مردم گرفتار در چنگال معاویه خون دل می خورد و **سر مطهر حسین** علیه السلام را می دید که در هنگامه خون و فریب اشراف بر نیزه می رود.

بخش ۷ : فلسفه گریه ها و مویه های فاطمی

تلاش های آن حضرت به اشکال مختلف تا شهادت ادامه یافت. آن چه دولت مردان را عاصی کرده بود گریه های آن مظلوم تاریخ است که برای دست یابی به حق و اتمام حجت در طول شبانه روز انجام می داد. گریه های آن حضرت گاه با شکایت و گلایه به خدا و پدر بزرگوارش بود که قصه ظلم بر امیر مومنان علیه السلام و فرزندان رسول صلی الله علیه و آله و خود را بیان می کرد

زنان این حکایت را می شنیدند و دولت مردان را در تنگنا قرار می دادند. اصحاب قدرت نسبت به حرکت های سیاسی آن حضرت سلام الله علیها نمی توانستند گامی بردارند. هر چند با محدودیت سازی هائی کوشیدند تا کسی به در خانه آن حضرت سلام الله علیها نرود و یا از سخنرانی باز دارند ولی مویه های آن حضرت خود موجب پریشان حالی دولتمردان شده بود. از این رو از امیر مؤمنان علیه السلام می خواهند که وی را از مویه ها و گریه هایش که همراه با گلایه و شکایت بود باز دارد. آن حضرت سلام الله علیها به این توجیه که مردم از گریه های ایشان آسایش ندارند مجبور شد به بقیع که در آن زمان بیرون از آبادی بود برود ولی آن جا را نیز نپذیرفتند زیرا هر کسی که از آن ناحیه می گذشت و یا از حضور همیشگی آن حضرت آگاه می شد تحریک می شد.

به نظر دولت مردان مویه های ایشان همراه با گلایه، تهدیدی برای امنیت دولت بود. آن حضرت ناچار می شود که گاه به بیرون شهر و حتی به احد بر سر مزار شهدای آن برود. او در آن جا نیز از مشکلات و فشارهای مدعیان ایمان سخن گفت و گلایه ها کرد. در حقیقت مویه های فاطمه سلام الله علیها برای بیان اتمام حجت و آگاهی بخشی بوده است؛ نوعی اطلاع رسانی بود که موجبات تحریک مردم را فراهم می آورد. این روش را به شکلی دیگر امام زین العابدین در دوره خفقان اموی انجام می داد و با خواندن دعاهایی خاص مسائل مهم اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را که در جامعه مسلمین رواج داشت گوشزد می کرد و مردم را نسبت به آن حساس می ساخت. فاطمه سلام الله علیها با مویه های خویش به درگاه خدا و رسول، مردم را آگاه می ساخت که چگونه به کمک منافقان قدیم و جدید اسلام به بیراهه رفت و همان تحریف که در بنی اسرائیل رخ نموده بود دوباره در حال تکرار شدن بود.

اما شگفت که در این میان تنها چند گوش شنوا بود و دیگران همه در پی دنیا رفتند و گوساله، زرین سامری را پیشوای خویش قرار دادند و در نهایت بر اسلام چنان شد

که علی علیه السلام که برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و به گواهی قرآن و خدا اهل روضه رضوان است، نخست خانه نشین می شود و سپس به نام خدا او را می کشند و سرور جوانان بهشت را یکی به زهر کشته و در هنگام خاکسپاری تیرباران می کنند و دیگری را در کربلا به نام خدا و به قصد تقرب به خدا و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله می کشند و بر سر خاندان مصطفی چنان می آورند که حق است که آسمان بر این مظلومیت خون ببارد و چرا فاطمه از این آغاز گاه این همه ظلم، خون نگرید؟. اینها موجبات مویه های ایشان است. فاطمه سلام الله علیها مردمی بودن را به ما آموخت. این وضعیت تا زمان مرگ و به سخنی شهادت ایشان ادامه داشت و این گونه شد که تاریخ بنی اسرائیلی در امت محمدی صلی الله علیه و آله تکرار شد و حضرت امیر مومنان علیه السلام هنگام دفن فاطمه سلام الله علیها خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواندند: **ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلونی** ای برادر! جمعیت به من ظلم کردند و نزدیک بود مرا بکشند.

بیت الاحزان و مویه های شبانه روز اکنون اگر صبر امری پسندیده و فضیلت برتر برای همگان است و انسان هایی کامل و معصوم می بایست از آن برخوردار باشند چگونه حضرت فاطمه سلام الله علیها نسبت به رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله واکنش های تند و احساسی بروز می دهد و گریه های ایشان به حدی می رسد که مردم و دولتمردان به گلایه و شکایت نزد امیرمؤمنان می روند و از وی می خواهند که او را از گریه باز دارد و یا گریه های خویش را تنظیم کند و شب را واگذارد تا مردم مدینه آرامش یابند و چرا می بایست این گریه ها ادامه یابد و حتی به بیرون شهر و بیت الاحزان کشیده شود؟

پیام گریه های فاطمه سلام الله علیها واکنش های آن حضرت در چارچوب صبر جمیل تبیین و تحلیل می شود و افزون بر آن دو معنا و مفهوم را به شکل پیام به انسان ها می آموزد. **پیام نخست** این گریه ها و مویه ها را می بایست در این جست که نه تنها امت اسلام بلکه بشریت از پیام آوران آسمانی محروم شده اند و این مصیبت بزرگی است که تنها اهل آن می فهمند و آن را ادراک می کنند. از زمان هبوط آدمی به زمین تا زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درهای هدایتی آسمان بر روی آدمی باز بود و هرازگاهی پیامبری با توجه به شرایط و نیازهای بشری، هدایت های الهی را به اشکال مختلف به بشر هبوطی می رسانید تا راه بازگشت را بیابند. با آن که هرگز زمین از انسان کامل و حجت خالی نمیشود ولی با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بشریت و به ویژه امت اسلام دچار قطع وحی آسمانی به شکل هدایت های تشریحی شد. این مصیبتی بزرگ است که تنها اهل آن می تواند به درک آن نایل شده و متاثر گردد.

از این رو امیرمومنان علیه السلام و دیگر معصومین بر این فقدان عظیم خون گریستند و علی علیه السلام تنها به این دلخوش بود که دست کم استغفار مانده است که بتوان با آن از گذرگاه های خطر ساز زندگی گذشت و تن و جان به سلامت برد

حضرت فاطمه سلام الله علیها با آن که از این مسئله می گریست بر فقدان پدری نیز می گریست که نمونه آن در پیش و پس تاریخ نخواهد آمد. او مظهر اسم الله بود و در مقام **قاب قوسین او ادنی** نشسته بود. کسی بود که دستگیر خانواده بود و آنان را به کمالات میرساند. اکنون در فقدان چنین پدری میبایست خون گریست و گریه های شبانه روز را نمیتوان پاداش آن بلند مرد تاریخ و اوج انسانیت دانست.

پیام دوم پیامی سیاسی است؛ از این روست که با واکنش های تند دولت مردان و حاکمان وقت روبه رو شد. کسانی که پیغام می فرستادند که دست از مویه بردارد. دولت مردان صاحب قدرت و نفوذ بودند که بار سیاسی حرکت فاطمی را شناخته و دانسته بودند. زنان برای دلداری نزد ایشان می آمدند و آن حضرت از مصیبت عظمای دیگری سخن میگفت که نظام ولایی دچار شده بود و کودتای عده ای از مردم، نظام ولایی را از سلطه رهبری امت بیرون رانده بود. اکنون امت بی سرپرستی معصوم و حجتی کامل راهی را در پیش گرفته بود که آثار آن در دو بعد خانوادگی و امتی ظهور میکرد.

خانواده عصمت و طهارت از رهبری امت دور میشد و مردم کژراهه می رفتند و از صراط مستقیم دور می گشتند. تمامی زحمات نه تنها بیست و سه ساله پیامبر بلکه ۱۲۴۰۰۰ پیامبر به هدر می رفت. امت تا روز ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه) از رهبری معصوم و حجت علیه السلام و از دولت و نظام ولایی بی بهره می شدند. و از سوپی دیگر هزاران بلا بر سر بزرگ مرد کائنات، امیرمومنان علی علیه السلام می آید و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله تیرباران میشوند و یا به زهر کشته می شوند و یا به شمشیر قطعه قطعه شده و اسب بر تن ایشان رانده می شود.

آن حضرت سلام الله علیها براساس سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله که از غیب و وقایع و رخدادهای پس از وفات خود بیان کرده بود می دانست که منافقان مدینه و مکه که پیش از این در فکر دولت بودند و می کوشیدند تا حکومتی همانند حکومت وابسته حیره ایجاد کنند و تا انتخاب پادشاه پیش رفته بودند اکنون با یاری برخی از مسلمانان که طالب قدرت و حکومت بودند بیکار نخواهند نشست

بخش ۸ : فاطمه سلام الله علیها در مقام دفاع از ولایت

غاصبین خلافت تلاش خویش را برای به دست گرفتن قدرت به کار خواهند گرفت. حضرت می توانست مسئله را به سکوت برگزار کند و مردم را بدان سرزنش نماید که خود راه تباهی را در پیش گرفته اند و می بایست در قیامت و رستاخیز پاسخگو باشند؛ ولی وی نیز همانند همسرش می دانست که خداوند از عالمان و آگاهان پیمان گرفته که در برابر ظلم ستمگران، ساکت و خاموش ننشینند و دست کم حجت را بر ایشان تمام کند.

چرا که خداوند می فرماید ما هیچ امتی را بی آزمون رها نساختمیم و هیچ امتی را بی اتمام حجت مجازات و مؤاخذه نکرده و نخواهیم کرد و برای هر امتی هدایت گری فرستاده و یا می فرستیم تا حقایق را بر ایشان بیان کند و چیزی فروگذار نکند. اکنون امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به آزمونی سخت گرفتار شده بودند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

این گونه است که یکی سوی آزمون وجود ولایت مظلومی است که اکنون مشغول تجهیز جنازه است و می بایست حق بزرگی را ادا کند و در سوی دیگر این آزمون مردانی هستند که مدعی ایمان می باشند (أَحْسِبَ النَّاسَ...) و از آنجایی که خداوند سوگند خورده که ایمانی را بی آزمونی نپذیرد اکنون زمان آزمونهای سخت و به تعبیر قرآن بلای عظیم است که می بایست مدعیان از صاحبان ایمان واقعی بازشناخته شوند.

غصب فدک بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مأموران ابوبکر به دستور عمر نماینده حضرت صدیقه سلام الله علیها را از فدک اخراج کردند و ملک آن را غصب نمودند و در آمد آن را به طور کامل برای مخارج حکومت غاصبانه خود صرف کردند. حضرت صدیقه سلام الله علیها همان نوشته و سند فدک را که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند و آن حضرت ثبت کرد، عینا نزد ابوبکر آورد، ولی ابوبکر نه سند را قبول کرد و نه شاهدان را.

عمر میگوید تا زمانیکه فدک دست اهل بیت است و مردم و نیازمندان بهره میبرند، علی و فاطمه محبوبیت دارند و این مانع بزرگی است، متوسل به دروغ شده و میگوید پیامبر فرموده تا من زنده هستم فدک در اختیار بنی هاشم است، فدک در زمان خلافت ابوبکر و با سماجت عمر غصب شده بود. ابوبکر نامه ای دال بر بازگرداندن آن به حضرت نوشت، ولی هنگامی که فاطمه زهرا آن سند را در دست داشت و به

منزل باز می گشت با عمر روبرو شد و او نوشته ابوبکر را با جسارت به ساحت ملکوتی حضرت از او گرفت.

غصب فدک انتقامی بود که از حضرت زهرا در مقابل حمایت هایش از حق امیرمؤمنان گرفته می شد. پافشاری حضرت بر دفاع از ولایت امیرمؤمنان و نگرانی هیئت حاکمه از تأثیر کلام حضرت زهرا در میان مردم، آنان را واداشت تا با گرفتن فدک از ایشان، به دو هدف عمده برسند: از یک سو، به دیگر معترضان نشان دهند که ایستادگی در برابر قدرت حاکمه هزینه های سنگینی دارد و از سوی دیگر، وانمود کنند که مشکل اصلی هیئت حاکمه با حضرت زهرا مسائل مالی و دنیوی است، نه مبحث دین و امامت و ولایت!

آنها می دانستند که خاندان رسول خدا و اهل بیت مطهر، هیچ گونه دلبستگی به مال دنیا ندارند، و تمام هم و غم آنان حفظ مکتب اسلام و پایداری از اصالت آن است و اگر این واقعیت برای عامه مردم به اثبات برسد پایه های لرزان حکومت جدید، سست تر خواهد شد. بنابراین، نیازمند سوژه ای بودند که اذهان مردم را به سوی دیگری هدایت کنند و مشکل اصلی حکومت با خاندان رسول خدا را دعوای ارث و میراث و درد مال و منال جلوه دهند؛ لذا بهترین سوژه را گرفتن فدک یافتند، و با تحریف سخنان رسول خدا مشروعیتی برای کار ناپسندیده خود تدارک دیدند.

حضرت زهرا: آیا جای عذر آوردن باقی مانده؟ بعد از ۱۵ روز که از شهادت پیامبر

صلی الله علیه و آله گذشته بود، حضرت صدیقه شهیده سلام الله علیها همراه با جمعی از زنان بنی هاشم به مسجد تشریف بردند چون به مسجد می رفت راه رفتن او به راه رفتن پدرش پیغمبر می ماند. و خطبه ای ایراد فرمودند که دریایی از معارف، حقایق بلاغت و فصاحت و شرایع اسلامی در آن است. ابوبکر با گروهی از مهاجران و انصار در مسجد بودند،

حضرت زهرا که به خوبی از اهداف آنان اطلاع داشت، فرصت را مغتنم شمرد و خطبه مشهور خود را در مسجد مدینه ایراد فرمود؛ **خطبه ای** که طنین سخنان رسول خدا را در اذهان مردم به یاد می آورد، گویی که پیامبر بر بالای منبر خطبه می خواند! حضرت در این خطبه، حقایق فراوانی را با مردم در میان گذاشت، و پرده های تزویر و تحریف را کنار زد و چهره غبار گرفته حقیقت را به مردم نشان داد. او چنان مستدل و مستحکم سخن گفت که خلیفه اول در برابر منطق قوی ایشان تسلیم شد و دستور بازگرداندن فدک را صادر نمود (گرچه با فاصله کمی مجدداً به دستور نخست خود

بازگشت) نتیجه خطبه حضرت، بسیار جالب و قابل توجه است؛ در محیط علم حضرت هم یک دانشمند والاست. خطبه ای است که به گفته علامه مجلسی، بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند. اینقدر پرمغز است؛ از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است. او به طور بداهه سخن گفتن حرف می زند! شاید یک ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات وزیده ترین و گزیده ترین معانی صحبت کرده است.

مبارزه با فتنه گران و تاویل ستیزان حضرت **فاطمه سلام الله علیها** نسبت به انتخاب جانشین برای پیامبر در سقیفه به شدت واکنش نشان داده و به دلیل آن که برخی با وجود نصوص صریح از پیامبران **صلی الله علیه و آله** در جانشینی حضرت امیرمومنان **علیه السلام** در غدیر و مواضع دیگر به این نکته سرنوشت سازی توجهی کردند به شدت نگران بود و به مقابله با خطر پرداخت. آن حضرت همانند پیامبر به دفاع از کیان اسلام که در ولایت و نظام ولایی تجلی می یافت، برخاست.

از این رو حضرت زهرا **سلام الله علیها** به حکم رسالت عظمای الهی قیام میکند و به هدف پاسخ گویی به یکی از آموزه های اصیل قرآن یعنی قیام عدالت، به جنگ کسانی می رود که یا مخالف تنزیل بودند و یا به تنزیل بسنده کرده به تاویل پشت نموده بودند و یا آن که اصولاً تاویلی برای قرآن نمی خواستند و قرآن ظاهر و اسلام وارونه را می جستند. آن حضرت **سلام الله علیها** نخستین مدافع از اسلام تاویلی و اجرایی در قالب عمل کامل بر اساس آموزه های وحیانی در سایه سار ولایت عظمای الهی امیرمومنان **علی علیه السلام** بود. چنان که در همین راه همانند پدر بزرگوارش آزارها دید و مصیبت ها تحمل کرد و در نهایت به شهادت رسید.

فاطمه **سلام الله علیها** در مسجد کوفه از مصیبت های پیامبر **صلی الله علیه و آله** برای تنزیل سخن می گوید و سپس رو به فتنه گران کرده از مصیبت هایی که فرزندان پیامبر **صلی الله علیه و آله** یعنی اهل بیت عصمت و طهارت و پسر عم پیامبر **علیه السلام** اکنون برای تاویل قرآن از دست ایشان می کشد سخن به میان می آورد و می فرماید: ای مردمانی که برای شنیدن سخن بیهوده شتابانید و کردار زشت و زیان آور را نادیده می گیرید. آیا در قرآن نمی اندیشید یا آنکه بر دلها مهر زده شده است؟! بی تردید اعمال زشت، قلب هایتان را تیره و تار کرده است و گوش ها و چشم هایتان را فرا گرفته است.

چه بد آیات قرآن را تأویل می کنید و بدمسیری را به او نشان دادید... به خدا قسم تحمل این بار گران، برایتان کمر شکن است و پایان آن نیز، چیزی جز بدبختی و تیره

روزی نخواهد بود و هنگامی که پرده ها برداشته شود و اعمالتان آشکار گردد، خود را میان زیانکاران خواهید یافت. این خود نشان می دهد که فتنه گران تا چه اندازه ضد تاویل قرآن بودند و اجازه نمی دادند تا نظام قرآنی در جامعه پدید آید و جامعه براساس آموزه های قرآنی مدیریت و ولایت شود.

از این پس وای بر هر صبحی که خورشید در آن طلوع کند. چرا که دیگر این مردم نمی توانند تاویل قرآن را در جان و جامعه خویش ببینند و اسلام واقعی از میان ایشان رخت بر می بندد و تا زمان منجی، مردم در میان حق و باطل و فتنه های بسیار گرفتار می شوند. آن حضرت **سلام الله علیها** سپس سرزنش کنان می فرماید: کردار شما را خدا می بیند و به همین نزدیکی، آنان که ستم کردند، در خواهند یافت که به کجا باز می گردند. من دختر کسی هستم که به شما از عذاب الهی هشدار داد. پس شما کار خود را بکنید و ما نیز کار خود را خواهیم کرد و منتظر بمانید که ما نیز منتظر خواهیم ماند. فاطمه سلام الله علیها نومیدانه به خانه باز می گردد .

امام علی در پاسخ حضرت زهرا سلام الله علیها

هنگامی که حضرت زهرا **سلام الله علیها** به خانه مراجعت فرمود در حالی که حق ارث فدک او را برده بودند حق امامت را از همسرش سلب کرده بودند ، به امیرالمومنین **علیه السلام** خطاب فرمود: مانند طفل در شکم مادر پرده نشین شدی و چون شخص متهمی در کنج خانه پنهان گشته ای و بعد از آن که شاه پرهای بازها را در هم شکستی اکنون از پرهای مرغان ضعیف عاجز گردیده ای و توانایی بر آنها نداری. اینک پسر ابو قحافه (ابوبکر) به ستم و ظلم با من آشکارا دشمنی می کند و در سخن گفتن به سختی با من مجادله می نماید.

امیرالمومنین **علیه السلام** تمام کلمات را گوش دادند آنگاه به اختصار فرمودند: فاطمه من در امر دین و احقاق حق تا آنجا که ممکن بود کوتاهی نکردم. آیا مایل هستی که این دین مبین باقی و پایدار بماند و نام پدرت الی الأبد در مسجدها و بالای مأذنه ها برده شود؟ حضرت زهرا **سلام الله علیها** فرمودند: نهایت آمال و آرزویم همین است. **علی علیه السلام** فرمودند: پس در این صورت باید صبر کنی زیرا پدرت خاتم الانبیاء به من وصیت نموده و من می دانم که باید صبر نمایم وگرنه قدرت دارم که دشمنان را خوار نمایم و حقت را بگیرم ولی بدان که آن وقت دین از میان می رود. پس از برای خدا و دین خدا صبر کن زیرا ثواب آخرت برای تو بهتر است از حقی که از تو غصب نمودند.

هجوم برای بیعت به منزل وحی

پس از رحلت رسول مکرم صلی الله علیه و آله جمعی از مهاجران و انصار در سقیفه بنی ساعده، در نهایت با ابوبکر بیعت کردند و سپس او را به مسجدالنبی آورده و از عموم مردم درخواست بیعت نمودند. جمعی از اصحاب رسول خدا از بیعت با ابوبکر امتناع ورزیدند و در عهدی که با رسول خدا در روز «غدیر خم» بسته بودند، پایدار ماندند، اما نگرانی عمده اصحاب سقیفه از شخص امیرمؤمنان علیه السلام بود و یقین داشتند با گرفتن بیعت از او، بقیه معترضان تسلیم خواهند شد.

جمعی مأموریت یافتند به هر قیمتی شده علی علیه السلام را از منزل خارج و برای گرفتن بیعت به مسجد آورند. آنان در مقابل منزل حضرت گرد آمده و از ایشان خواستند به مسجد برود؛ اما علی علیه السلام امتناع ورزید، **عمر دستور داد هیزم و آتشی فراهم کنند و** قسم یاد کرد که اگر علی علیه السلام از منزل خارج نشود، خانه را به آتش خواهد کشید. (الامامة و السياسة و....)

عده ای به او اعتراض کردند که در این خانه، فاطمه دختر رسول الله حسن و حسین، فرزندان رسول پیامبر خدا علیهم السلام و یادگارهای ایشان وجود دارند، چگونه این خانه را به آتش می کشی؟ عمر که اعتراض عمومی را مشاهده کرد، گفت: به راستی گمان کردید که من چنین کاری را انجام می دهم؟ مقصود من تهدید بود.

در این هنگام حضرت فاطمه به پشت درب منزل آمد و خطاب به آن جماعت که در بیرون منزل اجتماع کرده بودند، فرمود: **لا عهد لی بقوم أسوء محضٍ منکم ترکتم رسول الله ص جنازة بین أیدینا و قطعتم أمرکم فیما بینکم و لم تستأمرونا و لم تردوا لنا حقاً کأنکم لم تعلموا ما قال یوم غدیرخم. والله لقد عقد له یومئذ الولاة ليقطع منکم بذلک منها الرجاء و لکنکم قطعتم الاسباب بینکم و بین نبیکم، والله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الآخرة من قومی همانند شما سراغ ندارم که این چنین عهد شکن و بد برخورد باشند!** پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر روی دستان ما گذاشته و رها کردید و عهد و پیمانی که در میان خود داشتید، قطع کردید و برخلاف عمل نمودید، ولایت و رهبری ما اهل بیت را انکار کردید، و زمام امر را از دست ما خارج ساختید، و هیچ حقی برای ما قائل نشدید؛ گویا از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم آگاهی نداشتید! به خدا سوگند! رسول خدا در آن روز (غدیرخم) ولایت و رهبری را برای علی علیه السلام تعیین کرد، تا امید و طمع شما را از خلافت قطع نماید؛ ولی شما رشته های پیوند میان خود و پیامبر صلی الله علیه و آله را پاره کردید.

بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد. (احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۰۲ / الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۰ / الامالی، شیخ مفید، مجلس ۶، ح ۹ / بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۴ و ۳۵۶)؛

این بار حضرت زهرا پشت درب نزول وحی به مهاجمین یادآور غدیر است و بار دیگر در کنار مزار شهدای. **غدیر خم را فراموش کرده اید؟! فرمود: وا عجباه! أنسیتم یوم غدیر خم؛ شگفتا و عجباً! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟ اشهد الله تعالی لقد سمعته یقول: علی خیر من أخلفه فیکم، ... و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامة؛** خدا را شاهد می گیرم که شنیدم رسول خدا فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهم. علی امام و خلیفه بعد از من است، و دو فرزندم (حسن و حسین) و نه تن از فرزندان حسین پیشوایان و امامانی پاک و نیک هستند. اگر از آنها اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند نمود، و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد.

پرسیده شد: پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد، و برای گرفتن حق خویش قیام نکرد؟ حضرت زهرا علیها سلام در پاسخ فرمود: ... **مثل الامام مثل الکعبة اذ تؤتی و لا تأتي . أو قالت: مثل علی . ثم قالت:..... و عملوا بآرائهم، تباً لهم أو لم یسمعوا الله یقول: وربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة (قصص ۶۸)؟**

بل سمعوا ولكنهم كما قال الله سبحانه: فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج ۴۶) هیهات بسطوا فی الدنیا آمالهم و نسوا آجالهم، فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم، أعودبک یا ربّ من الحور بعد الكور؛ مثل امام (مثل علی)، همانند کعبه است، که مردم به سراغ آن می روند، نه آن که کعبه به سراغ مردم بیاید. آگاه باش! به خدا سوگند! اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می نمودند، دو نفر هم (در حکم خداوند) با یکدیگر اختلاف نمی کردند، و امامت همان گونه که پیامبر خدا معرفی فرمود، از علی تا قائم ما، فرزند نهم حسین، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می رسید. اما کسی (ابوبکر) را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود، و کسی (علی) را کنار زدند که خدا او را مقدم داشته بود.

نتیجه آن شد که محصول بعثت را انکار کردند و به بدعت ها روی آوردند، آنها هوا پرستی را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند، هلاکت و نابودی بر آنان باد! آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: پروردگار تو هر چه بخواهد، می آفریند و

هر چه بخواهد، برمی‌گزیند، آنان (در برابر او) اختیاری ندارند. (کفایة الاثر، ص ۱۹۸ / الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۲۳ / بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳، نهج الحیاة، ص ۳۸ . ۴۰) تعجب، عجب؛ یک وقت زنی که روی زمین هم‌تا ندارد، مانند صدیقه کبری، فاطمه زهرا، مادر ۱۱ امام، دختر رسول گرامی در چندین نوبت، شب و روز مردم را دعوت می‌کند: بیایید، علی بن ابیطالب را بشناسید و یاری کنید؛ کسی اجابت نمی‌کند! یک وقت یک زن دیگری با یک شعار مردم را دعوت می‌کند، می‌گوید: بیایید علی بن ابی طالب را بکشید، هزارها نفر در جنگ جمل صف بستند؛ عجب!! می‌گوید: روزگار این است!

ستاره امیدی که در غدیر خم طلوع کرده و آرام‌بخش دل‌های مؤمنان گشته بود، در لابلای گرد و غبار فتنه، از دیدگان کم فروغ، محو شد. در میان ظلمت ارتحال آفتاب، شب‌پره‌ها به تکاپو افتادند و با هجوم به خانه وحی، تلاش مذبحخانه‌ای را برای فرونشاندن نور خدا آغاز کردند؛ غافل از آن که نور خدا با آن دسیسه‌ها خاموش شدنی نیست.

هجوم به منزل وحی باری دیگر و ماجرای عمر خلافت ابوبکر را سست و بی بنیان می‌بیند و اعتقاد دارد تا بنی هاشم و در راس آن علی علیه السلام بیعت نکند، اوضاع همین است، بدین جهت عمر، قنفذ را همراه اراذل و اوباش مغیره و ... به درب خانه علی میفرستد و خود و ابوبکر کمی دورتر مراقب اوضاع میشوند باز هم با مخالفت زهراء روبرو شده و عمر دستور به آتش زدن هیزم‌ها و درب خانه وحی و جایگاه جبرئیل میکند و حمله ور میشود عمر با لگد به درب میکوبد و زهراء سلام الله علیها بین درب و دیوار قرار میگیرد (درب سوخته و میخ داغ)

یک سیلی و یک ضربه شمشیر به پهلو زهراء وارد میشود و دیوانه وار ضربه تازیانه به بازو ... علی هم در محاصره اوباش قرار گرفته حمله به عمر برده و او را به زمین می‌کوبد و چند ضربه هم به صورت او زده و به یاد سفارش پیامبر افتاده از کشتن او خودداری میکند. با انداختن ریسمان به گردن و بدن علی، وی را در بند کشیده و کشان کشان به سمت مسجد می‌کشاند در پی مقاومت و اعتراض فاطمه قنفذ به آن حضرت حمله برده و با ضربه بر استخوان و پهلو فاطمه، محسن سقط می‌شود.

و فاطمه سلام الله علیها بیهوش میشوند. ابوبکر اوضاع را مناسب نمی‌بیند و فریاد میزند این چه کاری است؟ ریسمانها را باز کنید و به طریقی مردم را با این کار فریب می‌دهد. اگر این جسارت به مولا ادامه می‌یافت خلافت او سست تر و در خطر می‌افتاد.

نفرین فاطمه سلام الله علیها، سبب نزول بلائی غیر قابل جبران

مرحوم شیخ مفید نقل می کند وقتی بی بی سلام الله علیها آمد و علی بن ابیطالب را با آن وضع، با سر برهنه، زیر منبر، بالای سرش یک شمشیر دید؛ فرمود: **خلّ ابن عمّی أو لأکشفن رأسی بالدعاء**، دست از پسر عموی من بردارید وگرنه سرم را برای نفرین کردن برهنه می کنم؛ سخن از لرزش ستون مسجد نبود!

وجود مبارک علی بن ابیطالب به سلمان فرمود: یا سلمان! **انی آری جنبی المدینه علی تکفها**، سلمان! همین که زهرا تصمیم به نفرین گرفت، من می بینم دو طرف مدینه دارد می لرزد، نه ستون مسجد! اگر این عذاب بیاید، چه کنیم؟! اگر این شهر زیر و رو بشود، چه کنیم؟! و رنج بی وفایی و ستم بر امام که فزونی می گیرد تا آنجا که حتی قلب مرد یهودی را می گدازد، حق باید داد فاطمه سلام الله علیها اراده مرقد پیامبر خدا کند به قصد نفرین پیمان شکنان و جفاکاران.

سلمان دریاب فاطمه را که اگر نفرین کند، زمین همه آنها را در کام خود فرو می برد. این پیغام علی است. سلمان به محضر فاطمه می رسد و درخواست می کند که از تصمیم خود درگذرد. ای سلمان! آنها قصد جان علی را دارند و من بر این صبر نتوانم. مرا به حال خود بگذار.

سلمان دوباره درخواست می کند و این بار می گوید که پیغام، پیغام علی است. حال که چنین است بر می گردم و صبر می کنم و از جان می شنوم سخن او را و اطاعت می کنم. فاطمه جانش برای علی می رفت که در نوبتی دیگر از جفاها بر علی به خشم آمد و مهاجمان با مشاهده غضب او، دست از امام کشیدند.

آنجا بود که فاطمه به عشق جان بخشید و فرمود **روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوفاء یا ابا الحسن**. روحم فدای تو و جانم سپر بلائی تو یا اباالحسن! اگر در خیر و نیکی به سر ببری با تو خواهم بود و اگر در سختی و محنت سرکنی، با تو سر خواهم کرد...

اگر هنوز از راز عشق و حکایت هجران می جویی، نظاره کن که تقدیر حضرت صدیقه کبری بیش از ۳ ماه ماندن در این جهان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نبود اما امیرمؤمنان باید هنوز ۳۰ سال دیگر تا آن سحر که از غصه نجاتش دادند، در میانه میدان مجاهدت، با بینش و بصیرت تمام صبوری می کرد.

اما آنچه با علی کردند، کینه های جنگ بدر و میراث جنگ احد بود که در قلب های

منافقان مخفی بود و اکنون که پیامبر رحمت کرده، بیرون ریخته است. سلام بر تو ای رسول خدا از جانب من و دخترت که در جوار تو فرود آمد.

فردا شب که انسیه حورا سلام الله علیها در برابر دیدگان متحیر فرشتگان و بی تابی حسن و حسین و زینب علیهم السلام غریبانه در خاک شود، «قدر مخفی» خداست که از دیده ها پنهان می شود. مرد تازه مسلمان! بیا ایمان خود تازه کنیم... به عشق فاطمه و علی. بیا زندگی کنیم عشق را و ولایت را.

ابوبکر و عمر برای توجیه کار خود در نزد مردم به عیادت زهرا سلام الله علیها می آیند ولی با مخالفت او روبرو میشوند و بعد از اصرارهای زیاد و مخالف مجدد فاطمه سلام الله علیها ناگهان به داخل رفته و میخواهند دلجوئی کنند که فاطمه میفرماید از پدرم شنیده اید که بارها فرمود فاطمه پاره تنم می باشد؟ گفتند آری آیا شنیده اید خوشنودی من خوشنودی اوست؟ گفتند آری. فاطمه فرمودند من رضایت از شما ندارم و روی برگرداند **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** ابوبکر و عمر با ناامیدی و نگران از منزل فاطمه سلام الله علیها خارج میشوند.

گرچه در این حمله و هجوم، آتش به کاشانه تنها یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله افتاد، و گل محمدی مظلومانه در پشت در، پرپر گشت، سینه دریایی اش شکافت و پهلویش بشکست؛ اما در عین حال، او، قد خمیده از ظلم و ستم را برافراشت و با دست الهی خود به دامن ولایت آویخت و با تمسک به حبل الله المتین و با صلابت و شهامتی بی نظیر از حقانیت امیرمؤمنان علیه السلام سخن ها گفت، و از غربت او نشان ها داد.

زهرای اطهر سلام الله علیها دفاع جانانه ای از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام نمود و در این راه، مشتاقانه جام پرافتخار شهادت را سر کشید و افتخار **اولین شهید راه ولایت** را تا ابد به نام خود ثبت کرد؛

ولی این دفاع نیز همانند خود آن بانوی بزرگوار، در هاله ای از غربت و مظلومیت قرار گرفت و آن گونه که سزاوار بود به شیعیان وی نیز منتقل نشد. به رغم عمر بسیار کوتاه حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها، پس از ارتحال پدر بزرگوارشان، آثار به یادگار مانده از ایشان در آن دوران بحرانی و پر تنش، بیانگر عزم راسخ و صلابت و شجاعت فوق العاده حضرت در دفاع از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام است.

جدیت ایشان در این راه، که منجر به شهادت مظلومانه اش شد، نشان از توجه ویژه و اهتمام خاص حضرت به مسأله امامت امت و زمامداری جامعه مسلمانان دارد. از جمله محورهایی که در احتجاجات و سخنان حضرت زهرا سلام الله علیها جلب توجه

می‌کند، نقل **حدیث غدیر** است. او با سعی و تلاش شبانه روزی خود غبار غربت را از رخسار امیرمؤمنان علیه السلام زدود و تحمل بار سنگین مظلومیت را برای ایشان آسان نمود و به حق، **لقب اولین شهید راه ولایت** را به خود اختصاص داد.

چرا در میان سخنان حضرت، فقط به حدیث غدیر پرداخته شده؟ به رغم صراحت سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر و شفاف بودن مقصود ایشان، پس از ارتحال آن حضرت، مشکلات عدیده‌ای بروز کرد و مسیر ترسیم شده از طرف آن بزرگوار تغییر نمود.

در چنین شرایطی بود که حضرت زهرا با موقعیت خاصی که در میان امت مسلمان داشت، به حمایت از امیرمؤمنان علیه السلام برخاست و با استدلال‌های قوی و منطق متین، از حق الهی علیه السلام دفاع نمود و با تأکید بر جریان غدیر خم و کلمات صریح رسول خدا در آن روز تاریخی، پرده از رخسار حقیقت غبار گرفته برگرفت و مسلمانان را به بیعتی که در غدیر خم با امیرمؤمنان علیه السلام داشتند، متوجه ساخت؛ تا برای چندمین بار، حجت بر آنان تمام شود و راه دفاع از حق تا ابد بر روی شیفگان حق هموار گردد.

ذکر این نکته لازم است که مخاطبان حضرت زهرا اغلب کسانی بودند که در روز غدیر حضور داشتند و با چشم‌های خود رسول خدا را مشاهده کرده بودند که دست علی را بلند کرده و به مردم نشان داد. دیگر شبیهه‌ای در صحت جریان غدیر وجود نداشت و از لحاظ فاصله زمانی هم کمتر از ۱۰۰ روز از جریان غدیر سپری نشده بود، و احتمال فراموشی مردم به هیچ وجه قابل اعتنا نبود.

در چنین شرایطی به هر دلیلی خود را به فراموشی زدند و گاهی نیز با عناد و لجاجت برخورد کردند، زمینه‌چندانی برای طرح واقعیت‌های روشن و غیر قابل انکار نبود، و جز برای اتمام حجت و یا ثبت در حافظه تاریخ، برای بهره‌مندی آیندگان، ثمره دیگری نداشت. با این توضیح، سرّ این که حضرت زهرا فقط اشاره‌ای به غدیر می‌نمایند، و اغلب به حالت سؤال که آیا غدیر را فراموش کرده‌اید، و یا این که آیا جای عذر و توجیهی بعد از غدیر باقی مانده، روشن می‌گردد.

مصیبت‌های امروز جهان، پیامد ولایت‌گریزی به هر حال ابلیس نگذاشت تا بسیاری از مردم از میوه رسالت یعنی ولایت علیه السلام بهره‌مند شوند و همه مشکلات و گرفتاری‌های جهان اسلام بلکه جهان به سبب همین توطئه و آثار آن است.

پرداختن به همه ماجرا می تواند به خوبی نشان دهد که چرا مشکلات کنونی جوامع به ویژه جامعه اسلامی اینگونه رنگ ضد دین و عدالت گرفته و از مسیر اسلام دور شده به گونه ای که مسلمانان یکدیگر را به سادگی می کشند و امید دارند که با انتحار و کشتن دیگران به بهشت بروند؛ در حالی که از نظر اسلام خون و عرض و مال هر مسلمانی حرمت دارد و هر کسی که اینها را متعرض شود از اسلام خارج است.

مصیبتی که امروز جهان اسلام با آن مواجه است، به سبب دوری از ثقل اصغر و اهل بیت علیهم السلام بلکه ثقل اکبر یعنی قرآن است؛ چرا که حتی آموزه های اسلامی بر ولایت و حرمت مسلمانان و مانند آن تاکید دارد؛ در حالی که در همه جای جهان عده ای بظاهر طرفدار اسلام به نام اسلام در حال کشتن مسلمانان هستند.

جناایاتی که در بحرین، یمن، سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و شیعیان عربستان و شمال آفریقا علیه مسلمانان می شود از سوی مسلمان نمایانی است که حتی به قرآن اعتقادی ندارند و برخلاف آموزه های آن، کسانی را که شهادتین بر زبان جاری دارند بلکه اهل اسلام در طول تاریخ بودند، به جرم اینکه مسلمان نیستند می کشند تا مال و عرض ایشان را به غارت برند و به تملک خویش درآورند

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ (نساء ۹۴) پس همه آنچه بر سر امت اسلام بلکه جهانیان می آید پذیرش آیین شیطان و ولایت او به جای ولایت اهل بیت است؛ چرا که اگر تحت ولایت الهی قرار داشتند خدا برکات و امنیت و آسایش و رفاه و آرامش را بر ایشان نازل می کرد.

بخش ۹: (در عیادت زنان): خطبه دوم فاطمه زهرا سلام الله علیها در بستر بیماری

هنگامی که حضرت زهرا سلام الله علیها در بستر بیماری بود عده‌ای از زنان به عیادت وی آمدند و از او پرسیدند: دختر پیغمبر چگونه ای؟ با بیماری چه می‌کنی؟ وی در پاسخ به این پرسش به تفصیل سخن می‌گوید. بخدا دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما بیزارم! درون و برونشان را آزمودم و از آنچه کردند ناخشنودم! چون تیغ زنگار خورده نابزآ، و گاه پیش روی واپسگرا، و خداوندان اندیشه‌ای تیره و نارسایند. خشم خدا را به خود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند. ناچار کار را بدانها واگذار، و ننگ عدالت کشتی را بر ایشان بار کردم نفرین بر این مکاران و دور بوند از رحمت حق. وای بر آنان. چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟ آنجا که فرود آمد نگاه جبرئیل امین است. و بر عهده علی که عالم به امور دنیا و دین است. به یقین کاری که کردند خسروانی مبین است. بخدا علی را نپسندیدند چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند. دیدند که چگونه بر آنان می‌تازد و با دشمنان خدا نمی‌سازد

بخدا سوگند، اگر پای در میان می‌نهادند، و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد می‌گذارند، آسان آسان ایشان را به راه راست می‌برد. و حق هر یک را بدو می‌سپرد، چنانکه کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است بچیند. تشنگان عدالت از چشمه عدالت او سیر، و زبوان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند. اگر چنین می‌کردند درهای رحمت از زمین و آسمان بروی آنان می‌گشود. اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود. بیایید! و بشنوید

شگفتا! روزگار چه بوالعجب‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری برون می‌آرد. راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ و چه عذری آوردند؟ دوست نمایانی غدار. در حق دوستان ستمکار و سرانجام به کیفر ستمکاری خویش گرفتار. سر را گذاشته به دم چسبیدند. پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند. نفرین بر مردمی نادان که تبه‌کارند. و تبه کاری خود را نیکوکاری می‌پندارند. وای بر آنان. آیا آنکه مردم را به راه راست می‌خواند، سزاوار پیروی است، یا آنکه خود راه را نمی‌داند؟ در این باره چگونه دآوری می‌کنید؟

بخدایتان سوگند، آنچه نباید بکنند کردند. نواها ساز و فتنه‌ها آغاز شد. حال، لختی بپایند! تا به خود آیند، و ببینند چه آشوبی خیزد و چه خون‌ها بریزد! شهد زندگی در کام‌ها شرنگ و جهان پهناور بر همگان تنگ گردد.

آن روز زیانکاران را باد در دست است و آیندگان به گناه رفتگان گرفتار و پای بست اکنون آماده باشید! که گرد بلا انگیزته شد و تیغ خشم خدا از نیام انتقام آهیخته. شما را نگذارد تا دمار از روزگارتان بر آرد، آنگاه دریغ سودی ندارد. جمع شما را بپراکند و بیخ و بنتان را بر کند. دریغا که دیده حقیقت بین ندارید. بر ما هم تاوانی نیست که داشتن حق را ناخوش می‌دارید (شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا، ص ۱۵۳-۱۴۹) (الصدوق، معانی الاخبار، ص ۳۵۶-۳۵۴)

حضرت در خطبه ای در جمع زنان مدینه به آیاتی از قرآن کریم هم استشهاد می‌کند

و می‌فرماید: شگفتا چه دوستان دروغین و سرپرستان ناهلی را انتخاب کردند و چه زشت است سرانجام ستمکاران چه جایگزین بدی است برای ستمکاران (کهف ۵۰) نفرین بر مردمی ندادن که تبهارند و تبهکاری خود را نیکوکاری می‌پندارند. آگاه باشید اینها همه مفسدانند ولی نمی‌فهمند (بقره ۱۲) وای بر آنان آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ (یونس ۳۵) شما را چه می‌شود و چگونه داوری می‌کنید؟ و هر کسی جز اسلام آئینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است (آل عمران ۸۵) سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد و مهار کردن آن آسان شود، پس آتش گیره‌ها را بر افروختند و به آتش فتنه‌ها دامن زدید تا آن را شعله‌ور ساختید و به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید.

در این جملات حضرت با استفاده از آیه شریفه قرآن، جریان سقیفه و پیامدهای آن و روی گردانی مردم از قرآن کریم را مصداق روشن ظلم دانسته و عاملان آن را جزء ظالمین به حساب آورده است.

آن حضرت در ادامه ی سخنانشان چنین خاطرنشان میکردند: در حالی که هنوز از

عهد و قرار شما بیعت در غدیر خم چیزی نگذشته بود و شکاف زخم عمیق بود و دهانه زخم هنوز بهبود نیافته بود، پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز دفن نشده بود که هرچه خواستید کردید و بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیم **أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ** آگاه باشید آنها در فتنه سقوط کردند و جهنم کافران را احاطه کرده (توبه ۴۹). اکنون بیایید و بشنوید! شگفتا! روزگار چه شگفتی‌ها در پس پرده دارد و چه بازیها یکی پس از دیگری بیرون می‌آورد **وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ** (رعد ۵) و اگر تعجب می‌کنی، عجب گفتار آنهاست. راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده اند؟

و کدام ستون استوار را انتخاب نمودند؟ و به کدام ریسمان چنگ زدند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفتند و غلبه کردند؟ شگفتا چه دوستان دروغین و سرپرستان نا اهلی را انتخاب کردند و چه زشت است سرانجام ستمکاران چه جایگزین بدی است برای ستمکاران (کهف ۵۰)

آگاهی جامعه پس از روشننگری های حضرت زهرا سلام الله علیها این که به حضرت امیر **علیه السلام** پیشنهاد دادند که فاطمه یا شب گریه کند یا روز، این نه برای آن است که مثلاً گریه حضرت زهرا سلام الله علیها نمی گذاشت کسی بخوابد و باعث اذیت است، اینها نبود. اینها چون مکرر از پیغمبر شنیدند که رضای زهرا، رضای خداست؛ غضب زهرا، غضب خداست. رضا و غضب فاطمه سلام الله علیها رضا و غضب پیغمبر است؛ رضا و غضب پیغمبر، رضا و غضب خداست. این همه گریه آن حضرت نشانه آن است که از ما ناراضی است.

برای اینکه زن های مهاجر و انصار بعد از جریان سقیفه وقتی رفتند، حضرت خطبه دوّم را خواند. این زن های مهاجر و انصار آمدند به مردهایشان گفتند، آنها دوباره برگشتند جبران کنند، حضرت فرمود: گذشت! خطبه اوّل در مسجد، خطبه دوّم در بستر و منزل، این ها را بیدار کرد؛ فهمیدند که حضرت از آنها ناراضی است. گفتند: یک قدری نارضایتی اش را کم کند. سخن از گریه نبود! می دانستند مقام این بی بی چیست.

هنگامیکه **شهادت فاطمه سلام الله علیها** نزدیک شد، از اسماء خواست تا آبی برای وضو بیاورد، وضو گرفت خود را خوشبو کرد و لباس های نو پوشید و از اسماء خواست کافوری که پدرش برای او گذاشته بود بیاورد و کنار سرش بگذارد. سپس پای خود را رو به قبله کرد و پارچه ای را روی خود کشید و گفت: ای اسماء! لحظه ای صبر کن و بعد مرا صدا بزن، اگر پاسخت را ندادم، بدان که نزد پدرم رفته ام. امام حسن، امام حسین، زینب علیهم السلام و ام کلثوم خردسال، ساکت و آرام در کنار بستر مادر نشسته بودند و به صورت او نگاه می کردند و بغض، گلوی امام علی علیه السلام را فشرد.

اسماء و کودکان فاطمه، اشک ریختند. امام علی علیه السلام کودکانش را به حیاط خانه برد. کودکان فاطمه، پشت درب اتاق ایستادند و چکه چکه اشک ریختند. ناگهان صدای اذان از مسجد مدینه بلند شد و ... کودکان فاطمه به اتاق دویدند و خود را روی مادر انداختند.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام: سبب وفات حضرت فاطمه این بود که قنفذ (غلام عمر) به دستور اربابش با سر غلاف شمشیر بر او زد که محسن را سقط کرد و در اثر آن به بیماری شدیدی مبتلا گردید و اجازه نداد کسانی که او را آزرده‌اند به او وارد شوند.

عایشه تصمیم می‌گیرد بر سر جنازه فاطمه حاضر شود و اسماء طبق سفارش زهراء مانع میشوند شکایت به پدر میبرد و ابوبکر اصرار به اجازه میشود باز هم مخالفت میشود به مردم اعلام میشود که فعلا تشییع انجام نمی‌شود. و شبانه و مخفیانه غسل و کفن میشوند و در قبرستان بقیع یا به قولی کنار پدر دفن می‌گردد.

بلاذری و بخاری چنین نویسند: شوی او شبانه او را بخاک سپرد و رخصت نداد تا ابوبکر بر جنازه او حاضر شود. چون فاطمه سلام الله علیها در گذشت، امیرالمؤمنین رو به مزار پیغمبر کرد و گفت: ای پیغمبر خدا از من و از دختری که پیش تو آمده و در کنار تو زیر خاک خفته است، راضی باش بر تو درود باد! خدا چنین خواست که او زودتر از دیگران به تو به پیوندد.

فاطمه سخنانی که به زنان عیادت کننده گفت: دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما بیزارم. او می‌خواست دور از چشم ناسپاسان و حق ناشناسان بخاک رود و حتی نشان او هم دور از چشم آنان باشد. ابوبکر و عمر بر علی علیه السلام خرده گرفتند که چرا آنان را رخصت نداد تا بر دختر پیغمبر نماز بخوانند. وی سوگند خورد که فاطمه چنین وصیت کرده بود. باری این سخنان که در آن روز درد دل و گله و شکوه بانوی داغدیده و ستمدیده می‌نمود، به حقیقت اعلام خطری بود. خطری که نه تنها مهاجر و انصار، بلکه رژیم حکومت و آینده نظام اسلامی را تهدید می‌کرد.

دیری نگذشت که آنچه دختر پیغمبر در بستر بیماری و نیز روزهای پیش در جمع مسلمانان از آن خبر داد، و مردم را از پایان آن ترساند تحقق یافت. آنروز گفتند پیغمبری و رهبری نباید در یک خاندان بماند. گفتند قریش، این تیره خودخواه و برتری جو، باید همچنان مهتری کند. آنروز پایان کار را نمی‌دیدند.

ندانستند که مهتری از قریش به خاندان بنی امیه و سپس به فرزندان ابو سفیان تیره بخت و ابن عاص و مروانیان می‌رسد، ندانستند که تند باد این تصمیم عجلولانه، گردی را که بر روی اخگر سوزان دشمنی دیرینه عراقی و شامی انباشته است به یکسو خواهد زد.

پایان شکیبایی علی علیه السلام: علی که اسوه صبر و استقامت است اما در شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها تاثر و تالم خود را چگونه اظهار می‌دارد، تا آنجا که بعد از دفن همسر گرامیش در حالی که حزن و اندوه تمام وجود او را فرا گرفته بود خطاب به قبر پیامبر عرضه داشت: خدا چنین خواست که او زودتر از دیگران به رسول خدا پیوندد، پس از او شکیبایی من به پایان رسیده و خویشنداری از دست رفته، اما آنچنان که در جدایی تو صبر کردم در مرگ دخترت نیز جز صبر چاره‌ای ندارم شکیبایی بر من سخت است. پس از او آسمان و زمین در نظرم زشت می‌نماید و هیچ گاه اندوه دلم نمی‌گشاید. چشمم بی‌خواب، و دل از سوز غم سوزان. تا خداوند مرا در جوار تو ساکن گرداند.

مرگ زهرا ضربه‌ای بود که دل را خسته و غصه‌ام را پیوسته گردانید و چه زود جمع ما را به پریشانی کشانید. اگر بیم چیرگی ستمکاران نبود، برای همیشه اینجا [کنار قبر زهرا سلام الله علیها] می‌ماندم و در این مصیبت بزرگ چون مادر فرزند مرده، اشک از دیدگانم می‌راندم (اصول کافی ج ۱ ص ۱۵۹)

تنها تسلی بخش علی علیه السلام حضرت بعد از شهادت فاطمه خطاب به ایشان فرمودند: **بِمَنِ الْعَزَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ؟ كُنْتُ بِكِ أَتَعَزِي فَفِيمَ الْعَزَاءِ مِنْ بَعْدِكِ؟** (مجمع الروایة) ای دختر محمد؟ من به وسیله تو تسکین می‌یافتم؛ بعد از تو با چه کسی آرامش یابم؟ **غضب خداوند به غضب فاطمه:** حضرت علی از پیامبر اکرم نقل نموده که ایشان فرمودند: **انَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَغْضِبُ لِيَغْضِبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا** (کنز العمال) خداوند عزوجل به خاطر خشم فاطمه، خشمگین؛ و برای خشنودی و رضایت فاطمه راضی می‌شود. و در حدیث دیگر خطاب به حضرت فاطمه فرمودند **انَّ اللَّهَ لَيَغْضِبُ لِيَغْضِبِكِ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ** خداوند برای خشم تو، خشمگین و برای خشنودی تو، خشنود می‌شود.

برگزیده پیامبر حضرت علی در مصیبت همسرش خطاب به پیامبر می‌فرماید: **قل يا رسول الله عن صفتك صبري** این صفیه توست، بانویی که صفوه تو، مصطفی و برگزیده توست رحلت کرده و صبر فقدانش برای من دشوار است (نهج البلاغه خ ۱۹۳) **تکرار مصیبت فقدان پیامبر** هنگام ارتحال بزرگ بانوی جهان حضرت فاطمه و بیان وصایا و حلالیت ایشان حضرت در پاسخ می‌گوید: پناه به خدا، تو داناتر و پرهیزکارتر و گرامی‌تر و نیکوکارتر از آنی که به جهت مخالفت کردنت با خود، تو را مورد نکوهش قرار دهم. دوری از تو و احساس فقدانت بر من گران خواهد بود، ولی گریزی از آن نیست. به خدا قسم با رفتنت مصیبت رسول خدا را بر من تازه نمودی،

یقیناً مصیبت تو بزرگ است مصیبتی که هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند به انسان دلداری دهد و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن شود.

مقدم نمودن خواست فاطمه برخواست خویش در هنگام وصیت حضرت زهرا در پاسخ امام به ایشان و گریستن هر دو، سپس امام سر مبارک فاطمه را به سینه چسباند و گفت: هر چه می‌خواهی وصیت کن، یقیناً به عهد خود وفا کرده، هر چه فرمان دهی انجام می‌دهم و فرمان تو را بر نظر و خواست خویش مقدم می‌دارم.

مرثیه جگر سوز امیر مؤمنان علیه السلام پس از دفن حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود مبارک امیرالمؤمنین در مراسم تجهیز زهرا اشک ریخت. گفتند: چرا می‌نالی؟ فرمود: من محرم‌ترین مرد نسبت به این بانو بودم. او تا الآن به من نگفت پهلویم یا بازویم ورم کرده است! من الآن که زیر لباس داشتم غسلش می‌دادم، دستم به آن برآمدگی رسید!!

در هنگام دفن آنطوری که در نهج البلاغه هست، رو کرد به قبر مطهر پیغمبر صلی الله علیه و آله؛ گفت: یا رسول الله! برای من بسیار گران و سخت و تلخ است که این مصیبت را تحمل بکنم **قلّ عن صفیّت کصبری. ستنبّک ابنتک النّاز لهبک السّریعه اللّحاق . یا رسول الله!** این دخترت که زود به شما ملحق شدند، تمام جریان سقیفه و غیر سقیفه را به عرض شما می‌رساند که من هیچ کوتاهی نکردم، هرچه دستور دادی عمل کردم؛ **فاحفها السّئوال و استخبره الحال.** شما هم جریان را یکی پس از دیگری از این بانو سؤال بکنید

یا رسول الله! برای کوبیدن فاطمه سلام الله علیها تنها هیئت حاکم قیام نکرد! اینها مردم را هم شوراندند. همه جمع شدند، اجماع کردند تا زهرا را منزوی کنند. آن گزارشی که دخترت به عرض شما می‌رساند این است که: **لتضافر الامّه علی هضمها.** تنها از دولت بر نمی‌آمد که زهرا را منزوی کند، تنها از ملت ساخته نبود که زهرا را منزوی کند

می‌بینید سخن از فدک نیست! شخصیت فاطمه کسی بود که تا همه جمع نمی‌شدند، نمی‌توانستند او را منزوی بکنند. گرچه نتوانستند، ولی بالأخره برای انزوای او همه تلاش کردند. یکی گفت: آتش بیاور، یکی گفت: آتش بزن، یکی گفت غلاف شمشیر بیاور، یکی گفت غلاف شمشیر بزن، یکی گفت فدک را بگیر. یکی گفت ...؛ همه جمع شدند: **بتضافر الامّه علی هضمها**

امام علی علیه السلام و آخرین وداع با فاطمه سلام الله علیها خطبه ۲۰۲

درد دل امام علی علیه السلام با پیامبر به هنگام دفن فاطمه سلام بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، سلامی از طرف من و دختری که هم‌اکنون در جوارت فرود آمده و شتابان به شما رسیده است. ای پیامبر خدا، صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه کم شده و توان خویشتنداری ندارم. اما برای من که سختی جدایی تو را دیده و سنگینی مصیبت تو را کشیدم، شکیبایی ممکن است. این من بودم که با دست خود تو را در میان قبر نهادم و هنگام رحلت، جان گرمی تو میان سینه و گردنم پرواز کرد. پس همه ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم. امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد و به صاحبش رسید. از این پس اندوه من جاودانه و شب‌هایم شب زنده‌داری است تا آن روز که خدا خانه زندگی تو را برای من برگزیند. بزودی دختری تو را آگاه خواهد ساخت که امت تو چگونه در ستمکاری بر او ارجاع کردند. از فاطمه پرس و احوال اندوهناک ما را از او خبر گیر که هنوز روزگاری سپری نشده و یاد تو فراموش نگشته است

سلام من به هر دوی شما، سلام وداع‌کننده‌ای که از روی خشنودی یا خسته دلی سلام نمی‌کند. اگر از خدمت تو باز می‌گردم از روی خستگی نیست و اگر در کنار قبرت می‌نشینم از بدگمانی بدانچه خدا صابران را وعده داده نمی‌باشد.

حضرت فاطمه سلام الله علیها نخستین شهید راه امر به معروف و نهی از منکر است

با نهادینه کردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک گفتمان حاکم در جامعه می‌توان احساس مسئولیت عمومی برای اجرای آن را افزایش داد لذا مصداق بارز سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام است و با تبیین زندگی آنها در جامعه می‌توان این فریضه را در جامعه پیاده کرد.

حضرت زهرا سلام الله علیها در مدت سه ماه بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با شفاف سازی دین اسلام نقش مهمی در دفاع از ارزش‌های اسلامی داشتند و می‌توان از ایشان به عنوان نخستین شهید راه احقاق امر معروف و نهی از منکر در تاریخ اسلام نام برد.

برخی دیدگاه‌های نادرست و افراط و تفریط نسبت به اهل بیت علیهم السلام که آنها را در ردیف جایگاه خدا قرار می‌دهند را نباید به حساب تشیع گذاشت. بیشتر اهل تسنن، ائمه علیهم السلام را قبول دارند و باید سطح معرفت آنان نسبت به این بزرگواران بیش از پیش افزایش یابد.

قبر مخفی زهرا سلام الله علیها فریاد بلند رسوایی نفاق چرا آن حضرت سلام الله علیها حاضر به پذیرش برخی از اهالی قدرت نمی شود و یا خواستار دفن شبانه می شود؟ آن حضرت چنان مورد تحقیر و اهانت قرار می گیرند که اگر حتی فرزند پیامبر بودن نبود نمی بایست این گونه با او رفتار می شد. زیرا به صراحت آیات بسیاری از قرآن و حتی سوره خاصی که درباره ایشان نازل شده بود ایشان اهل بهشت بودند و خداوند گواهی و شهادت داده بود که او از هر پلیدی دور است و از اهالی بهشت رضوان می باشد. اگر کسی گواهی قرآن را قبول می داشت می بایست در حق او به عنوان کسی که اهل بهشت است آن چنان عزت و احترام و کرامت می کرد تا از شفاعت وی بهره ببرد. اما چه شد که این راستگوی و اهل بهشت، گواهی اش نسبت به فدک و زمین میراثی اش پذیرفته نمی شود؟

اگر همین یک اهانت که از سوی عده ای نسبت به آن بزرگوار شد تنها دلیل ما برای گریه ها و مویه های ایشان باشد کفایت می کند تا به آن حضرت حق بدهم این گونه واکنش شدید نشان دهد. انسان اگر مومن است که خداوند و آیات قرآنی بر راستی گواهی می دهد چگونه به خود جرات می دهد تا در برابر این زن بهشتی او را متهم به عدم پذیرش شهادت کند؟ مجموعه اهانت ها و ستم هایی که از سوی دولتمردان انجام شد ولی خدا را در مقام مظلومیت قرار داد.

در این زمان است که مظلوم می بایست به راه های مختلف حق خویش را بخواهد. گاه از راه مجادله به احسن و موعظه گاه دیگر از حربه سخنرانی و حتی مویه و گریه استفاده کند تا به دیگران اتمام حجت نماید. با آنکه حضرت فاطمه سلام الله علیها در میان زنان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله برجسته و از نوادر دهر بوده و هست، اما هیچ نشانی از آن صاحب نشان پیشگاه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، در مدینه نیست تا با رفتن به زیارت قبر ایشان دست کم آبی بر آتش اشتیاق خود نسبت به آن بانو بریزد. خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری دوستی و مودت نسبت به فاطمه سلام الله علیها را پاداش رسالت محمد صلی الله علیه و آله و حق آن حضرت برعهده مومنان دانسته است و توضیح داده که این مودت زمینه برخورداری از آمرزش الهی و پاداش مضاعف برای مومنان خواهد بود چرا که مراد از **من یقترب حسنه** به قرینه ذکر آن پس از **الا الموده فی القربی** همانا مومنان دوستدار عترت است و مقصود از **نزد له فیها حسنا** طبق نظر عده ای از مفسران افزایش پاداش الهی نسبت به کسانی است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و از جمله فاطمه سلام الله علیها را دوست داشته و نسبت به ایشان مودت می ورزند.

سند مظلومیت و حقانیت اهل بیت علیهم السلام سبب پنهان ساختن و پنهان ماندن قبر فاطمه سلام الله علیها و اصرار مستمر امامان شیعه علیهم السلام بر آن نیز دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل است. قبر بی‌نشان فاطمه سلام الله علیها سند جاودانه و خدشه ناپذیری است که از یک سو حقانیت و مظلومیت فاطمه سلام الله علیها، علی علیه السلام و فرزندان آنان و از سوی دیگر ستمگری و عدم مشروعیت جریان مقابل آنان را برای همیشه تاریخ با صدای خاموش و در عین حال بسیار رسا فریاد می‌کند. با این تفاوت که چنین سندی هرگز در گذر ایام از حافظه تاریخ پاک نمی‌شود و کارایی خود را از دست نمی‌دهد.

مگر می‌شود به دروغ قبری برای وی ساخت؟ مگر می‌توان بی‌نشانی و گم‌گشتگی قبر او را از بین برد؟! این مساله همواره می‌تواند یک مسلمان آگاه را به چون و چرا واداشته و این پرسش را پدید آورد که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله چه حادثه‌ای رخ داد که دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت از برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و توده‌های همراه آنان رنجیده خاطر و رویگردان شد به گونه‌ای که حاضر نشد آنان حتی در تشییع جنازه وی هم شرکت کنند؟ چرا امام علی علیه السلام همه آثار قبر وی را از بین برد؟ چرا در دوره‌های بعد قبر وی را آشکار نکردند؟ و چراهای دیگری که پاسخ به آنها بسیاری از حقایق مکتوم تاریخ را معلوم می‌سازد.

علی! منم فاطمه! دختر محمد که خدا مرا به همسری تو درآورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو در انجام کارهای من سزاوارتر از دیگرانی. مرا شبانه حنوط کن، غسل ده و کفن کن و بر من نماز بخوان و شبانه مرا دفن کن و کسی را خبر مکن. تو را به خدا می‌سپارم. به فرزندانم تا روز قیامت سلام می‌رسانم. (بحارالانوار ج ۴۳، ص ۲۱۴- بیت الاحزان، ص ۱۸ و ..)

اجتماع امت بر هضم و نابودی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

اینکه حضرت امیر در جریان رحلت فاطمه زهرا سلام الله علیها به قبر مطهر پیغمبر صلی الله علیه و آله خطاب میکند و میگوید: **سَتَنْبُکُ ابْنُکَ بِتَضَافِرِ امَّتِکَ عَلِیَّ حَقَّهَا** (خ ۲۰۲)، سرش همین است. یا رسول الله! دختری فاطمه الآن به شما ملحق شده؛ شما کاملاً جستجو کنید، از او گزارش بخواهید، ما کوتاهی نکردیم. او به شما اطلاع میدهد که اینها اجماع کردند بر اینکه حق فاطمه را غصب بکنند!

تضافر یعنی توافق، هماهنگی، همدلی، هم آوایی، تعاون و مانند آن. فرمود: همه شان اتفاق کردند که فاطمه را هضم کنند و بکوبند! چون می دانستند این بانو مظهر عدل دودمان عصمت و طهارت است؛ و به بارگاهی بار یافت که رضای او رضای خداست، غضب او غضب خداست؛ بعد فرمود: **ما اصنع بفدک و غیر فدک** (نامه ۴۵) آنوقتی که این اموال در اختیار ما بود دیگران در کنار سفره ما بودند!! مگر وضع ما آن وقت با الآن فرق کرده؟! آنوقت هم همین نان جو بود، الآن هم همین نان جو است! آن وقت هم همان پوست تخت بود، برای این ما از فدک دفاع می کردیم که بیگانگان از آن استفاده نکنند، محرومان از آن طرفی ببندند.

دفاع امیر مؤمنان علیه السلام از خویش و حقوق حضرت فاطمه سلام الله علیها

وجود مبارک حضرت امیر در جریان خلافت فرمود: ما نبخشیدیم و من در کنار قبر رفتم، این حرف را زدم و تا آخرین لحظه هم مقاومت کردم. یک عده آمدند، حمله کردند؛ یک عده هم سخاوتمندانه بی تفاوت گذشتند، ما را تنها گذاشتند! در جریان فدک هم همین طور است؛ **شَحَّت علیها نفوس قوم و سخت عنها نفوس قوم آخرین**، در نامه ای که برای معاویه نگاشت، فرمود: زیر این آسمان فدک به نام ما بود؛ گرچه ما نیازی به فدک نداریم، آن وقتی هم که داشتیم در کنار سفره فدک دیگران را تغذیه میکردیم نه خودمان را! اما بالأخره فدک حقّ مسلم دختر پیغمبر بود، معصومین تا آخرین لحظه از فدک نگذشته بودند و بعد از اینکه علی علیه السلام به مقام خلافت رسید، باز هم نتوانست فدک را استرداد کند و به اولاد فاطمه برگرداند؛ باید حقّ هر ذی حقّی را تعدیه می کرد، حقّ هر مظلومی را به او بر میگرداند؛ حقّ اولاد فاطمه به آنها برنگشت، فدک همچنان مغصوبانه تحت تصرّف دیگران بود! آنطوری که طبری و دیگران نقل کردند، وجود مبارک حضرت امیر فرمود: **لو تسوّدت قدمای لغیرت اموراً کثیره** من اگر حکومت نو پایم پا بگیرد، مقتدر بشوم؛ خیلی از امور را عوض میکنم

اینکه وجود مبارک حضرت امیر فدک را استرداد نکرده است، برای همان است که عده ای هم باز سخاوتمندانه از حقّ دیگران می بخشیدند! اینکه فرمود: عده ای بخیلانه حمله کردند و تهاجم کردند، عده ای هم سخاوتمندانه صرف نظر کردند، مخصوصاً درباره خلافت؛ منظور این نیست که ما سخاوتمندانه خلافت را رها کردیم، چون خلافت وظیفه است، مسئولیت است، یک امتیاز شخصی نیست که کسی از آنها بتواند صرف نظر کند و بگذرد!

پیام فاطمه پیامی به بشریت مسلمان برای همیشه تاریخ

هنگامی این پیام می‌توانست به همه نسلها و عصرها در عرصه تاریخ برسد که پیکر فاطمه سلام الله علیها مخفیانه به خاک سپرده شده باشد تا مردم نشانی قبر گمشده او را در داستان زندگی اندوهبار و اعتراض دائمی او به ارتجاع و استبداد جست‌وجو کنند و بتوانند از این پنجره نگاهی نو به تاریخ اسلام و سرنوشت بشریت مسلمان داشته باشند. از گزارش منابع حدیثی اهل سنت، امام علی علیه السلام خلیفه اول را نیز برای اقامه نماز بر پیکر فاطمه سلام الله علیها و شرکت در مراسم تشییع وی با خبر ساخت و در پاسخ به اعتراض آنان گفت که خواست خود فاطمه سلام الله علیها چنین بوده است. تشییع و دفن شبانه و پنهانی دختر پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراض خاموش و رسای آن بانوی گرامی به جریان حاکم و توده‌های همراه آنان بود و حقانیت و مشروعیت دینی آنان را شدیداً به چالش کشید.

فرازهائی از وصایای صدیقه طاهره سلام الله علیها، به انحاء گوناگون در منابع اهل سنت ذکر گردیده، به عنوان نمونه، تعدادی از منابع معتبر اهل سنت که به مساله تدفین شبانه آن حضرت بعد از مشروح خطبه اشاره خواهد شد،

اسناد عبارتند از: صحیح بخاری ج ۵ باب غزوه خیبر - صحیح مسلم، باب «قول النبی لا نورث»، حدیث ۱۷۵۹ - طبقات ابن سعد ج ۸ - التنبيه و الاشراف ج ۱ - سیر اعلام النبلاء ج ۲ اسد الغابه ج ۳ - سنن بیهقی ج ۴ - استیعاب ج ۲ - خلاصه وفاء الوفاء ج ۱

فاطمه سلام الله علیها نمی‌خواهد با بیان غمهای خود روح پاک علی علیه السلام را که سخت از آن اوضاع ناگوار و خلافت‌های امت ضربه دیده، آزرده تر سازد. به همین دلیل به کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفت و با او درد دل می‌کرد، و سخنان جانسوزی که اعماق وجود انسان را می‌سوزاند، بر زبان می‌آورد. من، در میان اندوه و رنج بسیار به سر می‌برم: از یکسو پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله را از دست داده‌ام، و از سوی دیگر با چشم خود می‌بینم که به جان‌شینش ستم شده است.

به خدا سوگند که پرده حرمتش را دریدند. ولی با اینهمه دفاع فاطمه از حریم قدس علوی و حمایتش از امیر مؤمنان علیه السلام در این دوران پر درد و رنج بر کسی پوشیده نیست. گرچه حیاتش بعد از پدر همانگونه که خود از خدایش تقاضا کرد طولانی نشد

بخش ۱۱ : متن خطبه ولایت یا فاطمیه به بهانه غصب فدک (فدکیه) خطبه ی اول

خطبه ای است که به گفته علامه مجلسی، بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند. اینقدر پر مغز است؛ از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است. بطور بداهه سخن میگوید! سخنرانی، تاریخی، شیوا، بلیغ، گله آمیز، ترساننده و آتشین و دفاع از ولایت و سفارشات پدر بود. خطبه نکوهش آمیز در مورد عایشه آغاز می شود، و بالاخره خطبه در مقام طرح شکایت و دادخواهی زهرا. سفارشات پدر را برای جانشینی علی یادآور می شود و در مورد خود و سفارشات پدر میگوید و در انتها میفرماید **درد من فدک نیست که غصب کرده اند، درد من اسلام رهبری و انحراف دین است.**

به شیوه فن و هنر مسجع که در خانواده مرسوم بود شاید یک ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات و زبده ترین و گزیده ترین معانی سخن گفته. سخنرانی، کلمه به کلمه اش در تاریخ می ماند.

آنگاه ناله ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد. سپس لحظه ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروششان آرام یافت، آنگاه حضرت زهرا سلام الله علیها کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمومٍ نِعْمٍ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوغِ الْإِئِ اسْدَاهَا وَ تَمَامِ مَنِّ اَوْلَاهَا جَمَّ عَنِ الْاِحْصَاءِ عَدْدُهَا وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ اَمَدُهَا وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْاِدْرَاكِ اَبْدُهَا وَ نَدْبِهِمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتِحْمَدَ اِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَالِهَا وَ ثَنَى بِالنَّدْبِ اِلَى اَمَثَالِهَا

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده ای که اعطا کرد، و منتهای بی شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گسترده گی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

بعد از حمد و ثنای خداوند به توحید اشاره دارد و اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْاِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُولَهَا، وَ اَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا،

الْمُمْتَنِعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتُهُ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفْتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَاخْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٍ اِمْتَثَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَثْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ وَ گواهی می دهیم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می باشند.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نقمتمش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

سپس به بحث نبوت می پردازد وَ اَشْهَدُ اَنَّ اَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، اِخْتَارَهُ قَبْلَ اَنْ اَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ اَنْ اِجْتَبَاهُ، وَ اَصْطَفَاهُ قَبْلَ اَنْ اِبْتَعْتَهُ، اِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْاَهِوَالِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنَ اللّٰهِ تَعَالٰى بِمَائِلِ الْاُمُورِ، وَ اِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْاُمُورِ وَ گواهی می دهیم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات اِبْتَعْتَهُ اللّٰهُ اِثْمَامًا لِاَمْرِهِ، وَ عَزِيْمَةً عَلٰى اِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ اِنْفَاذًا لِمَقَادِيْرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْاُمَّمَ فِرْقًا فِيْ اَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلٰى نِيْرَانِهَا، عَابِدَةً لِاَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلّٰهِ مَعَ عِرْفَانِهَا

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشیهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

فَاَنَارَ اللّٰهُ بِاَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اِلٰهِ ظُلْمَتِهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ

الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ. ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافِعَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ اِيثارٍ، فَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّتْ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَ مُجَاوَزَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيَّتِهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی های آن را روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی براو باد.

آنگاه حضرت فاطمه رو به مردم از کلام خدا قرآن می پردازد أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَهُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بَلَاغُوهُ إِلَى الْأُمَّمِ، رَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ وَ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجَلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُعْتَبَلَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ. بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتها، زمامدار حق در میان شما بوده و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجتهای آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه گر می باشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می گردد، و شنیدن آن راه نجات است بوسیله آن می توان به حجتهای نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده اش، و رخصتهای بخشیده شده اش و قوانین واجبش دست یافت.

در ادامه خطبه حضرت به فلسفه ی بعضی از احکام پرداخته اند فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمْاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ. وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قِيَامَهُ مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمْرِ وَ مَنَامَةً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حِقْناً لِلدَّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقُدْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْفَةِ إِيْجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللَّهُ الشُّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ

احکام پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملتها، و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صله ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند.

حضرت در ادامه خطبه به معرفی خود و پدر و همسرش علی می پردازند فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. ثم قالت أَيُّهَا النَّاسُ! إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْداً وَ بَدْءاً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطاً، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ سَهْطاً، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. فَإِنْ تَعْرُوهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمَغْزِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ. فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ، مَاثِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً تَبَجُّهْمُ، إِخْذاً بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْهَامَّ، حَتَّى انْتَهَرَ الْجَمْعُ وَ لَوْ الدُّبُرَ. پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می‌ترسند.

آنگاه فرمود ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطف است. پس اگر او را بشناسید می دانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم. رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

حضرت در ادامه خطبه به تلاشهای پیامبر اشاره می کند حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَن صُجْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَن مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ رَعِيمُ الدِّينِ، وَ حَرَسَتْ شَقَائِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهِنْتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفْرِ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ. وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرِيُونَ الطَّرِيقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّةَ، أَدِلَّةَ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّيْ، وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِبِهِمُ الرَّجَالِ، وَ ذُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ. كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَدَفَ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيءُ حَتَّى يَطَّأَ جِنَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ، وَ يَخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً نَاصِحاً مُجَدِّداً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَئِيمٍ. وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَ ادْعُونَ فَاكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَفْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه ای آب بوده و در معرض طمع طمّاعان قرار داشتید، همچون آتش زنه ای بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب

و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید. هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا ازدهائی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت گر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی هراسید. و این در هنگامه ای بود که شما در آسایش زندگی می کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می بردید تا ناراحتیها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می کردید، و به هنگام نبرد فرار می نمودید.

در ادامه ی خطبه به علائم نفاق فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلَ جَلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ تَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَظْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغِرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید. این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است

در ادامه ی خطبه هشدار پشت کردن به قرآن :

هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلْمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، إِبْتِدَارًا رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ. فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ أَنِّي تُؤْفَكُونَ، وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ،

وَزَوَاجِرُهُ لِإِنِحَّةً، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَعْبَةً عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْزُهُ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، آموزش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَ قَدْتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّافِيِّ، آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش گیره ها را افروخته تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید،

در ادامه ی خطبه موضوع ارث پیامبران :

نُسْرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَادِيهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصَبْرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى، وَ وَخْزِ السِّنَانِ فِي الْحِشَا. وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَرُومُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفْحُكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْغُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنْتُمْ! أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبَ عَلَى إِرْثِي؟ به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه ها و درختان کمین گرفته راه می رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر بران و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم. و شما اکنون گمان می برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی دانید؟ ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می اندازید،

يَابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَمَّا كِتَابُ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا إِرْثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا، أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ (نمل ۱۶) وَ قَالَ فِيمَا أَقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ (مریم ۶) وَ قَالَ: «وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (احزاب ۶) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي

أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ (نساء ۱۱) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبَيْنِ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (بقره ۱۸۰) آیا قرآن نمی گوید سلیمان از داود ارث برد، و در مورد خبر زکریا: پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد، و فرمود: و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند، و فرموده: خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می فرماید: هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران

وَرَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةَ لِي، وَ لَا ارْثٌ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَحَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيَّةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارِثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَدُونَكُمَا مَحْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ. فَنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ، وَ الرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ. و شما گمان می برید که مرا بهره ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد/

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می برند، و پشیمانی به شما سودی نمی رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می شود.

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت:

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»، سَرَعَانَ مَا أَحَدْتُمْ وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَ أُرَاوِلُ. أَنْتَقُولُونَ مَا تَمْحَمَدٌ؟ فَخَطَبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَ هُنَّ، وَ اسْتَنْهَرَ فَنَقُّهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْفُهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كَسَفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكَدَتِ الْأَمَالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أَضْبِعَ الْحَرِيمُ، وَ أزيلتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ. فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثُهَا نازِلَةٌ، وَ لَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ أُعْلِنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ، وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتِفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَ صُرَاخًا وَ تِلَاوَةً وَ أَلْحَانًا، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ

اللَّهِ وَرُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ . وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران ۱۴۴)

آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:

ای گروه نعباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فرو ریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصد من باشد

آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فرو ریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند. بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند،

و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد به خدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.

إيها بني قيلة! أهُضِمُ ثَرَاثَ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِيٍّ وَمَسْمَعٍ وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ، وَأَنْتُمْ دَوُو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجِنَّةُ، تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيُّونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَ النُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبْتِ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ، لَا نَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَصَعَتْ نَعْرَةُ الشَّرِكِ، وَ سَكَنْتْ فُورَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَآتَى حِرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ أَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟

ای پسران قبیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می بینید و سخن مرا می شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید،

در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید! با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد،

و نعره های شرک آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَوُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، اتَّخَشُونَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. آلا، وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالتَّبْسِطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالصِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنِي حَمِيدٌ وَ اِي بَر گروهي که بعد از پيمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید. آگاه باشید می بینم که به تن آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فرورده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هرکه در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.

آلا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُمْ، وَ الْعَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا فُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْتَةُ الْغَيْظِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاةِ، وَ بَثَّةُ الصِّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَّارِ وَ سَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ انْتِظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ. آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمّل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

فأجابها أبو بكر عبدالله بن عثمان، و قال: يا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْوْفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَناهُ وَ جَدْنَاها أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ آخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخِلَاءِ، ائْتَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ.

آنگاه ابوبکر پاسخ داد: ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگواری و رئوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند

فَأَنْتُمْ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُنتَجَبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدِلَّتْنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوْرِ عَقْلِكَ، غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ. وَ اللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِأَذْنِهِ، وَ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا، أَلَيْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ دَهْبًا وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَارًا وَ لَا عِقَارًا، وَ إِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلْيُولِي الْأَمْرَ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده است، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادقیت مانعی ایجاد نخواهد گردید. و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده،

و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی گوید، و خدا را گواه می گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می نهیم، و آنچه از ما باقی می ماند در اختیار ولیّ امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.

وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُفَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُونَ الْمَرَدَّةَ الْفُجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِاجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحْدِي، وَ لَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي، هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَرَوِي عَنْكَ وَ لَا نَدَّخِرُ دُونَكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةٍ أَبِيكَ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ مَالِكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوضَعُ فِي فَرْعِكَ وَ أَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرِينَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. و ما آنچه را که می خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدم، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقهات فرو نهاده نمی گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است آیا می پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم؟!!

فَقَالَتْ حَضْرَتُ فَاطِمَةَ فَرَمُودَ سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ عَنِ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجَمَعُونَ إِلَى الْغَدْرِ اِعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُعِيَ لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ» پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می نمود، آیا می خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می اندازد، و می فرماید: زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می فرماید: سلیمان از داود ارث برد.

بَيْنَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَايِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ، مَا أَرَاخَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ أزالَ النَّظْطَى وَ الشَّبَهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا، فَصَبِّرْ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ

خداوند در سهمیه‌هایی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هایی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

فقال ابوبکر گفت صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقْتَ ابْنَتَهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَرُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ وَلَا أَنْكِرُ خِطَابَكَ، هَوْلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدِّ وَلَا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ. خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می باشد و راست می گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند

فالتفت فاطمة عليها السلام الى النساء، و قالت: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمَغْضَبَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَفْغَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ شَرٌّ مَا مِنْهُ إِعْتَضْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهَ مَحْمِلَهُ ثَقِيلاً، وَ غِبَّهُ وَ بِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُضْطَلُونَ

آنگاه حضرت فاطمه رو به مردم کرده و فرمود: ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بد چیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.

ثم عطفت على قبر النبي ص و قالت: قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ

تَكْثِرِ الْخُطْبُ إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدَ الْأَرْضِ وَإِبِلَهَا - وَ اِحْتَلَّ قَوْمَكَ فَأَشْهَدَهُمْ وَ لَا تَغِبُ وَ كُلُّ أَهْلِ
لَهُ قُرْبَى وَ مَنزِلَةٌ - عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَى مَقْتَرِبُ أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود: بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی کرد. ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند. هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما. مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه ها را آشکار کردند.

لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ تَجَهَّمْنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا - لَمَّا فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْإِرْتِ
مُغْتَصَبٌ وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ
يُؤْنِسُنَا - فَقَدْ فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبٌ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِفُنَا - لَمَّا مَضَيْتَ وَ
حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و
میراثمان دزدیده شد. تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب
خداوند بر تو کتابها نازل می گردید. جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو
تمام خیرها پوشیده شد. ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در
زیر خود پنهان کرد.

ثم انكفأت عليها السلام و امير المؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه.
فلما استقرت بها الدار، قالت لامير المؤمنين : يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ! اِسْتَمَلْتَ سِمْلَةَ الْجَنِينِ،
وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الطَّنِينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ. هذا ابنُ أَبِي قُحَافَةَ
يَبْتَرُنِي نِخْلَةَ أَبِي وَ بُلْغَةَ أَبِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ أَلْفَيْتُهُ أَلَدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَةً
نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَ ضَلَّهَا، وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ
كَاطِمَةً، وَ عُدْتُ رَاغِمَةً.

**آنگاه حضرت فاطمه به خانه بازگشت و حضرت علی علیه السلام در انتظار او بسر برده و
منتظر طلوع آفتاب جمالش بود وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی فرمود:** ای
پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده نشین شده، و در خانه اتهام به زمین
نشسته ای، شاه پره‌ای شاهین را شکسته، و حال آنکه پره‌ای کوچک هم در پرواز
به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو
پسرم را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن
با خود بسیار لجوج و کینه توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و
مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم پوشی کردند، نه مدافعی

دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالیکه خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم. **أَصْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَصْغَتْ خَدَّكَ، إِفْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ افْتَرَشْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَمْتَ قَائِلًا وَ لَا أَعْنَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارَ لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذَلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهَ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا. وَيْلَايَ فِي كُلِّ شَارِقِي، وَيْلَايَ فِي كُلِّ غَارِبِي، مَاتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَ الْعَصْدُ، شَكُوَايَ إِلَى أَبِي وَ عَدُوَايَ إِلَى رَبِّي، اَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنْكِيلًا.** آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده ای، گوینده ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می گویم خداوندا عذر می خواهم، و یاری و کمک از جانب توست. از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.

فقال اميرالمؤمنين لا وئيل لك، بل الوئيل ليشانئك، نهني عن وجدك، يا ابنة الصفة و بقیة النبوة، فما وئيت عن دینی، و لا اخطأت مقدوری، فان كنت تريدین البلغة فرفقک مضمون، و کفیلک مأمون، و ما اعدد لك افضل مما قطع عنک، فاحسبي الله. وای گفتن، سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده و از تو گرفته شده بهترست، پس برای خدا صبر کن .

فقلت: حسبي الله، و أمسکت. خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد. بعد از آن خطبه تاریخی جمعی به حضرت زهرا گفتند: **يا بنت محمد! لو سمعنا هذا الكلام منك قبل بيعتنا لأبي بكر ما عدلنا بعليّ أحدا؛** ای دختر رسول خدا! اگر قبل از بیعت با ابوبکر این سخنان را از تو می شنیدیم، به هیچ وجه کسی را بر علی ترجیح نمی دادیم! اینجا بود که حضرت در جواب آنان به جریان غدیر خم اشاره، فرمود: **هل ترک أبي يوم غدیرخم لأحد عذرا؟** آیا پدرم رسول خدا پس از حادثه غدیرخم، جایی برای عذر آوردن باقی گذاشته بود؟ و در جایی دیگر حضرت زهرا فرمود: **اليك عني فما جعل الله لأحد بعد غدیرخم من حجة و لا عذر؛** مرا به حال خود بگذار، که خداوند بعد از جریان غدیر خم برای هیچ کس عذر و بهانه ای قرار نداده (دلائل الامامة ص ۳۷ و ۳۸ الخصال ج ۱ ص ۱۷۳ بحارالانوار ج ۳۰)

بخش ۱۲: فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی در خطبه حضرت فاطمه سلام الله علیها

این خطبه که بدنبال وقایع بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حادثه سقیفه ایراد گردیده در بر دارنده مطالب و مفاهیم بلند الهی و معنوی است که نمایانگر دانش والای فاطمی سلام الله علیها بوده که ریشه در علم الهی دارد و از جمله مطالبی که در آن بیان شده، اشاره به **علل برخی از احکام الهی** است و کاملترین مجموعه ای است که نگاه آن حضرت سلام الله علیها را به هستی و زندگی و فلسفه آن بیان می کند. اگر بخواهیم همه حقیقت حضرت را دریابیم از سه راه می توان به آن رسید که عبارتند از گزارش های قرآنی، سخنان معصومان علیه السلام و سخنان و سنت و سیره آن حضرت. بهترین الگوها، کسانی هستند که بهترین اندیشه و رفتار را در همه حالات زندگی خود دارند (اعراف ۱۴۵)

هر یک از معصومان یک ویژگی هایی را به نمایش می گذارند که مقتضی شرایط آنهاست که دیگر معصوم آن را به نمایش نمی گذارد از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله در جوامع الکلم خود، این قاعده را به شکلی بیان می کند تا دانسته شود که هر معصوم اگر در شرایط دیگری بود همان کاری را می کرد که آن دیگری کرده است؛ زیرا معصومان علیه السلام بهترین و نیکوترین انتخاب را خواهند داشت پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حسنین علیه السلام می فرمایند: **الحسن و الحسین امامان قاما او قعدا؛ حسن و حسین هر دو امام هستند چه قیام کنند یا قیام نکنند.**

بنابراین، در امامت و پیشوایی آنان به عنوان معصومان و الگوهایی که بهترین و نیکوترین انتخاب را انجام می دهند شکی نیست. اگر حضرت امام حسین علیه السلام در زمان امام حسن علیه السلام و شرایط ایشان زندگی می کرد همان کاری را می کرد که امام حسن علیه السلام انجام داده است و همچنین امام حسن علیه السلام در زمان امام حسین علیه السلام اگر می زیست قیام می کرد و کربلا را می آفرید

شرایط اختصاصی حضرت فاطمه سلام الله علیها موجب شد تا ایشان حرکتی خاص را برای بحرانی که برای نظام ولایی ایجاد شده بود در پیش گیرد که اگر هر معصوم دیگری در آن زمان بود آن را انجام می داد. امیرمومنان علیه السلام نیز همان کاری را کرد که شرایط اقتضا می کرد و ایشان بهترین و نیکوترین انتخاب را داشته است. البته حضرت فاطمه سلام الله علیها در شرایطی که برای ایشان پدید آمد توانست یک گزارش کامل از فلسفه زندگی ارائه دهد. این گونه است که خطبه آن حضرت سلام الله علیها در مسجدالنبی یعنی **خطبه ولایت یا فاطمیه** (که به اشتباه خطبه فدکیه گفته می شود)، کامل ترین کلام ایشان در تبیین فلسفه زندگی بشمار می رود.

فلسفه آفرینش در خطبه فاطمه سلام الله علیها حضرت فاطمه صلی الله علیه و آله در آغاز خطبه به توحید و فلسفه آفرینش اشاره میکند و در یک ترسیم کلی روشن میکند که حقیقت آفرینش جز بندگی و عبودیت نیست. در بیان فلسفه آفرینش آن حضرت سلام الله علیها به این نکته توجه میدهد که انسان به عنوان یک موجود مرید و مختار، از سوی خداوند انتخاب شده تا در مقام مظهر الوهیت با عبودیت خود به ربوبیت و پروردگاری دست یابد و خلافت الهی را به عهده گیرد خداوند خود را به تمام و کامل در انسان به نمایش گذاشته است

فلسفه دین فلسفه دین از نظر فاطمه سلام الله علیها راهنمایی بشر برای رهایی از قید و بندهای دنیا و وسوسه های شیطانی و حرکت در مسیر خدایی شدن است. همه پیامبران علیه السلام برای این مسئولیت برانگیخته شده اند هر چند که از نظر آن حضرت سلام الله علیها پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هم یکی از پیامبران است، ولی به جهاتی از همه آنان سرآمدتر است زیرا انتخاب آن حضرت صلی الله علیه و آله مانند انتخاب دیگر پیامبران نبوده است و ایشان پیش از آن که دیگری انتخاب و برگزیده شوند انتخاب و برگزیده الهی بوده است

فلسفه نبوت آن حضرت سلام الله علیها همچنین نقش پیامبر صلی الله علیه و آله را در مقام پیامبری چنین بیان میکند: او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید و آن حضرت امتها را دید که در آئین های مختلفی قرار داشته و در پیشگاه آتش های افروخته معتکف و بت های تراشیده شده را پرستنده و خداوندی را که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد منکرند پس خدای بزرگ به وسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی های آن را روشن و مشکلات قلب ها را برطرف و موانع رؤیت دیده ها را از میان برداشت و با هدایت، در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید و بینایشان کرد و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شد و به راه راست دعوت نمود

آن حضرت سلام الله علیها در این عبارت و پس از آن، وضعیت جامعه آن روز را ترسیم می کند و نقش پیامبر صلی الله علیه و آله در رهایی مردمان از ظلمت و ورود به نور را به خوبی ترسیم و تصویر می کند. از نظر آن حضرت پیامبر با آئین اسلام خواست تا در یک نظام ولایی، قوانین و حقوق مردم را بیان کند

در این ترسیم فاطمی سلام الله علیها با **فلسفه آفرینش و فلسفه سیاسی و اجتماعی** چنان به شکل توحید محور، سامان می یابد که نمی توان به سادگی تفکیک و تمایزی میان آنها قرار داد. فلسفه سیاسی و اجتماعی زندگی که حضرت فاطمه سلام الله علیها تبیین می کند

همان فلسفه آفرینش و دین و زندگی است. از این رو نوعی همپوشانی را می توان در این فلسفه ارایه شده از سوی آن حضرت **سلام الله علیها** شناسایی کرد. از نظر آن حضرت **سلام الله علیها** همه چیز تحت ربوبیت الهی است و از ساختار یگانه ای پیروی می کند. خروج از این ساختار به معنای گمراهی و ضلالت است. آن حضرت **سلام الله علیها** مرگ را برای همه می بیند، ولی بازگشت به سنت های تاریک جاهلی را سزاوار مردمی نمی داند که نور حق را یافتند و در خانه هایشان هر روزه آن را تلاوت می کنند

اگر مصیبت فقدان حضرت محمد **صلی الله علیه و آله** این خلیفه الله، حجت الله، نبی الله و رسول الله **صلی الله علیه و آله** سخت است ولی فقدان بزرگ تر آن است که مردم از آنچه دارند دست بشویند و کتاب خدا و سنت پیامبر **صلی الله علیه و آله** را بر پشت افکنند و ولایت کفر و نفاق را برگزینند و به تاریکی جاهلیت بخزند

آن حضرت **سلام الله علیها** می فرماید: این بلایی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی و قضایی است قطعی، خداوند می فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب بر می گردید و آنکس که به عقب برگردد به خدا زبانی نمی رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.

در این میان انصار که سوگند یاری خورده بودند در سقیفه بنی ساعده کرامت و عزت خویش را فروختند و پس از عزتی که اسلام به آنان داده و فرمانروایی که یافته بودند، تاج ذلت و فرمانبرداری بر سر نهاده و در سکوت خویش حکومت جاهلی را پذیرفتند و نظام ولایی را به کناری نهادند: و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان، شرک آوردید؟ وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند. یا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

آیین آسمانی اسلام به عنوان آخرین راه برای کسب سعادت دنیوی و اخروی انسان در برگیرنده احکام و قوانین متعالی و ارزشمندی است که با عمل به آنها می توان در مسیر رضای الهی و تأمین حیات طیبه دنیوی و اخروی گام برداشت. این احکام و قوانین که تماماً ریشه در فطرت انسان دارند پاسخگوی نیازهای روحی و جسمی آدمی بوده و خداوند در این جهت از هیچیک از نیازهای انسان فروگذار نکرده است. البته هر یک از این احکام دارای فلسفه ای هستند یکی از منابعی که می توان علت برخی از احکام الهی دین مبین اسلام را در آن مشاهده کرد و با آنها آشنا شد **خطبه فاطمیه** **سلام الله علیها** است. که از جانب حضرت زهرا **سلام الله علیها** بیان شده است.

الف- فلسفه نماز حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه میفرمایند **فجعل الله الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ** خداوند نماز را قرار داد برای پاک شدن شما از تکبر . هرگاه انسان در شبانه روز چندین بار ارزشمندترین اعضای وجودی خود یعنی پیشانی و سر خود را برای خداوند بر زمین گذارد خواه ناخواه به کوچکی خود پی برده و می فهمد که فی الواقع بزرگی و عظمت تنها سزاوار خداوند است و لاغیر.

آدمی موجودی است که از نظر روحی و جسمی در معرض انواع و اقسام بیماریها است. در این میان بیماریهای روحی و امراض روانی خطرناکتر بوده و هر یک از آنها به تنهایی می تواند آدمی را به ورطه نابودی انداخته و موجبات هلاکت او را فراهم سازد یکی از خطرناکترین امراض روحی انسان بیماری **کبر** است که عبارت است: بزرگ دیدن خود و کوچک انگاشتن دیگران

در وخامت این رذیله اخلاقی همین بس که بدانیم در اثر ابتلا به آن اعمال و عبادات چندین هزار ساله شیطان از بین رفته و خداوند نیز قسم یاد کرده کسی را که مبتلا بدان باشد مورد عذاب قرار داده و خوار گرداند:

قال الله تعالی **الكبر ردائی و العظمة ازاری فمن نازعنی واحدا منهما القیته فی النار** کبر لباس من است و بزرگی، پیراهن من و هر کس در یکی از آنها با من شریک شود او را در آتش میافکنم (تفسیر روض الجنان و روح الجنان ج ۷۱ ص ۲۴۵)

انسان خردمند، مبارزه با این صفت زشت را در سرلوحه کارهای خود قرار میدهد و در صدد بر می آید وجود خود را از آن پیراسته گرداند. البته خداوند متعال نیز برای آنکه در جهت مبارزه با این صفت، آدمی را یاری رساند عبادتی بی بدیل نظیر **نماز** را بر انسان مسلمان واجب فرموده تا با برپایی آن و التزام به اقامه آن، از این صفت ناپسند برکنار ماند

ب- فلسفه زکات حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه : **وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةُ لِلنَّفْسِ وَنَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ** خداوند زکات را قرار داد برای پاک کردن جان و فراوانی روزی . ارتباطی که فیما بین پرداخت زکات و آراسته شدن به صفت (جود و سخاوت) وجود دارد نتیجه آن میشود که با پرداخت زکات، صفت رذیله بخل از وجود انسان پاک خواهد شد. ولی در کنار این علت آن حضرت سلام الله علیها دلیل دیگری را هم برای وجوب پرداخت زکات بیان میکند که همانا افزایش روزی در اثر این عمل است. یعنی پرداخت زکات برخلاف آنچه ابتدائاً به نظر می رسد که باعث کمبود دارایی آدمی است درست برعکس، موجب افزایش رزق و روزی شده و بر مال و مکنات انسان می افزاید.

همچنان که با زدن شاخ و برگ های اضافی درخت، زمینه رشد بهتر و بارآوری افزون تر آن فراهم می گردد. از دیگر رذایل اخلاقی که بسیاری از آدمیان بدان مبتلا هستند صفت ناپسند **بخل** است. صفتی آنچنان بد و ناپسند که بارها در لسان معصومین ع مورد نکوهش واقع شده و دارنده آن از رحمت خداوند بدور دانسته شده پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** : از بخل و تنگ نظری بپرهیزید که پیشینیان را نابود ساخت و آنان را به آنجا کشاند که خون یکدیگر را بریزند و حرمت هایشان را روا شمارند (نهج الفصاحه ص ۴۳)

ج- فلسفه روزه خطبه فاطمیه : **و الصَّيَامُ تَثْبِيْتًا لِلْاٰخْلَاصِ** خداوند روزه را برای تحقق اخلاص قرار داد (حدیث ۷۲) باید دانست که هر عبادتی که از انسان سر می زند زمینه های ابتلا به شرک و ریا در آن وجود دارد چرا که در آن عبادات زمینه های اطلاع یافتن دیگران نهفته است ولی روزه عبادتی است که حقیقتاً تمام و کمال با اخلاص عجین شده و انسان با این عبادت می تواند خود را هر چه بیشتر به زیور اخلاص آراسته سازد زیرا تا هنگامی که خود انسان روزه داری خود را ابراز نکند حتی نزدیکان او نیز از عمل وی بی اطلاع خواهند بود

و در نتیجه فرصتی برای ریا و شرکت به دست نخواهد آمد علاوه بر آن آدمی با روزه و تحمل سختی های ناشی از آن خود را به خداوند نزدیک تر ساخته و بر درجات قرب الی الله او افزوده می شود و همین زمینه ساز کسب اخلاص خواهد بود از جمله عباداتی که آئین مقدس اسلام بر مسلمانان واجب فرموده (روزه) است.

این عبادت مهم و ارزشمند از چنان اهمیت والایی برخوردار است که مطابق آنچه در حدیثی قدسی نقل شده، **الصوم لی و انا اجزی به**: روزه از برای من است و مختص به من و من خود ثواب آن را چنان که لایق من است به روزه دار خواهم داد (مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه ص ۱۳۵) و همین یک جمله کافی است تا آدمی به ارزش و اهمیت آن پی برده و بداند که روزه از چه جایگاه والایی در دین اسلام برخوردار است

د- فلسفه حج و الحَجِّ تَشْیِیداً لِلدِّینِ خداوند حج را برای تقویت دین قرار داد (حدیث ۷۲) یکی از دلایل وجوب حج تقویت آئین آسمانی اسلام است. آنگاه که میلیون ها مسلمان در یک زمان و یک مکان واحد گرد هم می آیند و در اطاعت از فرمان حق هماهنگ و یک صدا می کوشند و احدی از آنان برخلاف دیگری حرکتی نمی کند، این عمل به خودی خود عظمت اسلام را به رخ جهانیان می کشد و ظرفیت بی بدیل این آئین آسمان را در به حرکت در آوردن انسان ها برای هدفی واحد نشان

می دهد و همین خود باعث تقویت اسلام و مسلمانی در عرصه گیتی خواهد بود و نشان می دهد که اسلام از پشتوانه ای عظیم برخوردار است که هیچ نیروی را در جهان یارای مقابله با آن نخواهد بود مراسم حج در میان تمامی آیین های جهانی از چنان ارزشی برخوردار است که هیچ آئین دیگری را در سطح جهان و در میان ادیان و ملل دیگر نمی توان یافت که بتواند با آن برابری و همانندی کند؛

جایی که میلیون ها انسان از اقصی نقاط عالم در ایامی خاص به یکباره گرد هم آمده و مراتب عبودیت و بندگی خود را به درگاه ایزد یکتا اعلام می دارند به راستی کدام عامل مادی از چنین ظرفیتی برخوردار است که بتواند هر سال چنین مراسمی را بدون هرگونه زور و اجباری برگزار کند و جمع کثیری از انسان ها را در یک جا جمع کند

در نتیجه توطئه دشمنان خنثی شده و جایگاه اسلام روز به روز مستحکم تر می شود. البته ناگفته پیداست که این همه، در صورتی محقق خواهد شد که مسلمانان از فرصت حج برای همدلی هر چه بیشتر و تلاش در جهت حل مشکلات جهان اسلام بهره برداری کنند

ه- فلسفه جهاد وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ خداوند جهاد را برای عزت اسلام قرار داد (حدیث ۷۲) جهاد امری است که عزت جامعه مسلمین و عظمت اسلام در سایه آن حفظ میشود. زیرا نشان دهنده قدرت و توانایی مسلمانان در برابر دشمنان می باشد. جهاد و مبارزه با کفر و موانع سعادت انسان، یکی از دستورات دین مبین اسلام است. در این مکتب آسمانی اگرچه جنگ و خونریزی امری نکوهیده و ناپسند شمرده شده و اسلام همه انسانها را به زندگی مسالمت آمیز تحت احکام نورانی خویش دعوت می کند، ولی از آنجا که همواره در میان جوامع بشری افرادی وجود دارند که حرکت در مسیر الهی را با منافع زودگذر خود در تضاد می بینند و در نتیجه به مقابله با آن اقدام می کنند، در این آئین، راه مبارزه با آنان باز گذاشته شده و حکم جهاد بر مسلمانان نوشته و واجب گردیده شده

و- فلسفه قصاص : وَ الْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ قصاص را برای حفظ خون انسانها قرار داد (حدیث ۷۲) در نظرگاه اسلام، انسان محبوب ترین موجودات در نزد خداوند است. حیات و جان او ارزشی والا و گرانسنگ دارد و هیچکس را رخصتی در آسیب رساندن به این گوهر بی بدیل نیست. از سوی دیگر امنیت جامعه نیز امری است که در اسلام به شدت مورد توجه بوده و هرکس به هر نوعی آن را به مخاطره اندازد باید با او به شیوه مقتضی برخورد شود. به همین خاطر خداوند متعال برای محفوظ

ماندن جانها و تأمین امنیت جامعه، حکم قصاص را قرار داده تا چنانچه در میان افراد جامعه کسی یا کسانی پیدا شدند که به ناحق قصد جان مردم را کردند آسیب رسانی به آنها را وجه همت خود قرار دادند از بیم اجرای قصاص اسلامی از تصمیم خود منصرف شده و بالمال جان مردم و امنیت آنها در امان ماند

ز- فلسفه امر به معروف و نهی از منکر حضرت زهرا سلام الله علیها در بیان علت وجوب این قانون اساسی، در خطبه مورد اشاره می فرمایند **و الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَامَّةِ** و امر به معروف را برای مصالح اجتماعی عموم مردم قرار داد (حدیث ۷۲)

مطابق این سخن فلسفه امر بمعروف، اصلاح جامعه مسلمین از کژی ها و کجرویها است و چنانچه این حکم الهی به فراموشی سپرده شود در اندک زمانی کشتی جامعه در گرداب گناهان و انحرافات غرق خواهد شد. در میان احکام و دستورات عبادی اسلام موضوع (امر به معروف و نهی از منکر)، از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار است

تا بدان جا که علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره اهمیت این دو فریضه می فرمایند (تمام اعمال نیکو و جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای موج و پهناور است) (نهج البلاغه حکمت ۳۷۴)

ح- فلسفه تحریم شراب و النهی عن شرب الخمر تنزیها عن الرجس: خداوند نهی از شرابخواری را برای پاکیزه ماندن از پلیدیها قرار داده است (حدیث ۷۲) از نظر اسلام انسان موجودی است که بواسطه دمیده شدن روح الهی در او، از سایر موجودات متمایز شده و سزاوار آن گردیده که ملائکه الهی در برابر او سجده نمایند

از آنجا که این روح، امانتی از جانب خداوند در دست انسان است باید که در پیراسته نگهداشتن او از هرگونه پلیدی، اهتمامی دوچندان داشت و از هرگونه عاملی که سبب آلودگی آن می شود احتراز کرد به همین دلیل در اسلام هر عملی که موجبات آلوده شدن روح و پلیدی آن را فراهم می کند تحریم شده و از جمله چیزهایی که سلامت و پاکی روح را به خطر می اندازد «شرب خمر» است که عقل را از انسان زائل کرده و روح مقدس انسانی را تا حد روح حیوانی تنزل میدهد

ط- فلسفه تحریم دزدی و ترک السرقة ایجابا للعفة خداوند ترک دزدی را برای تحقق عفت و پاکدامنی قرارداد (حدیث ۷۲) اگر دسته ای از اعمال تحت عنوان گناه قرار گرفته و خداوند امر فرموده از آنها اجتناب شود درست به خاطر حفظ همین گوهر پاکدامنی و عفت آدمی است

که از جمله این گناهان می توان به عمل نکوهیده (دزدی و سرقت) اشاره کرد هر حکمی از احکام اسلام دارای فلسفه و علت ویژه به خود است و این گونه نیست که هر عملی در دین اسلام بدون دلیل مورد تحریم قرار گرفته یا بدون علت حلال شده باشد. البته علت این احکام نیز منحصر به آنچه در خطبه فاطمیه آمده نمی باشد و سایر دلایل و علل، در منابع دیگر اسلامی قابل مشاهده و جستجو است.

فلسفه حکم شرعی از منظر حضرت زهرا سلام الله علیها عبارات ذیل، تقطیع شده بخش آغازین خطبه معروف حضرت زهرا (سلام الله علیها) در ماجرای غصب فدک است که در آن به فلسفه بعضی احکام اشاره فرموده است:

۱. **فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِكِ** ایمان را قرار داد برای پاک شدنتان از شرک
۲. **وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ** و عدل را برای آراستن و پیوستن دلها
۳. **وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ** و پیروی از ما را برای ایجاد نظم در امت
۴. **وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ** و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه و پراکندگی
۵. **وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ** و شکیبایی را برای رسیدن به اجر و پاداش الهی
۶. **وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السُّخْطِ** و نیکی به پدر و مادر را برای محفوظ ماندن از خشم پروردگار
۷. **وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ وَ مَنَمَةً لِلْعَدَدِ** و صله رحم را برای طولانی شدن عمر و تکثیر یاران
۸. **وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ** و به جای آوردن نذر را برای رسیدن به آمرزش خدا
۹. **وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَيْخِ** پُرْدَادن پیمانها را برای جلوگیری از کم فروشی
۱۰. **وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ** منع شرابخواری را برای پاکی از پلیدیها
۱۱. **وَ اجْتِنَابَ الْقَدْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ** دوری کردن از قذف را برای ایمنی از نفرین الاهی
۱۲. **وَ تَرْكَ السَّرِقَةِ اِجَاباً لِلْعَفَّةِ** و دزدی نکردن را برای ایجاد عفت و امنیت
۱۳. **وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ** و شرک ورزیدن را حرام نمود تا ربوبیت و پروردگاری اش خالص گردد». (احتجاج ج ۱ ص ۹۹)

بخش ۱۳ : پاسخ به مهم‌ترین شبهات وهابیون درباره شهادت حضرت

کلمه **شهادت** در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها یعنی بطلان خلافت دیگران و اثبات حقانیت ولایت مولانا امیرالمومنین علی علیه السلام .

خون و شهادت و عزاداری احیای خط رساندن صدای مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به گوش تاریخ است... فاطمیه دعوت به دین و آگاه شدن از حقایق آن و فراخوانی مردم به صلاح و دوری از انحرافات است. مسئله مهم در عزاداری های فاطمیه شناخت آسیبها و تلاش در رفع آنهاست. آنچه در نگاه شرع مقدس اسلام و ائمه دین معتبر و ارزشمند است عزاداری برای بسیج اجتماعی و سیاسی به منظور ادامه دادن راه حضرت زهرا و سیره و روش ائمه دین است.

علمای وهابی برای اینکه ولایت حضرت علی علیه السلام را زیر سوال ببرند و چون پاسخی برای شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها ندارند، در زمینه زندگی و شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها شبهاتی وارد کرده‌اند.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین دفاع جانانه او از امام زمانش بود که منجر به شهادت او در سن جوانی شد؛ فاجعه ای که از همان روز شهادت آن حضرت تاکنون، غاصبان حق اهل بیت علیهم السلام را به چالش کشیده است. اما کوردلانی هم هستند که برای توجیه این جنایت، در طول تاریخ دست به تحریف‌های لفظی و معنوی تواریخ و احادیث زده اند تا ماه را برای همیشه پشت ابر پنهان کنند؛ امری که صد البته امکان‌پذیر نیست

شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها؛ سند حقانیت تشیع است

شبهه اول؛ شأن صدور حدیث (فاطمه بضعة منی) وهابی ها شبهه ای ساخته اند مبنی بر اینکه حدیث در مذمت حضرت علی علیه السلام از پیامبر صادر نقل شده است! در کتاب صحیح بخاری حدیث ۳۱۱۰ آمده پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه پاره تن من است. سپس به نقل از «مسور بن مخرمه» حدیثی جعلی نوشته که: علی علیه السلام می‌خواست جویرییه دختر ابوجهل را خواستگاری کند و به اصطلاح عامیانه بر سر حضرت زهرا سلام الله علیها هوو بیاورد که پیامبر صلی الله علیه و آله این سخن را فرموده‌اند و منظورشان این بود که: یا علی اگر بخواهی با دختر ابوجهل ازدواج کنی باید دختر مرا طلاق بدهی!!!

اما پاسخ این شبهه:

اولاً طبق شهادت علمای رجال (مثل «ابن حجر» در جلد ۶ کتاب العصابة ص ۹۴) مسور بن مخرمه در سال دوم هجرت تازه به دنیا آمده بود. بنابراین همانگونه که «ابوعلم» از علمای بزرگ دانشگاه الازهر نیز در ص ۱۷۰ کتاب فاطمة الزهراء نوشته است روایت جعلی خواستگاری علی علیه السلام از جویریة در سال دوم هجرت بوده است. **پس در آن زمان یا «مسور» متولد نشده بود یا در قنطاق بوده است!**

ثانیاً «جویریة» تا سال هشتم هجرت کافر بود و ازدواج با کافر حرام است.

ثالثاً این دختر تا زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله (دهم هجرت) اصلاً به مدینه نیامد تا این اتفاقات رخ دهد.

شبهه دوم؛ افسانه بودن شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها علمای وهابی جدیداً سخن مضحکی بر زبان می‌ورند که شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها از سال ۱۳۷۴ شمسی به تقویم‌ها اضافه شده است و تا قبل از آن این مسأله وجود نداشته است. اما پاسخ این شبهه:

اولاً «ابن تیمیه» رهبر وهابی‌ها یا بهتر است بگوییم خدا و پیغمبر وهابی‌ها (!) در جلد ۴ کتاب منهاج السنة ص ۲۲۰ نوشته که: **کبس بیت فاطمه** یعنی: عوامل خلیفه وقت به زور وارد خانه فاطمه سلام الله علیها شدند

ثانیاً «جوینی» استاد «ذهبی»، در کتاب فرائد السمطين آورده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموداند: بعد از من می‌بینم که دخترم **مغمومة مغصوبة مقتولة** خواهد شد.

ثالثاً «مرحوم کلینی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: مادرمان فاطمه زهرا سلام الله علیها شهیده است.

رابعاً «شهرستانی» در جلد اول کتاب الملل والنحل ص ۶۷ از «نظام» نقل می‌کند که خلیفه دوم با لگد به شکم حضرت زهرا سلام الله علیها زد و جنین او را سقط کرد.

خامساً موضوع بالا را «ابن حجر» در میزان الاعتدال و لسان المیزان نوشته است.

شبهه سوم؛ چرا علی علیه السلام در منزل را باز نکرد؟ شبهه دیگری اگر حضرت علی علیه السلام در خانه حاضر بود چرا حضرت زهرا سلام الله علیها در منزل را باز کرد تا آن حادثه اتفاق افتد در حالی که باز کردن در توسط زن در صورت حاضر بودن مرد در منزل، خلاف غیرت مردان خصوصاً مردان عرب است.

پاسخ: **اولاً** «ابن عساکر» در جلد ۴۲ کتاب تاریخ دمشق ص ۴۷۰: پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه نشسته بود که در زدند و ایشان به ام سلمه گفت: «یا ام السلمه قومی **فافتحی له**» یعنی: «ای ام سلمه! برخیز و در را باز کن».

ثانیاً در جلد ۴۴ همین کتاب صفحه ۳۵ آمده که: عمر بن خطاب آمد و دق الباب کرد، پیغمبر خانه بود ولی به حضرت خدیجه سلام الله علیها فرمود: «**افتحی یا خدیجة**» یعنی: «ای خدیجه در را باز کن».

ثالثاً در جلد اول کتاب احتجاج طبرسی ص ۲۹۲ آمده که: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه نشسته بودند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در زدند و پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود که: «**افتحی له الباب**» یعنی: «در را برای او (علی) باز کن». حال آیا علمای وهابی غیرتمندتر از پیامبرند؟!

رابعاً طبق آنچه ابن تیمیه در کتاب منهاج السنة نوشته، کسی در منزل را باز نکرد؛ بلکه مهاجمان به زور وارد خانه حضرت سلام الله علیها شدند.

خامساً آیه ۲۷ نور: **یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا بدون اجازه به خانه کسی وارد نشوید.** و یا **یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم** از سوی دیگر «سیوطی» در جلد ۵ کتاب الدر المنثور ص ۵۰ نوشته که: خانه زهرا خانه نبوت است. حضرت زهرا و مولا علی علیهما السلام بر این باور بودند که مهاجمان حریم خانه نبوت و لا اقل حرمت خانه مؤمنان را حفظ می کنند نه اینکه بی توجه به دستور خدا و رسول، در خانه اهل بیت پیامبر را آتش زده و به زور وارد خانه می شوند.

شبهه چهارم؛ اصلاً خانه های مدینه در نداشتند؟! شبهه دیگری مطرح می کنند که: اصلاً خانه های آن زمان مدینه در نداشتند و فقط یک پرده یا حصیر در منزل بود! آنها این شبهه را طرح کردند تا جریان پشت در ماندن حضرت زهرا سلام الله علیها تکذیب شود. اما پاسخ:

اولاً قرآن کریم **وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ... أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا** شما در بعضی خانه ها مانند خانه عمو، دایی، عمه، خاله و همچنین کسانی که مفتاح و کلید منزل خود را به شما می دهند. می توانید بدون اجازه غذا بخورید. **حال اگر خانه، در و قفل نداشته باشد کلید معنا دارد؟** آیا روی حصیر و پرده کلید می زدند؟ یا اینکه نعوذ بالله قرآن در این موضوع اشتباه کرده است؟! باید گفت که طراحان این شبهات متاسفانه با قرآن هم آشنا نیستند.

ثانیاً در کتاب صحیح مسلم که معتبرترین کتاب اهل سنت پس از قرآن است در جلد ۶ ص ۱۰۵ ح ۵۱۳۶ آمده که پیغمبر اکرم **صلی الله علیه و آله** دستور داده بودند که: شبها درها را ببندید. آیا حصیر و پرده را می بندند؟! آیا به پرده می گویند در؟!

ثالثاً بخاری در ج ۱ کتاب الادب المفرد ص ۲۷۲ نوشته که: روای می گوید سوال کردم که: در خانه عایشه دو لنگه بوده یا یک لنگه؟ و از چه جنسی بود؟ پاسخ می گیرد که: یک لنگه و از جنس چوب درخت ساج بوده است. حال چطور خانه عایشه در داشته آن هم از نوع درخت ساج؛ ولی خانه حضرت زهرا **سلام الله علیها** که دختر پیغمبر و با آن همه اوصاف بوده در نداشته است؟!

شبهه پنجم فدک و ارث از پیامبر : سوره مریم **يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ** این آیه یکی از پاسخهای حضرت زهرا به **غاصبان فدک** است. اخیراً «عثمان الخمیس» روحانی بشدت افراطی وهابی، در برنامه خود در شبکه ماهواره ای الصفا به حدیث جعلی **نحن معاشر الانبياء لا نورث، ما تركناه صدقة** استناد کرده و فدک را حق حضرت فاطمه زهرا ندانست. وی در این برنامه ها به زعم خود تلاش کرد تا با دلایل متعدد ثابت کند که منظور آیات قرآن از ارثی که انبیاء باقی گذاشتند تنها علم و نبوت است. در پاسخ به این اظهارات بی پایه، مفسر معاصر، آیت الله عبدالله جوادی آملی با توضیح با ایشان، به ایراد پاسخ پرداختند.

نبوت ارثی نیست. **الله أعلم حيث يجعل رسالته** [انعام ۱۲۴]. رسالت، نبوت، امامت، اینها به عصمت بر می گردد. این میراث کتاب (به معنای نبوت) را ارث بردن نیست. کتاب را پیامبر به امت ارث می دهد. مثل این که فرمود: **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ**. حضرت **صلی الله علیه و آله** هم فرمود: «میراث من قرآن و عترت است؛ وقتی زکریا **علیه السلام** از خدا فرزند می خواهد، طبق دو آیه، دو خصیصه ی تلخ برای فرزندا ذکر شده، برای

اینکه به آن دو خصیصه مبتلا نشود عرض کرد: **و اجعله من لدنک ذریه طيبة** (آل عمران) فرزند طیب؛ هم پسندیده **یرثنی و یرث من آل یعقوب و اجعله رب رضیا** (مریم) هیچکدام از انبیاء، نبوت را از نبی قبلی ارث نبردند. سلسله انبیاء ابراهیمی از وجود مبارک حضرت ابراهیم **علیه السلام** و انبیاء بعدی، اینها هر کدام بر اساس **اعطاء الهی** به نبوت رسیدند. **دوم** : درباره علم و حکمت **العلماء ورثة الأنبياء** انبیاء معلم کتاب و حکمت اند و اینها هم علم و حکمت را از انبیاء به ارث می‌برند. این هم اختصاصی به هیچ پیغمبری ندارد.

بن بست وهابیت در موضوع شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

مناظره‌ای در امارات با یکی از شیوخ بزرگ وهابی داشتم. صحیح بخاری را به وی نشان دادم و پرسیدم این روایت را قبول دارید که پیامبر **صلی الله علیه و آله** فرموده **فاطمه سلام الله علیها** پاره تن من است و هرکس او را بیازارد مرا آزرده؟ پاسخ داد قبول دارم. گفتم این را نیز قبول داری که فاطمه **سلام الله علیها** از شیخین غضبناک شد؟ گفت: نه این دروغ است و شیعه‌ها آن را درست کرده‌اند. کتاب صحیح بخاری را باز کردم و این حدیث را به او نشان دادم. نوشته پشت جلد کتاب را نگاه کرد و گفت: این کتاب در بیروت چاپ شده و من آن را قبول ندارم، کتابی بیاور که در عربستان سعودی چاپ شده باشد! گفتم: چاپخانه این کتاب، شیعی نیست. ضمناً در لبنان اکثراً غیرشیعه هستند و اگر روایتی در کتابشان حتی جابجا شود، چاپخانه را به آتش می‌کشند چه برسد به اینکه روایتی به دروغ چاپ شود! سپس روایاتی از کتب «شهرستانی» و «ابن قتیبه دینوری» مبنی بر شهادت حضرت زهرا **سلام الله علیها** به او نشان دادم. پس از اینکه این روایات را از کتاب خودشان برایش خواندم سرش را پایین انداخت و گفت: من فردا شب جواب را برایت می‌آورم. شب بعد هرچه منتظر ماندم نیامد. به منزل میزبانانش تماس گرفتم که: چرا شیخ برای ادامه مناظره نیامد؟

میزبانانش گفت: شیخ وهابی نامه‌ای بلند بالا به یکی از علمای بزرگ عربستان سعودی نوشت و گفت: در مناظره‌ای در مورد حضرت زهرا **سلام الله علیها** به بن بست خوردم و تمامی مستندات ظاهراً صحیح است، لطفاً جواب دندان شکنی برایم بفرستید. جالب اینکه بعد از یک هفته از عربستان برای او جواب آمد که: این روایات درست است و در کتب ما آماده است، ولی شما اصلاً در این موضوعات با علمای شیعه بحث نکنید!! آن شیخ وهابی، پس از دریافت جواب نامه خود، رفت و تا کنون برای ادامه مناظره برنگشته است!

- جایگاه حضرت در روایات اهل سنت :** در منابع تفسیری، روایی، رجالی و تاریخی اهل سنت صدها روایت در شأن و منزلت حضرت فاطمه سلام الله علیها دیده می شود .
۱. وجود حضرت فاطمه سلام الله علیها قبل از تولد آدم و حوا. اهل سنت، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) از امام حسن عسکری علیه السلام و او از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که آدم و حوا وقتی در بهشت بودند، نور وجود حضرت زهرا را دیدند و خداوند به آن دو فرمود: نور ایشان دو هزار سال قبل از خلقت شما آفریده شده بود.
 ۲. ازدواج حضرت فاطمه سلام الله علیها به امر خداوند در منابع اهل سنت روایات زیادی، از بزرگانی همچون امام علی علیه السلام، عبدالله بن مسعود، عمر بن خطاب، بلال بن حمامه، سنان شفعله و انس در این خصوص نقل شده است.
 ۳. اولاد حضرت فاطمه سلام الله علیها ذریه پیامبر او در عالم بشریت تنها کسی است که اولادش، ذریه پیامبر هستند. در روایت عاصم به بهدله آمده است: در مجلسی، حجاج ذریه بودن امام حسین علیه السلام را برای پیامبر انکار کرد. اما یحیی بن یعمر او را ذریه حضرت دانست و پس از تهدید حجاج، برای اثبات آن به آیات ۸۴ و ۸۵ انعام استشهاد کرد که خداوند حضرت عیسی را از ذریه آدم معرفی کرده، در حالی که حضرت عیسی پدر نداشت و از طرف مادر خود حضرت مریم به آدم می رسد.
 ۴. حضرت فاطمه سلام الله علیها پاره تن پیامبر است.
 ۵. حضرت فاطمه سلام الله علیها سرور زنان دو جهان (سیده نساء العالمین)
 ۶. غضب فاطمه سلام الله علیها غضب خدا و رضای او رضای خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.
 ۷. حضرت فاطمه سلام الله علیها مدافع رسالت در این زمینه روایات مختلفی به ویژه در دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل ابوجهل وجود دارد.
 ۸. حضرت فاطمه سلام الله علیها در محشر در منابع اهل سنت، روایات مختلفی از بزرگان، همچون امام علی علیه السلام، عایشه، ابوسعید، ابوهریره، ابویوب، سوید بن عمیر، بریده، ابن عمر و دیگران نقل شده که پیامبر فرمود: اهل محشر به دستور خداوند، چشمان خود را می بندند تا حضرت فاطمه سلام الله علیها از صحرای محشر عبور کند.

جایگاه حضرت فاطمه سلام الله علیها نزد عالمان اهل سنت

۱. سیوطی می گوید: ما عقیده داریم برترین زنان عالم، مریم و فاطمه سلام الله علیها اند.
۲. آلوسی می گوید: در حدیث آمده است: **ان الفاطمة ابطول افضل نساء المتدمات و المتاخرات**. با این حدیث، افضل بودن فاطمه سلام الله علیها بر تمام زنان ثابت می شود. زیرا او روح و روان رسول خدا بود. از این رو بر عایشه نیز برتری داشت.
۳. سهیلی بعد از نقل حدیث معروف **فاطمه بضعة منی** می گوید: من کسی را مساوی با بضعه رسول الله نمی دانم.
۴. ابن الجکنی می گوید: بنابر قول صحیح تر، فاطمه از همه زنان افضل است.

احتجاج کنندگان به آیه تطهیر در حق اصحاب کساء

۱. امام علی علیه السلام در شورا برای خود به آیه تطهیر احتجاج کرد.
۲. امام علی علیه السلام دو مرتبه به آیه تطهیر احتجاج نمود. روز ضربت خوردن خودش بالای منبر رفت و به این آیه احتجاج نمود. بعد از شهادت امام علی علیه السلام نیز بالای منبر رفت و به آیه احتجاج نمود.
۳. امام حسین علیه السلام.
۴. امام زین العابدین علیه السلام با مرد شامی.
۵. امام رضا علیه السلام.
۶. ابن عباس برابر گروهی به این آیه احتجاج نمود.
۷. سعد بن ابی وقاص بر معاویه احتجاج نمود.
۸. واثله بن اسقع در برابر گروهی که امام علی علیه السلام را دشنام می دادند، به این آیه احتجاج کرد.
۹. ام سلمه در حق اصحاب کساء به آیه تطهیر احتجاج نمود.

چهار عمل ارزشمند قبل از خواب (هدیه پیامبر به فاطمه)

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: یک شب آماده خواب بودم که پدرم رسول خدا بر من وارد شد و فرمود: ای فاطمه جان! نخواب، مگر این که چهار عمل را به جا آوری!

۱- قرآن را ختم کنی

۲- پیامبران را شفیع خود گردانی

۳- مؤمنین و مؤمنات را از خود راضی و خشنود سازی

۴- حج واجب و عمره را به جا آوری.

حضرت این جملات را بیان فرمود و مشغول به خواندن نماز شد. صبر کردم تا نمازش پایان یافت، بی درنگ گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به چهار عمل بزرگ سفارش فرمودی که در این وقت محدود توان و فرصت انجام آنها را ندارم؟

پدرم تبسم کرد و فرمود: ای فاطمه جان! هرگاه قبل از خواب سه مرتبه **قل هو الله احد** را بخوانی، گویا قرآن را ختم کرده ای،

و هرگاه بر من و پیامبران پیشین من درود و سلام و صلوات فرستی همه ما شفیعان تو خواهیم بود، **اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی جمیع الانبیاء و المرسلین**

و هرگاه برای برادران و خواهران دینی و با ایمان خود طلب آمرزش و مغفرت نمایی، همگی آنها را از خود راضی و خشنود ساخته ای، **اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات**

و هرگاه بگویی: **سبحان الله و الحمد لله، ولا اله الا الله و الله اکبر** گویا حج تمتع و حج عمره گزارده ای. مسند فاطمه ص ۱۱۸



از امام صادق علیه السلام نقل شده که ذیل سوره قدر آیه شریفه انا انزلناه فی ليله القدر فرمود: **اللیله فاطمه و القدر الله تعالی فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك ليله القدر و انما سمیت فاطمه لان الخلق فطموا عن معرفتها**. مراد از ليله حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و مقصود از «قدر» خداوند تبارک و تعالی است. پس هر کس فاطمه زهرا را آن گونه که سزاوار است و حق معرفت او است بشناسد، به یقین شب قدر را درک کرده و آن حضرت به این جهت فاطمه نامیده شده زیرا مردم قدرت درک معرفت و حقیقت وجود او را ندارند (بحارالانوار ج ۳۴ ص ۵۶) نبی مکرم در حق میوه دل خود فرموده‌اند **من عرفها حق معرفتها، ادرك ليله القدر و انما هر کس حقیقت فاطمه را بشناسد، شب قدر را درک کرده (یعنی کسی نمی‌تواند او را بشناسد)**

ادراک ليله القدر

چرا فاطمه، فاطمه نامیده شد؟ برای اینکه خلق از شناخت حقیقت او دور و منقطع و عاجزند. اگر به کمک این روایت، لفظ فاطمه را جایگزین لیل و لفظ الله را جایگزین قدر نماییم چنین می‌شود: **انا انزلناه فی فاطمه الله** و برای بیان منزلت بی‌نظیر و عظمت بی‌بدیل حضرت فاطمه سلام الله علیها آیه بعد و ما ادراک ما ليله القدر و حقیقتا باید گفت **و ما ادراک ما الفاطمه الزهراء البتول**.

و ما ادريک ما ليله القدر، ليله القدر خیر من الف شهر چه می‌فهمی که ليله القدر چیست؟ ليله القدر بهتر از هزار ماه است. یعنی شب قدر بهتر از هزار مؤمن است زیرا فاطمه مادر مومنان است، تنزل الملائکه و الروح فیها، ملائکه و روح در این شب فرود می‌آیند و ملائکه مؤمنانی اند که علم آل محمد را واجدند و مراد از روح القدس فاطمه است. باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر از هر امری به اذن پروردگارشان در حالی که سلام می‌گویند تا فجر طلوع کند یعنی تا حضرت قائم خروج کند (ممدالهمم ۴۷۶)

مطلب دوم آن که در روایات مربوط به سوره قدر آمده که

نبی اکرم سلام الله علیه در خواب دیدند که بنی تمیم و عدی از منبر حضرت بالا می‌روند و مردم را از دین خدا برمی‌گردانند. صبح فردا پس از آن که حضرت غصه دار شدند و جبرئیل علیه السلام علت غصه داری را سؤال نمودند. رفت و بازگشت و سوره قدر را برای حضرت آورد. این یعنی آن که خداوند متعال در مقابل دولت باطلی که قصد نابودی هدایت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را دارد شب قدر را به پیامبر دادند: بعضی صدیقه طاهره

علیها السلام شب قدر حضرت نیز هستند. در روایتی دیگر، اصحاب به نبی مکرم سلام الله علیه عرض کردند: برخی از امتهای سابق، هزار ماه شمشیر می زدند و در ازای آن اجر می گرفتند؛ خداوند در امت اسلام چه چیزی به جایش قرار داده ؟

حضرت پس از نزول سوره قدر فرمودند: خداوند شب قدر را به جای هزار ماه در امت ما قرار داده **خیر من ألف شهر** پس وجود حضرت زهرا سلام الله علیها شب قدر همه عالم است و حلقه اتصال جهان به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و وصیش علیه السلام هستند. به عبارت دیگر، الحاق ما به نبوت و ولایت، به دست صدیقه طاهره سلام الله علیها واقع می شود؛ **الا الحقتنا بتصدیقنا لهما** و این الحاق، تنها برای کسی که سالک فراهای سابق بوده است، امکان پذیر است.

توضیح سخن این که از مراتب سیر وجودی در قوس نزولی خلقت به لیل و لیالی تعبیر می شود و در قوس صعودی به یوم و ایام. لذا حضرت فاطمه سلام الله علیها همان گونه که ليله القدر است یوم الله نیز می باشد. چرا که انسان کامل است و انسان کامل ظرف حقایق قرآن است. بلکه می توان گفت که انسان کامل، قرآن ناطق است. پس یازده قرآن ناطق از این شب مبارکه ای که شب قدر و مادر امامان می باشد، نازل شده. این است که حق تعالی به رسولش فرمود: **انا اعطیناک الکوثر**، ما به تو خیر کثیر بخشیدیم. البته صاحبان بصیرت می دانند که روایات فوق نافی ليله القدر بودن خود حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله نیست. در برخی روایات آمده که شب ها همه مخصوص حضرت زهرا سلام الله علیها است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که **چگونه به هر یک از معصومین روزی اختصاص یافته**، شنبه مربوط به رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکشنبه متعلق به امیرالمومنین علیه السلام و دوشنبه به امام مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، سه شنبه به امام زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام چهارشنبه متعلق به حضرت امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام پنج شنبه به حضرت امام عسکری علیه السلام و جمعه مربوط به وجود نورانی حضرت حجت بن الحسن ارواحنا فداه است و در این باره هیچ روزی به حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها تعلق نیافته است.؟

حضرت در جواب فرمودند: آیا در سوره دخان خوانده ای انا انزلناه فی ليله مبارکه بعد فرمود آن **ليله مبارکه مرتبط با مادرمان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است** (همان ۵۹) و وقتی شب قدر مربوط به حضرت فاطمه باشد، شب های دیگر چنین خواهد بود. غرض این که حضرت فاطمه سلام الله علیها انسان کامل و قرآن ناطق است پس علم لدنی

است و بدین جهت میزان قسط نیز هست. همان گونه که فرزندش امام صادق علیه السلام فرمود: **نحن موازین القسط**. یعنی ما ترازوهای قسط هستیم. از این رو فاطمه نیز مهبط وحی است. عظمت و فخامت شب قدر و میزان تأثیرگذاری آن در جهان خلقت و شریعت و بدین سان، اولیاءالله در میان خلق و مؤمنان پنهان هستند و اینکه فاطمه زهرا علیها السلام ناشناخته ماند و در زمان حیات ظاهری اش، مجهول و مظلوم واقع شد و پس از ارتحال از جهان فانی به سوی جهان باقی نیز قبر مطهرش مجهول و ناشناخته است، خود حکایتی از عظمت و اهمیت این شخصیت.

حضرت زهرا سلام الله علیها، حقیقت شب قدر

مرحوم مجلسی نقل کردند که **اللَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقًّا مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ** شب قدر ماه رمضان ارتباطی با ولی خدا دارد، حقیقت شب قدر درک ولی خدا و مقام ولایت الهیه است (بحار ج ۳۴ ص ۹۱) انسان اگر به آن محیط امن ولایت الهیه وارد نشود که **ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی** شب قدری ندارد، خطرپذیر است، باید وارد آن حصن بشود که از مخاطرات نجات پیدا کند کما اینکه **لا اله الا الله حصنی، ولایت علی ابن ابیطالب** هم حصن است

روایت سلسله الذهب را قریب به چهار هزار نفر در نیشابور می نوشتند، وقتی کجاوه حضرت حرکت کرد گفتند: یک حدیث نقل کنید، حضرت با سند از آباءشان، از نبی مکرم **صلی الله علیه و آله**، از جبرائیل نقل کردند **لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی** و سر را بیرون آوردند و گفتند **بشروطها و أنا من شروطها**، پذیرش و ولایت اولیای الهی شرط و مقوم توحید است. اگر انسان به محیط ایمن و الهی و آن وادی امن وارد نشود، خطر پذیر است، شیطان، نفس، دیگران تهدیدش می کنند و حقیقت شب قدر هم همین باشد. اینکه شب قدر در ماه رمضان است، بعید نیست معنایش این باشد که درک حقیقت آن مقام ولایت الهیه هم در این ماه است، اگر انسان توانست خودش را به آن وادی ایمن و ولی خدا برساند، در کنار او بیش از هزار ماه جلو رفته است و اگر نرساند، هزار ماه هم که خودش بدود آن کار را نمی کند. یک شب که با ولی خدا سالک باشی و به آن وادی ایمن راه یابی، آن یک شب از هزار شب که خودت راه بردی بهتر است. درک شب قدر هم غیر از بیدار بودن است ممکن است آدم بیدار باشد، ابوحمزه بخواند، دعای جوشن کبیر بخواند، همه کارها را بکند ولی به درک شب قدر نرسیده باشد.

درک شب قدر ورود به محیط ایمن الهی است که در این روایت می فرماید **فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد أدرك ليله القدر** این روایت نقشه گنج است، بعد از یافتن آدرس گنج باید دنبال گنج یاب رفت صرف نقشه گنج برای رسیدن به گنج کافی نیست. سپس هشدار می دهند که خیال نکنید به معرفت تام حضرت می رسید **وَ إِنَّمَا سُمِّيتْ فَاطِمَةُ؛ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا** که در روایت دارد که نام ایشان از طرف خدا بوده است.

در علل الشرایع صدوق روایتی دارد که جابر از حضرت سؤال کرد که چرا به حضرت می گویند زهرا؟ فرمود **لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمْتِهِ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِنُورِهَا وَ عَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَ خَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَ قَالُوا إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا هَذَا النُّورُ** وقتی این نور که منشعب از عظمت الهی است، تجلی کرد حجاب ملائکه شد، با اینکه خود ملائکه نورانی هستند به سجده افتادند، **هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي وَ أَسْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِي أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ** او را در آن نقطه آسمان منصوب به خودم و آن رفعت منصوب به خودم جای دادم، سپس از مسیر رسول الله **صلى الله عليه و آله** به عالم دنیا تنزلش دادم.

بنابراین معرفت امام و معرفت صدیقه طاهره **سلام الله عليها** درک حقیقت شب قدر است ابتلاء و بلاء حضرت زهرا حلقه اتصال ما با عوالم بالاتر است حلقه اتصال عالم با نبوت و ولایت است اگر ابتلاء ایشان نبود فتنه های شیطان همه را جدا می کرد. حضرت به خاطر وسعت و عظمتش حلقه اتصال و پیوند همه اولیاء و همه خوبان به مقام نبوت و ولایت است در باطن عالم هر کسی متصل می شود از این راه متصل می شود، حلقه اتصالی باطنی است شاید معنای شب قدر بودن حضرت هم همین باشد.

امام صادق **عليه السلام** می فرماید **التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ الْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ الْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثَ وَ عِشْرِينَ؛** مقدرات در شب ۱۹ تعیین، در شب ۲۱ تأیید و در شب ۲۳ امضا می شود. به هر حال، حقیقت وجودی حضرت صدیقه طاهره **سلام الله عليها**، سرّی از اسرار خداست؛ **رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ شَبِّ قَدْرٍ** هم در این ماه است و انسان باید این شب را درک کند. از طریق معرفت صدیقه طاهره **سلام الله عليها** می شود به آن شب راه یافت. آنهایی که چشمشان را بر وجود مقدس صدیقه طاهره بسته اند، نه تنها به شب قدر نرسیدند، بلکه از پیامبر خدا و امیرالمؤمنین هم جدا شدند.

وجود مبارک صدیقه کبری یک نحله و هدیه ملکی از پدر بزرگوارش دریافت کرد به نام فدک که آن را با بدترین وضع غصب کردند؛ آن نحله ملکی، یعنی فدک که در اختیار حضرت بود، حضرت منافعش را در اختیار محرومان و مستضعفان قرار می داد و یک نحله ملکوتی از وجود مبارک پیامبر دریافت کرد و آن تسبیح معروف فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

مخصوصاً امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر هدیه و عطیه ای بالاتر از این تسبیح بود، پیامبر به حضرت زهرا سلام الله علیها تعلیم می داد؛ که این تسبیح جزء برترین و بهترین تعلیم های ملکوتی است و هدیه ای است که به آن حضرت داد و شاگردان آن حضرت هم یاد می گیرند

خدای سبحان قرآن را به پیامبر داد، دیگران استفاده می کنند. به دستور خدای سبحان پیامبر تسبیح معروف را به وجود مبارک فاطمه سلام الله علیها اهداء کرد، تعلیم خاص داد؛ دیگران بهره می برند. این یک تعلیم عمومی نبود، آنگاه به برکت آن معلّم و این متعلّمه، دیگران بهره می برند.

حدیثی معروف نیز آن را بر اساس آیه **وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ ظَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ** تایید می نماید.

تسبیح هایی به نام تسبیحات فاطمه سلام الله علیها شهرت یافته و در کتاب های معتبر شیعه و سنی و دیگر اسناد روایت شده است. که بعد از اقامه نماز گفته می شود.

تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها، موجب طرد شیطان و رضای خدا خواصی است که برای این تسبیح است: **تطرد الشیطان و ترضی الرحمن**. این تسبیح، شیطنت را و خیال شیطانی را و وسوسه ها را از آدم دور می کند و رضای پروردگار را تأمین می کند. این نکات را خوب عنایت کنید که مبادا بی تسبیح از کنار سجاده بر خیزید:

۱؛ مبادا با سرعت و عجله این کلمات را بگوئید.

۲. یک مقداری بدون اینکه پاها را حرکت بدهید و از آن حالت نمازگزار بیرون بیائید، در کمال طمأنینه و آرامش این ۱۰۰ ذکر را بر زبان جاری کنید.

پاداش تسبیحات حضرت فاطمه سلام الله علیها

روایاتی در کتاب صلاه در ابواب التّعقیب از وجود مبارک امام صادق و سائر ائمه علیهم السلام درباره فضیلت تسبیح، کیفیت تسبیح، آثار تسبیح، عدد تسبیح و تتمیم تسبیح آمده و این روایات در این باب جمع شده.

حضرت فرمود: **مائة فی اللسان و الف فی المیزان** این تسبیح از نظر زبان صد تاست؛ از نظر میزان و ترازوی عمل، هزارتاست. گرچه صد ذکر است، ولی هزار ذکر در میزان و ترازوی اعمال ثبت می شود.

ظاهراً بر اساس من جاء بالحسنة فله عشر امثالها که خدای سبحان یک کار خیر را ده برابر پاداش می دهد؛ این حداقل است، ممکن است بهره های بیشتری هم ببرند.

توصیه امامان علیه السلام به نماز و تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها

امام صادق علیه السلام: **انا نأمر صبیاننا بتسبیح فاطمه کما نأمرهم بالصلاة**. ما بچه هایمان را همانطوری که به نماز امر می کنیم، به تسبیح فاطمه سلام الله علیها هم امر می کنیم. این یک امر جدای از نماز نیست، دنباله نماز است؛ و چون نماز ستون دین است،

این هم جزء تعقیب های ستون دین است، بعد به ابا هارون ظاهراً فرمود: **فالنزاهة فنه ما یلزمه عبد فشقی** هیچ کس ملازم این تسبیح نبود که گرفتار شقاوت بشود. تو ملازم این تسبیح باش.

فضیلت لا اله الا الله پس از تسبیحات حضرت فاطمه سلام الله علیها

در بعضی از نصوص آمده که اگر کسی ۳۴ بار **الله اکبر** بگوید، ۳۳ بار **الحمد لله**، ۳۳ بار **سبحان الله: و اتبعها بلا اله الا الله مرّة غفر**. اگر کسی این ۱۰۰ را با یک ذکر **لا اله الا الله** است به عنوان صد و یکمین تتمیم بکند و آن را دنبال اینها بگوید؛ آمرزیده می شود. پس برابر این روایت، آن تسبیحی که به فاطمه سلام الله علیها نحلّه و عطا شده؛ همان تسبیحات أربع در می آید.

یعنی تکبیر است و تحمید و تسبیح و تهلیل. **سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر؛** این تسبیحات أربع در نماز ما مطرح است. منتها تقدیم برخی و تأخیر برخی، این مربوط به دستورهای خاص الهی است.

ویژگی مهم تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها

در روایات دیگر آمده که این تسبیح **ذکر کثیر** است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، یکی از مصادیق بارز و شفاف ذکر کثیر همین تسبیح فاطمه است. آنگاه در حدیث دیگر فرمود: این همان است که خدا فرمود **اذکرونی اذکرکم**؛ یعنی برخی ها به یاد نعمت خدایند، مثل اینکه نعمت لباس به ایشان رسیده، شاکرند. نعمت غذا رسیده، شاکرند. نعمت مسکن و مال دیگر رسیده، شاکرند؛

اینها به ذکر نعمت خدا مشغولند اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم، برخی ها به ذکر نعمت الهی بسنده نمی کنند، به ذکر ولی نعمت مشغولند. نه یاد نعمت خدایند، بلکه به یاد خود خدایند.

آنجائی که به یاد نعمت خدایند؛ نعمتشان افزوده میشود:

شکر نعمت، نعمت افزون کند / کفر نعمت از کفت بیرون کند

اما بالاتر از یاد نعمت الهی، یاد ولی نعمت است، نه یاد نعمت.

یک اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم داریم، یک اذکرونی اذکرکم داریم. آنجا که سخن از یاد نعمت خداست، پاداشش افزایش نعمت است.

آنجا که سخن از یاد ولی نعمت است، پاداشش یاد خود ولی نعمت است. اگر کسی به یاد خدا بود، خدا هم به یاد اوست؛ آنگاه **و لذكر الله اکبر** در این حدیث آمده است که این تسبیح فاطمه **سلام الله علیها** که ذکر کثیر است، مشمول **اذکرونی اذکرکم** است. اگر کسی زیاد به یاد خدا بود، خدا هم زیاد به یاد اوست و اگر خدا دائماً یا کثیراً به یاد کسی بود، هرگز آن شخص در اثر وسوسه آسیب نمی بیند.

اینها برکات تسبیح فاطمه زهرا **سلام الله علیها** است که متمم نماز است.



مقام اهل بیت علیه السلام قالت فاطمه سلام الله عليها **نحن وسيلته في خلقه، و نحن خاصته و محل قدسه، و نحن حجه في غيبه، و نحن ورثه الانبياء.** ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم، ما حجت و راهنما خواهیم بود. و ما وارثان پیامبران الهی هستیم (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶، ص ۱۱۲)

مقامات فاطمی براساس روایات معصومان علیهم السلام برای فاطمه زهرا سلام الله عليها مقامات بسیاری در روایات آمده که برخی از آنها با دیگر معصومان علیه السلام مشترک اما برخی، از اختصاصات آن حضرت است. از جمله مقامات مشترک می توان به **عصمت** (احزاب ۳۳)، مقام سابقون و ابرار (سوره انسان)، مقام **شفاعت**، مقام **رضایت و رضوان الهی**، مقام **لولاک لما خلقت الافلاک** و ... اما برخی از مقامات، اختصاص در میان زنان هستی، او **سیده نساء العالمین** است و هیچ کس حتی حضرت مریم سلام الله عليها با آن همه مقامات، در این اطلاق شریک او نیست؛ زیرا حضرت مریم سیده زنان زمان خویش بوده (آل عمران ۲۴)

اجازه گرفتن عزرائیل در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر رحلت قرار گرفته بود ساعت آخر عمر ایشان نزدیک بود. در این لحظه صدای در شنیده شد. فاطمه سلام الله عليها فرمود: کیستی؟ کوبنده در گفت: من مردی غریب هستم و آمده ام از رسول خدا صلی الله علیه و آله بپرسم: آیا به من اجازه ورود می دهد تا به محضرش آیم؟ فاطمه: خدا تو را بیامرزد. بازگرد! رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری است.

مرد غریب رفت پس از ساعتی بازگشت و در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را کوبید. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به هوش آمد به فاطمه سلام الله عليها فرمود: ای فاطمه جانم! آیا می دانی این غریب کیست؟ فاطمه: نه ای رسول خدا صلی الله علیه و آله!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این کسی است که جمعیت ها را پراکنده می سازد و لذت ها را از هم می پاشد، این فرشته مرگ است که سوگند به خدا برای قبض روح هیچ کس قبل از من و نه بعد از من اجازه نمی گیرد ولی به خاطر مقام ارجمندی که نزد خدا دارم از من اجازه می خواهد، به او اجازه ورود بده. (الانوار البهیه ص ۲۳)

فاطمه سلام الله عليها به **عزرائیل** فرمود: خدا تو را رحمت کند وارد خانه شو! عزرائیل مانند نسیم ملایم و آرامش بخشی وارد خانه شد و گفت: سلام بر اهل خانه رسول خدا! از

این روایت بر می آید که تا فاطمه سلام الله علیها اذن دخول به عزرائیل نداده بود، ایشان وارد نمی شود. البته عزرائیل به اراده الهی خود را غریب جا زد تا بر حضرت مخفی باشد وگرنه اگر خدا می خواست وجودش بر آن حضرت سلام الله علیها مخفی نمی ماند. بسیار اتفاق افتاده که با آن که علی علیه السلام همان چیزی که پیامبر صلی الله علیه و آله می دیدید و می شنید و می دانست ایشان می دیدید و می شنید و می دانست **انک تسمع ما اسمع** ولی برای آگاهی دیگران می پرسید تا حجت بر دیگران تمام شود (نهج البلاغه خ ۱۹۲، القاصعه)

مراوده جبرئیل با فاطمه سلام الله علیها، بزرگ ترین فضیلت جبرئیل از سوی خداوند مأموریت می یابد تا بر آن حضرت سلام الله علیها نازل شود و با او به سخن بنشیند و همنشین او شود. جبرئیل که بر بسیاری از فرشتگان نازل نمی شد و تنها بر برخی از فرشتگان نازل می شد، بر ایشان نازل می شود تا نه تنها کلامی بگوید و وحی را برساند و برگردد بلکه در خدمت ایشان باشد و همنشین تنهایی آن حضرت سلام الله علیها پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. این مدت ۷۵ یا ۹۵ روز به درازا می کشد و هر روز جبرئیل به خدمت ایشان می رسد. مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست حق تعالی او را مامور می کند که برو و این مسائل را بگو.

درباره ائمه هم من ندیده ام که وارده شده باشد فقط این است که برای حضرت زهرا سلام الله علیها است. این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده اند (با اینکه آنها هم فضایل بزرگی است)

مصحف فاطمه یا کتاب فاطمه در روایتی از جعفر صادق آمده: هنگامیکه رسول خدا رحلت کردند، فاطمه زهرا به علت وفات پدر به قدری محزون شد که تنها خداوند از شدت غم و اندوه او باخبر بود. از این رو فرشته ای را فرستاد تا او را تسلی دهد و اندوهش را برطرف سازد. فاطمه زهرا، علی را از این موضوع با خبر ساخت و او همه آن سخنان را نوشت و مصحف فاطمه اینگونه تدوین شد (کافی ج ۱ ص ۲۳۸..)

مجموعه مصحف فاطمه سلام الله علیها مجموعه همین اخبار غیب الهی است که خداوند به سبب مقام رضایت فاطمی سلام الله علیها او را بدان آگاه می کند. **عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول**؛ او دانای غیب است. غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد (جن ۲۶ و ۲۷) پس آن حضرت سلام الله علیها در مقام مرتضی بوده که علم غیب و اخبار آینده برای او از طریق رسول وحی اظهار می شود و آن حضرت سلام الله علیها املاء کرده و حضرت علی علیه السلام می نگارد و **مصحف** فاطمه سلام الله علیها شکل می گیرد.

بر اساس روایات شیعه مصحف فاطمه شامل مباحث زیر می باشد

۱. خبر حوادث آینده الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۳۴
 ۲. وصیت فاطمه زهرا الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۴۱
 ۳. نام تمام فرمانروایانی که تا قیام قیامت به حکومت خواهند رسید الاحتجاج ج ۲ ص ۱۳۴
 ۴. خبر دادن از فرزندان فاطمه زهرا کافی ج ۱ ص ۲۴۱
 ۵. گزارش احوال محمد صلی الله علیه و آله و جایگاه او پس از مرگش، به زهرا. کافی، ج ۱ ص ۲۴۱
- مصحف فاطمه چگونه نوشته شد** از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: **ان فاطمة كانت محدثة** آن بزرگوار **محدثة** بود. یعنی فرشتگان بر او فرود می آمدند، با او مأنوس می شدند و با او سخن می گفتند و آیات الهی را می خواندند

همان تعبیراتی که نسبت به مریم س در قرآن هست که ان الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین این عبارات را فرشتگان به فاطمه زهرا علیها سلام خطاب می کردند و می گفتند: **یا فاطمة، ان الله اصطفیک و طهرک**؛ خدا تو را برگزیده و پاک قرار داده. تو را بر زنان عالم برتری داده است.

امام صادق علیه السلام: یک شب که ملائکه با آن حضرت مشغول صحبت بودند و این تعبیرات را می کردند، فاطمه زهرا علیها سلام به آنها فرمود: **ألیست المفضلة علی نساء العالمین مریم؟** یعنی آن زنی که خدای متعال فرموده **و اصطفیک علی نساء العالمین** آیا مریم نیست که خدا او را بر زنان عالم برگزید؟ ملائکه در جواب، به فاطمه زهرا علیها سلام عرض کردند: مریم نسبت به زنان دوران خودش برگزیده بود و تو نسبت به زنان همه دورانها از اولین و آخرین برگزیده هستی.

در روایات متعددی است که ائمه علیهم السلام، برای مسائل گوناگون خود، به **مصحف فاطمه** رجوع می کردند. بعد امام می فرماید: **انه لیس فیها حلال و حرام**؛ در این کتاب، احکام حلال و حرام نیست. اما **فیها علم ما یکون**؛ بلکه همه حوادث جاری بشری در دورانهای آینده، در این کتاب هست.

این، چه دانش والایی است! این، چه معرفت و حکمت بی نظیری است که خدای متعال به یک زن در سنین جوانی بخشیده! این، مربوط به مسائل معنوی است. **مصحف فاطمه سلام الله علیها وجود عینی دارد و سمبلیک و رمزی نیست.** اندازه آن ۳ برابر قرآن است و اکنون نزد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نگهداری می شود.

زیارتنامه حضرت زهرا سلام الله علیها همچون زیارت عاشورا، دعای عرفه و دیگر ادعیه و زیارات، دربر دارنده معانی و مفاهیمی است که مراحل رشد و حرکت مؤمنان را در راه عرفان حقیقی و ولایی بازگو می کند و توجه به آنها، می تواند راهنمایی برای حیات فردی و اجتماعی مؤمنان باشد این زیارت پنج فراز دارد

فراز نخست : یا ممتحنه امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابره، و زعمنا انا لک اولیاء و مصدقون، و صابرون لکل ما اتانا به ابوک ص و اتانا به وصیه، فانا نسئلك ان کنا صدقناک الا الحققتنا بتصدیقنا لهما، لنبشر أنفسنا بأننا قد طهرنا بولایتک توجه به بلا و میثاق و وفای حضرت زهرا سلام الله علیها : یا ممتحنه ؛ ای آزموده! تو را آزمود خدایی که تو را آفرید پیش از آن که تو را بیافریند. پس تو را در برابر آزمایشش شکیبایافت. در این فراز، زائر حضرت ابتدا به ابتلا و امتحانی که صدیقه طاهره سلام الله علیها داشته اند توجه می کند. این ابتلا و امتحان ، براساس میثاقی است که قبل از خلقت ایشان صورت گرفته شده. زائر در این فراز، به وفای به این میثاق از سوی حضرت عنایت می کند و می گوید که خداوند شما را در برابر آزمایشش شکیبایافت

فراز دوم: نقش توجه به بلا و میثاق صدیقه طاهره سلام الله علیها در درک ولایت ایشان و تصدیق آن فراز دوم زیارتنامه حضرت زهرا سلام الله علیها عبارت است از: **و زعمنا انا لک اولیاء و مصدقون؛** و ما پیش خود چنین عقیده داریم که دوستان تویم و باور داریم در این فراز، انسانی که به بلا و وفای ایشان توجه کرده به دو امر عظیم می رسد: اول **انا لک اولیاء** درک ولایت ایشان، و دوم، **انا لک مصدقون**. در واقع، درک ولایت و تصدیق ایشان از مدخل توجه به بلا و میثاق آنها امکان پذیر است. اگر انسان از مدخل بلای اولیای خدا وارد شد، آنگاه است که می تواند پای ولایتشان بایستد و آنها را تصدیق کند وگرنه تصدیق کردن ایشان کار سهل و آسانی نخواهد بود!

جریان صدیقه طاهره سلام الله علیها باعث شد که عده ای از تولی و تصدیق حضرت دست بردارند. این افراد که هزاران حدیث در فضیلتشان جعل شده، حضرت به تنهایی در برابرشان ایستاده و آنها را غاصب می نامد، و مسلم است که آن صحابه ای که بلای ولی خدا را درک نکردند نمی توانستند به تصدیق صدیقه طاهره سلام الله علیها برسند. توجه به بلای اولیای خداست که شبهات را برمی دارد.

در قضیه عاشورا بسیار از بزرگان مانند «ابن عباس» زمینگیر شدند و مثلاً سیدالشهداء علیه السلام را نصیحت می کردند که خانواده اش را با خودش نبرد. این افراد

قطعاً چون بلای حضرت را درک نکرده اند به تصدیق حضرت هم نرسیدند. در جریان موسای کلیم علیه السلام و حضرت نبی علیه السلام کاملاً مشهود است که با این که موسی علیه السلام با ارشاد و امر خداوند متعال معلمی الهی پیدا کرده و لکن به خاطر سختی آزمایش ها و ابتلائات، توان تصدیق ایشان را ندارد و از همراهی با خضر نبی علیه السلام باز می ماند. در جریان بردن امیرالمؤمنین علیه السلام با دستان بسته به سمت مسجد نقل کرده اند که در بین راه فردی یهودی حضرت را با آن حال دید و شهادتین گفت! وقتی علت امر را از او جویا شدند گفت: قدرت و شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خیر دیده بودم، حال که این چنین شخصیتی را دست بسته دیدم یقین کردم که شمشیر زدن او و صبر و شکیبایی اش هر دو برای رضای خداست و گرنه آن کس که باب خیر را آن گونه از جای درآورد اگر همه کارهایش **لله** نبود امروز هرگز نمی توانستند او را دست بسته ببرند! درک این بلاست که انسان را به تصدیق می رساند.

از آن طرف حضرت قمر بنی هاشم اباالفضل العباس علیه السلام نه تنها در اوج تصدیق است بلکه در اوج تسلیم و محو شدن در سیدالشهداست؛ **أشهد لك بالتسليم و التصديق و الوفاء و النصيحة لخلف النبي** و شاید به جهت همین است که شب عاشورا که اصحاب باقی مانده، هرکدام جملاتی مفصل در وفاداری به سیدالشهدا علیه السلام می گویند قمر بنی هاشم علیه السلام یک کلمه می گوید و می نشیند! آیا او سخن را بلد نبود یا این که خود را به حساب نمی آورد و آن چنان تسلیم سیدالشهداء بود که باعث می شد سخنی بر زبان نراند.

فراز سوم: پایداری بر نبوت و ولایت پس از درک بلا و تصدیق ولی الله فراز سوم زیارتنامه حضرت زهرا سلام الله علیها عبارت است: و صابرون لكل ما اتانا به ابوك ص و اتانا به وصيه؛ و شکیباییم به تمام آنچه پدرت و همچنین آنچه را وصیتش آورده. اگر انسان توانست این دو گام را بردارد و از مدخل بلا و میثاق به مقام درک و تصدیق برسد، آن گاه می تواند پای نبوت و ولایت الهیه بایستد.

این پایداری و صبر بر دستاوردهای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و وصی ایشان، محصول قدم های قبلی است. در واقع، انسان زایر با درک و عمل به هر فراز زیارت وارد فراز بعد می گردد تا به کمال مطلوب در زیارت و در راه قرب الهی و معصوم برسد. کسی که می فهمد همه وجود او صدق است و او پای این دین ایستاده، فراز سوم وارد خواهد شد و همین است که آنان که صدیقه طاهره سلام الله علیها را تصدیق نکردند پای ولایت و نبوت هم نایستادند! آن کس که ولایت را قبول ندارد در واقع نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را درک نکرده و نپذیرفته است؛ **ما آمن بی من کفر بک** (بحارالانوار ج ۶۳، ص ۱۳۹)

فراز چهارم: زیارتنامه حضرت زهرا سلام الله علیها عبارت از: لبشر أنفسنا بانا قد طهرنا بولایتک؛ تا مزده دهیم خود را به این که ما به وسیله دوستی تو حتما پاک شده ایم. زائر در فراز پنجم، به طهارت می رسد و به وسیله ولایت صدیقه طاهره سلام الله علیها پاک می گردد: **قد طهر ناب ولایتک** همچنان در روایتی که در زیر آیه نور آمده (نور ۵۳) **فراز پنجم صدیقه طاهره سلام الله علیها واسطه الحاق عباد به نبوت و ولایت: فانا نستلک ان کنا صدقناک الا الحقتنا بتصدیقنا؛** اکنون از تو می خواهیم که اگر به راستی در آن عقیده به تو راست می گوئیم با همین راستگویی مان ما را به آن دو بزرگوار برسانی. زائر پس از گذراندن فرازهای گذشته، ما را به نبی صلی الله علیه و آله و ولی علیه السلام خدا ملحق سازد؛ یعنی الحاق ما به نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام (لهما) به وسیله صدیقه طاهره سلام الله علیها و با تصدیق ایشان تحقق می یابد. به بیان دیگر، زهرا سلام الله علیها، حلقه اتصال همه عالم به نبی صلی الله علیه و آله و ولی علیه السلام هستند. حضرت با تحمل این بلاها و یتیم گذاشتن فرزندان خود می رود تا راه غلبه جبهه توحید بر جبهه کفر را هموار کند. این بلاها همه یک طرف و بلای حضرت در بلای سیدالشهدا علیه السلام هم طرف دیگر! قبل از ولایت سیدالشهدا علیه السلام سخت ترین میثاق را از صدیقه طاهره سلام الله علیها برای بلای فرزندش گرفته اند؛ **حمله امه کرها وضعته کرها.**

و وقتی حضرت زهرا سلام الله علیها در قبول این شرط به بحث پرداختند حضرت حق سبحانه و تعالی بشارت دادند که در ازای تحمل این بلا، امامت و وجود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را در نسل صدیقه طاهره سلام الله علیها قرار می دهند و پس از آن بود که حضرت بر این میثاق راضی شدند (کتاب الحج، باب مولود الحسین بن علی) برای همین، حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: کدام مادری است که در هنگام وضع حمل، کراهت و نگرانی داشته باشد؟ مگر صدیقه طاهره سلام الله علیها که بلای سنگین عاشورا را با آن میثاق و این ولادت، تحمل نمودند.

و از همین جاست که بنا بر بعضی روایات هم، وقتی ایشان در روز قیامت به صحنه محشر وارد میگردند، همه محشر را بهم میریزد. حضرت زهرا سلام الله علیها هزینه پیشرفت اسلام و اتصال عالم به نبوت و ولایت را با تحمل این مصائب عظیم پرداخته اند. امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و دیگر اولاد معصومشان و بقیه فرزندان و سادات، بزرگترین مصیبتها را در کل عالم تحمل کردند و صدیقه طاهره علیه السلام هم میثاقی عظیم بر تحمل این بلاها به خدای متعال داده و به نحو اتم و اکمل به آن وفا کرده است.

بخش ۱۸ : حضرت فاطمه سلام الله عليها و آیات و روایات

بر اساس منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت، تقریباً ۱۳۵ آیه در ۴۹ سوره به نوعی درباره حضرت فاطمه سلام الله عليها است. البته این تعداد غیر از آیاتی است که در منابع شیعه ذکر شده است. دو سوره، یعنی دهر و کوثر هم به طور کامل در شأن فاطمه سلام الله عليها نازل شده است. همه آیات و سوره های نازل شده در این باره در چهار دسته جای می گیرد:

۱. اسباب نزول: یعنی آیاتی که حضرت فاطمه سلام الله عليها سبب نزول آن بوده است.
۲. شأن نزول: یعنی آیاتی که در شأن آن حضرت نازل شده است.
۳. جری و تطبیق: یعنی آیاتی که فاطمه سلام الله عليها به عنوان مصداق از آن اراده شده.
۴. بطن: یعنی آیاتی که حضرت فاطمه سلام الله عليها به عنوان باطن آن مورد نظر است.

سوره ها و آیاتی که حضرت فاطمه سلام الله عليها سبب نزول آنهاست از مجموع چهار آیه ای که در این باره در روایات اهل سنت آمده است، یعنی آیات تطهیر، اعطاء، ایثار و تجاره، سوره دهر هم سبب نزولش فاطمه سلام الله عليها است،

۱. آیه تطهیر إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

که از اهل بیت نبوت، اله

بخواهد کند دور رجس و گناه

شما را ز هر عیب سازد بری

کند پاک و تطهیر از هر بدی

بر اساس روایات بسیار از فریقین، که از صحابه و تابعین به حد تواتر رسیده است، آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء نازل شده است. بررسی روایات فریقین نشان می دهد که فاطمه سلام الله عليها سبب نزول این آیه است. (احزاب ۳۳)

ابوسعید خدری از ام سلمه چنین روایت کرده است: آیه تطهیر در خانه من نازل شد. من بر در خانه نشسته بودم. گفتم: ای رسول خدا، من از اهل بیت علیه السلام نیستم؟ فرمود: تو بر خیر و نیکی هستی، تو از همسران پیامبر هستی. گفت: و در منزل، رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بودند.

سبب نزول عبدالله بن جعفر می گوید: رسول خدا به رحمت الهی که از آسمان می آمد نظر کرد و سپس دستور داد اهل بیت علیه السلام، یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را جمع کردند. سپس کسای خویش را بر آنان افکند و دعا کرد و سپس آیه

تطهیر نازل شد. حاکم نیشابوری سپس می گوید: هذا حديث صحيح الاسناد؛ این حدیث صحیح السند است.

۲. آیه مباهله فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ
أَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پس از این هرآن کس که ورزد جدال ۶۱ آل عمران که در باب عیسی بود آن مقال

کنون چون به وحی یگانه خدا شدی آگه از حالش ای مصطفی

بگو پس بیایید تا این زمان همه گرد آئیم در یک مکان

به همراه انفاس و اطفال و زن تباهل نمایم ای انجمن

نماییم نفرین بر یکدگر به درگاه پروردگار بشر

که ناراست گورا به خشم خدا نمایم با این عمل مبتلا

گروهی از نصاری نجران نزد پیامبر گرامی آمدند و درباره عیسی گفت وگو درگرفت و قرار شد فردای آن روز مباهله صورت گیرد. به اتفاق همه اهل سنت، روز بعد پیامبر از بین همه امت به جای «انفسنا» علی علیه السلام و به جای «نساءنا» حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و به جای «ابنائنا» حسنین ع را برای مباهله و به عنوان گواه نبوت خویش بردند

مفسران، مقصود از «نساءنا» در آیه ۶۱ آل عمران را که آیه مباهله است فاطمه سلام الله علیها دانسته اند که پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را برای مباهله با نصاری نجران با خود همراه برد. (مجمع البیان ج ۱ و ۲ روح المعانی ج ۳ جزء ۳)

بنابر نظر مفسران و محدثان، آیه ۲۴ ابراهیم و ۱۹ رحمن و آیات ۵ تا ۲۲ انسان درباره اهل بیت علیه السلام از جمله فاطمه سلام الله علیها نازل شده که بیانگر مقام و منزلت آن حضرت در پیشگاه خداست. در آیاتی ۴۱ انفال و ۲۶ اسراء و ۳۸ روم حضرت فاطمه را صاحب حق در اموال مردم می شمارد و از این نظر می توان وی را همانند پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که خداوند آن حضرت را اولی بر مردم در جان و مالشان دانسته است. همین حق فاطمه سلام الله علیها در اموال مردم موجب می شود تا رسول خداوند صلی الله علیه و آله از سوی خداوند مأمور شود تا فدک را به آن حضرت سلام الله علیها واگذار کند. (نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۵۴ و کافی، ج ۱، ص ۵۴۳ و الدرالنثور، ج ۵، ص ۲۷۳)

۳. آیه اعطا خداوند در قرآن مجید می فرماید **وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ** ضحیٰ ۵ و پروردگارت به زودی عطای می کند که راضی شوی. در روایات زیادی آمده است که خداوند به فاطمه سلام الله علیها این اختیار را داد که در فردای قیامت از گنهکاران امت پدرش شفاعت کند و این روایات از طریق فریقین نقل شده است. مفسران اهل سنت در ذیل این آیه روایاتی آورده اند. از جمله این که جابر بن عبدالله روایت کرده است که رسول خدا روزی فاطمه سلام الله علیها را در منزل مشغول آرد کردن گندم دید که حله شتر بر خود افکنده بود. فرمود: یا فاطمه! بشتاب و تلخی دنیا را به خاطر نعمتهای بهشتی بجش. به دنبال این جریان بود که آیه **وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ** نازل شد.

۴. آیه ایثار **وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ** حشر ۹ دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود سخت به آن نیازمندند.

ولی باز هم خود از آن دل کند مهاجر کسان را مقدم کند

مردی خدمت پیامبر آمد و از گرسنگی خود شکایت کرد. وقتی پیامبر دید چیزی برای او در خانه همسرانش نیست، فرمود: کیست امشب او را میهمان کند؟ علی گفت: من ای رسول خدا! سپس به سوی فاطمه سلام الله علیها رفت و جریان را با او در میان گذاشت و فاطمه سلام الله علیها فرمود: چیزی جز خوراک بچه ها نزد ما نیست، ولی ما میهمان را بر خود مقدم می داریم. پس علی گفت: بچه ها را بخوابان و من چراغ را برای میهمان روشن می نمایم. پس چنین کرد و میهمان خوراک خورد. پس از آنکه از میهمان پذیرایی فرمودند، در بامداد، خداوند این آیه را درباره آنان نازل فرمود وی روایت دیگری را از ابن عباس می گفت: این آیه درباره علی، فاطمه سلام الله علیها، حسن و حسین علیهما السلام نازل شده.

۵. آیه ذالقربی خداوند می فرماید: **وَ آتِ ذَالْقُرْبَىٰ حَقَّهُ**؛ حق خویشاوندان را بده. در این آیه، خداوند بر ادای حق خویشاوندی تأکید می کند و مراد از ذالقربی کسانی هستند که در آیه مودت بیان شد و مراد از آن اقربای رسول خداست. طبق روایات شیعه و سنی، وقتی این آیه نازل شد، پیامبر اکرم فاطمه سلام الله علیها زهرا را فرا خواند و فدک را به او عطا فرمود. فدکی که طبق نقل شیعه و سنی از اموال مخصوص پیامبر بود و کسی از مسلمانان در آن سهمی نداشت. بسیاری از مفسران و دانشمندان اهل سنت روایاتی را از صحابه مانند ابن عباس و ابوسعید خدری با طرق متعدد در این باره نقل کرده اند.

آیاتی که تأویل آن در شأن حضرت فاطمه سلام الله علیها است

۱. حضرت فاطمه راستگوترین فرد **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ** توبه ۱۱۹

الا مؤمنان به پروردگار
که دارید ایمان به روز شمار
بترسید از کردگار مهین
بگردید با صادقان همنشین

ثعلبی از امام باقر روایتی آورده که درباره این آیه فرمود: **ای مع آل محمد**.

۲. **وسيله بين خدا و مردم** **أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَ اللَّهِ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا** (اسرا ۵۷)

همه آن کسان را که کفار دون
بخوانند یزدان عالم کنون
تقرب بجویند بر کردگار
که خود نیز محتاج اویند زار
هرآن کس مقرب تر استی به رب
فزون تر خدا را نماید طلب
بود مطمئن تر به نعمات دوست
امیدش فزون تر بر الطاف اوست
همین گونه در خشم و قهر و عتاب
بود ترس او بیشتر از عذاب
از آن خشم باید بترسید زار
که یزدان نماید به روز شمار

حسکانی از عکرمة روایت کرد: آنان پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین **علیهم السلام** هستند

۳. **حضرت فاطمه** **س رستگار و پیروز** **إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ** ۱۱۱

برآن صالحان اجر کردم عطا
که بودند صابر به وقت بلا
کنوند آن نیکوان رستگار
بیابند پاداش از کردگار

عبدالله بن مسعود: منظور، علی، فاطمه، حسن و حسین **علیهم السلام** است که در دنیا بر طاعات و برگرسنگی و تنگدستی بردبار بودند و به سبب آنچه بر ترک گناه و بر بلا در دنیا صبر نمودند، رستگاران اند و از حساب در نجات اند.

۴. **حضرت فاطمه** **سلام الله علیها** **چهره درخشان و خندان** **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۳۸ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۳۹**

انس بن مالک آورده: از رسول الله درباره این آیه پرسیدم. فرمود: ای انس! آن، چهره های ما اولاد عبدالمطلب است؛ من، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین، و فاطمه.

۵. حضرت فاطمه سلام الله علیها صراط مستقیم

۱. اهدنا صراط المستقیم. ابن عباس می گوید: بگوئید: ای جمعیت بندگان خدا! ما را راهنمایی فرما به دوستی پیغمبر و اهل بیتش. ابوهریره نیز در تفسیر این آیه گفته است: صراط محمد و آله؛

۲. صراط الذین انعمت علیهم ابوالعالیه گفته: هم آل رسول الله با مراد از آن، آل پیامبر خداست. آیات ۱۳۵ طه، ۷۴ مؤمنون، ۳۷، ۴۳، ۵۸، ۱۴۳ و ۲۵۶ بقره، ۱۰۳ آل عمران، ۷ بینه، ۳۸ و ۳۹ مدثر، ۳۳ انفال، ۲۴ و ۲۵ ابراهیم، ۶۹ عنکبوت، ۱۰۰ شعراء، ۵۴ نساء و ۳۶ نور نیز از همین قبیل اند. آیاتی نیز وجود دارند که بر اساس روایات اهل سنت، حضرت فاطمه سلام الله علیها از کسانی است که مراد آن آیات و بطنی از بطون آنهاست. آیات ۱۹، ۲۲، رحمن، ۳۵ نور و ۱۱ بلد از آن جمله اند.

۱- **برهان و استدلال**، مقدم بر مقابله و مباحله دین ما دین استدلال است. **جاءهم بالبینات** (صف ۶) بینة و بینات در قرآن آمده است. بینة یعنی چیزی که قصه را روشن کند. دیگر جای شکی برای کسی باقی نگذارد. و لذا مصداق بینة معجزه است. دین ما دینی است که با بیان و معجزه و برهان و استدلال ... دین ما با برهان و استدلال با مردم صحبت می کند. اگر طرف جنگجو بود، در مقابل جنگ مقابله به مثل می کند. و این مقابله به مثل هم کار خود خداست

الف- فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ (بقره/۱۵۲) شما یاد من باشید، من هم (خدا) یاد شما هستم.

ب- وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي شما به عهد من وفا کنید، من هم **أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ** (بقره/۴۰) به عهد شما وفا می کنم.

ج- إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ خدا را یاری کنید **يَنْصُرْكُمْ** (محمد/۷) خدا هم شما را یاری می کند.

د- زَاغُوا اگر منحرف شوید خدا هم شما را منحرف می کند. **أَزَاغَ اللَّهُ** (صف/۵) یعنی مقابله به مثل! اگر خواستند بجنگند، ما هم می جنگیم. منتها پیغمبر به مسیحی ها گفت: معجزه را که شما قبول نکردید، بیایید نفرین (مباحله) کنیم.

مسلمان‌ها یک نفرین می‌کنند به جان مسیحی‌ها، مسیحی‌ها هم یک نفرین می‌کنند به جان مسلمان‌ها، هر نفرینی عملی شد، معلوم می‌شود آن نفرین کننده حق است که نفرینش گیرا شده است. اسمش هم مباحله است.

۲- ماجرای مباحله پیامبر با مسیحیان آیه‌ی مباحله در سوره‌ی آل‌عمران است. آیه ۶۱! آیه این است حالا این آیه‌ای که مربوط به حضرت زهرا است، تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ بچه‌هایمان را می‌آوریم، بچه‌هایتان را بیاورید. وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ زن‌هایمان را می‌آوریم و زن‌هایتان را بیاورید. وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ جانمان را می‌آوریم ... شیعه و سنی گفته‌اند که مراد از بچه‌ها حسن و حسین بوده‌اند. مراد از زن فاطمه بود. و اینکه جانمان را می‌آوریم، علی بن ابیطالب بود..

۳- انتصاب امام از سوی خداوند اگر امام را باید خدا تعیین کند، هم اولین امام را باید خدا تعیین کند، هم آخرین امام را! إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا (بقره/۱۲۴) أَنْفُسَنَا جان من است.

۴- انفاق حضرت زهرا سلام الله علیها، سبب نزول آیاتی از قرآن جای دیگری که حضرت زهرا هست، وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ (انسان/۸) سوره‌ی انسان، سوره‌ی دهر! . ماجرا این است که امام حسن و امام حسین کوچک بودند و مریض شدند، پیغمبر و جمعیتی به عیادت رفتند، پیشنهاد کردند که یا علی نذر کن اگر بچه‌ها خوب شدند، روزه بگیر. اینها هم نذر کردند و بچه‌ها هم خوب شدند و سه روز روزه گرفتند و هر سه شب رفتند که غذا بخورند، یک شب مسکین و یتیم و اسیر، یا سه شب و یا یک شب سه گروه آمدند و اینها مرتب غذایشان را دادند و با آب افطار کردند. آیه‌ی يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ آمد.

۵- محبت اهل بیت، مزد رسالت پیامبر شوری ۲۳ که به مردم بگو که من هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر ... من از شما سؤال نمی‌کنم. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا من اجر و مزدی از شما در مقابل نبوتم از شما نمی‌خواهم إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى مگر مودت قربی! یک جای دیگر می‌فرماید که: به مردم بگو مزدی از شما نمی‌خواهم، إِلَّا مَنْ شَاءَ هر که بخواهد أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (فرقان/۵۷) هر دو إِلَّا دارد. یک جا قرآن می‌گوید من مزد نمی‌خواهم، مگر اینکه راه خدا را بروید. من ۲۳ سال برای شما پیغمبر بودم، همه‌ی زجرها را کشیدم، الان هم که می‌روم مزدی نمی‌خواهم، فقط راه خدا را بروید.

۶- راه اهل بیت، به دور از افراط و تفریط راه اهل بیت راه اهدانا الصراط المستقیم (فاتحه/۶) قرآن می‌فرماید: **قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ** (بقره/۲۵۶) یعنی راه رشد شفاف است، راه گمراهی هم شفاف است. فقط راه خدا راه اهل بیت است. چرا ما دستمان را در دست قوانین بین الملل می‌گذاریم که هر روز یک چیزی می‌گویند؟ دست بشر باید در دست ولی خدا باشد. در دست معصوم باشد. اگر هم دسترسی به معصوم نیست، مرجع بی‌هوا و هوس، مرجع عادل، عادل بی‌هوا و هوس. وگرنه دست بشر را اگر در دست هر کس بگذاریم، ظلم به بشر است. ... آخر بعضی‌ها می‌گویند ما اهل بیت را دوست داریم.

اما دینمان را از فلانی می‌گیریم. می‌گوییم راه خدا نیست. **اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا** (مزل/۱۹) راه خدا فقط راه اهل بیت است. و محور اهل بیت فاطمه است. مریم مادر یک عیسی بود. فاطمه مادر یازده عیسی است. تنها زن معصوم فاطمه بود. روایت داریم، : ما حجت خدا بر مردم هستیم. بعد فرمودند: فاطمه حجت خداست بر ما

۷. آیه مودت **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ**؛ طبق روایات صحیح و متعدد فریقین، خداوند محبت امیرالمؤمنین علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را بر امت واجب نموده و آن را پاداش رسالت خویش قرار داده است و این چیزی است که از طرف خداوند به پیامبرش امر شده است، نه اینکه پیامبر آن را از خدا خواسته باشد. باید مودت اهل بیت علیهم السلام هم وزن رسالت پیامبر باشد و گرنه چیز کم ارزش و سبکی نمی‌تواند اجر رسالت باشد.

این سوره (شوری) مکی است، مگر چهار آیه آن که در مدینه نازل شده است. نخستین آیه از این آیات چهارگانه نیز، آیه **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ** است. ابن عباس از صحابه و قتاده از تابعین قائل به این قول بودند. زمخشری (م ۵۲۸ ق) در ذیل آیه مودت می‌گوید: این آیه نازل شد و پیامبر فرمود: **من مات علی حب آل محمد مات شهید، الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له، الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً...**؛ هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید از دنیا رفته. آگاه باشید و بخشوده و با توبه از دنیا رفته است... روایاتی از بزرگان دین، همچون امام حسن مجتبی علیه السلام، مفسر قرآن ابن عباس و سدی نقل شده که مراد از «کسب حسنه» مودت آل محمد است و خداوند به خاطر همین دوستی اهل بیت علیهم السلام **غفور للذنوب** است و گناهان آنان را می‌بخشد و **شکور للحسنات** است و تشکر هم می‌کند.

انطباق سیره و گفتار زهرا سلام الله علیها با قرآن

۱. عمل به آیات الهی حضرت زهرا سلام الله علیها در خانه ای پرورش یافت که آیات قرآن دائماً در حال نزول بود و رشد و تربیت حضرت در حال و هوای وحی صورت گرفته و رسول خدا صلی الله علیه و آله حق پدری و معلمی را درباره ایشان نیکو انجام دادند. دوستی و محبت فاطمه سلام الله علیها به پدرش زیانزد خاص و عام بوده و این محبت در حدی بس فراتر از رابطه دختری با پدر خویش است.

او پیامبر را تنها به چشم پدر نمی نگریست بلکه از دیدی بس عمیق تر به چشم یک مراد و پیشوا می دید، زیرا او قدر و مقام و منزلت پدر و آبرومندی و رسالت الهی او را بیش از دیگران می شناخت. پیامبر دو بار از فاطمه ناراحت شد چراکه به جای پدر او را **یا رسول الله** خطاب کرد و فرمود این آیه **لا تجعلوا دعاء الرسول ...** برای جفاکاران درشت خوی قریش، انسان های خودخواه و متکبر نازل شده مرا با جمله **ای پدر** خطاب کن که مایه حیات قلب من است و خداوند را خشنود می کند این روایت افزون بر محبت حضرت فاطمه نسبت به پدر بزرگوارشان نشانگر اهمیت عمل به آیات الهی را می رساند. (مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ بحار ج ۳۴)

۲. تلاوت و انس با قرآن حضرت زهرا سلام الله علیها همواره با قرآن مأنوس و آیاتش در همه حالات ورد زبانش بود. سلمان فارسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا برای کاری به خانه اش فرستاد. به در خانه که رسیدم، صدای زهرا سلام الله علیها را که، درون خانه قرآن تلاوت می کرد شنیدم (بحار ج ۳۴ ص ۶۴) داخل خانه زهرا سلام الله علیها شدم، دیدم در همان حالیکه مشغول کار خود بود و جوها را آسیاب می کرد قرآن می خواند .

حضرت زهرا سلام الله علیها به اندازه ای با قرآن مأنوس بود که حتی وصیت می کند در شب اول قبر، علی علیه السلام بر سر مزارش قرآن زیاد بخواند و دعا کند (بحار ج ۹۷ ص ۷۲) و از ثمره همین انس با قرآن حضرت بود که فضه کنیز آن حضرت، تا ۲۰ سال بعد از شهادت زهرا سلام الله علیها کلامی به غیر از قرآن بر زبان نیاورد (ترجمه بیت الاحزان ص ۶۴).

فاطمه زهرا علیها سلام می فرماید: **حبب الی من دنیاکم ثلاث : تلاوه کتاب ... و النظر فی وجه رسول ا ... و الانفاق فی سبیل ..** از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن، نگاه به چهره رسول الله صلی الله علیه و آله و انفاق در راه خدا. و براستی کسانی که دوست دارند آن حضرت را اسوه و الگوی خود قرار دهند بایستی قرآن را در زمینه تلاوت و تدبر، وجهه همت خود در طول شبانه روز قرار دهند.

۳. احتجاج و تمسک به آیات الهی حضرت زهرا سلام الله علیها در چندین مورد در استدلال های مختلف به آیات قرآنی تمسک جسته و به دفاع از حق خویش و اثبات ارث از نگاه قرآن پرداخته اند. انس بن مالک : حضرت زهرا سلام الله علیها پس از تصرف باغ های فدک، خطاب به ابوبکر فرمود: ای ابوبکر تو می شناسی و می دانی که حق ما اهل بیت غصب شده؛ و آن حقی است که از غنایم داریم و خداوند در این آیه مربوط به غنایم و مصرف خمس آن را توضیح داده و بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید خمس آن برای خدا، و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است (انفال ۱۴)

ابوبکر گفت: آیا فدک را بطور کامل تسلیم شما کنم؟ حضرت پاسخ داد: آیا فدک مال توست و یا به نزدیکان تو اختصاص دارد؟ ابوبکر گفت: من آنرا در رابطه با مصالح مسلمین خرج می کنم. حضرت فرمود: این حکم الهی نیست و پدرم رسول خدا چنین دستوری به ما نداده و در صورتی که از پدرم پس از نزول آیه خمس شنیدم که فرمود: بشارت باد ای فرزندان محمد که مایه غنا و پی نیازی شما رسیده است. ابوبکر که دیگر عذری نمی توانست بیاورد، به تفسیر شخصی خویش متوسل شد و گفت: علم من اجازه نمی دهد که طبق این آیه، فدک را تماما به شما تحویل دهم (ابن ابی الحدید ج ۶۱ ص ۲۳۰؛ بحار ج ۸)

۴. انداز با آیات قرآنی از راههای موثر در پیشگیری از انحراف و آگاهی بخشی مردم، نکوهش رفتارهای غلط و افشای آنان می باشد. حضرت زهرا با توجه به این مسئله در بخشی از سخنان خویش به افشای رفتار منافقانه برخی افراد پی تفاوت گذشته و تشنگان قدرت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته با یادآوری سفارش های پیامبر درباره امیرالمؤمنین و عاقبت بد فتنه گران که خود را در ظاهر مصلح نشان می دهند می فرماید: درحالی که شما در خوشی زندگی می کردید، در امنیت و رفاه، خوش بودید و منتظر فرصت بودید تا روزگار بر ضد ما دگرگون شود و گوش به زنگ اخبار بودید. به هنگام کارزار فرار می کردید عقب نشینی داشتید و آنگاه که خدا، برای پیامبر خویش خانه پیامبران و آرامگاه اولیاء را برگزید، خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد و جامه دین کهنه گردید، گمراهان ساکت به سخن در آمدند و آدمهایی پست و بی ارزش با قدر و منزلت شدند و شتر ناز پرورده اهل باطل، به صدا در آمد و وارد خانه های شما شد. درحالی که هنوز از عهد و قرار شما بیعت در غدیرخم چیزی نگذشته بود و شکاف زخم عمیق بود و دهانه زخم هنوز بهبود نیافته بود، پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز دفن

نشده بود که هرچه خواستید کردید و بهانه آوردید که از فتنه می ترسیم **الافی الفتنه سقطوا** و ان جهنم لمحیطه با لکافرین آگاه باشید آنها در فتنه سقوط کردند و جهنم کافران را احاطه کرده توبه ۹۴. شما کجا و فتنه خواباندن کجا؟ دروغ می گوید (معانی الاخبار ص ۳۵۴؛ کشف الغمه ج ۲ ص ۴۰ بحار ج ۳۴، ص ۱۵۸)

حضرت در خطبه ای دیگر در جمع زنان مدینه به آیاتی از قرآن کریم استشهاد می کند و می فرماید: اکنون بیاید و بشنوید! شگفتا! روزگار چه شگفتی ها در پس پرده دارد و چه بازیها یکی پس از دیگری بیرون می آورد و ان **تعجب فعبج قولهم** و اگر تعجب می کنی، عجب گفتار آنهاست (رعد ۵) آگاه باشید اینها همه مفسدانند ولی نمی فهمند بقره ۲۱ وای بر آنان آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ یونس ۵۳ شما را چه می شود و چگونه داوری می کنید (احتجاج ج ۱ ص ۱۰۸؛ امالی ج ۱ ص ۳۸۴)

۵. بیان علل انحراف مردم دخت نبی مکرم یکی از علل انحراف مردم، چند روز بعد از رحلت پیامبر اعظم را پشت کردن مردم به قرآن کریم و پشت سر انداختن اوامر و نواهی آن دانسته می فرماید: چرا بیراهه می روید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شماست، مطالب آن روشن است و احکام آن درخشان و نشانه های هدایت آن آشکار، نهی و هشدارهای آن روشن و واضح می باشد، اما شما به قرآن پشت کردید و از آن روی برگردان شدید، آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟ یا داوری جز قرآن می گیرید؟ چه جایگزین بدی است برای ستمکاران (کهف ۵۰) و هر کسی جز اسلام آئینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است آل عمران ۵۸.

سپس آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد و مهار کردن آن آسان شود، پس آتش گیره ها را بر افروختند و به آتش فتنه ها دامن زدید تا آن را شعله ور ساختید و به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید. در این جملات حضرت با استفاده از آیه شریفه قرآن، جریان سقیفه و پیامدهای آن و روی گردانی مردم از قرآن کریم را مصداق روشن ظلم دانسته و عاملان آن را جزء ظالمین به حساب آورده است. و با ذکر آیه دوم حضرت می فرماید شما که به قرآن پشت کرده اید و اوامر و نواهی آن را به کار نمی بندید در واقع از دین اسلام خارج شده اید؛ چه اینکه اساس اسلام بر دستورات قرآن استوار است و اگر قرآن را از اسلام حذف کنید دیگر اسلامی باقی نمی ماند و شما هم که دستورات قرآن را از جمله دستور به اطاعت از جانشین و وصی پیامبر **صلی الله**

کنار گذاشته اید و به آن عمل نمی کنید به مثابه این است که دین اسلام را رها کرده و دین دیگری را اختیار نموده و به انحراف کشیده شده اید.

روایت شده وقتی حضرت زهرا سلام الله علیها از دنیا رحلت فرمود. ام ایمن سوگند خورد که دیگر در مدینه نماند زیرا که نمی توانست جای خالی آن حضرت را ببیند و به سوی مکه رفت. در راه دچار تشنگی شدید می شود و آب پیدا نمی کند.

پس رو به آسمان می کند و می گوید خداوندا من خادمه حضرت فاطمه ام آیا مرا از تشنگی هلاک خواهی کرد؟ پس به اعجاز حضرت فاطمه سلام الله علیها ظرف آبی از آسمان برای او می آید و او خود را سیراب می کند. می گویند تا ۷ سال ام ایمن نیازی به خوردن و آشامیدن پیدا نکرد.

نظری گذرا به فدک

بسیاری از مفسران اهل سنت در ذیل آیه ششم سوره حشر [۱۵۳] درباره فدک بحث نموده اند. قرآن مجید «فیء» را حق ذی القربی می داند و می فرماید: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ ۗ حشر؛ آنچه خدا از اموال اهل قری به رسول خود برگردانید، از آن خدا و رسول او و از آن خویشان رسول و یتیمان و مسکینان و درماندگان در راه است.

برخی از مفسران اهل سنت، نزول این آیه را در مکه می دانند و چون فتح خیبر و اعطای فدک در سال هفتم هجری و زمان هجرت پیامبر به مدینه رخ داد، در اعطای فدک به حضرت زهرا تشکیک کرده اند.

اما کسانی چون آلوسی، سعید حوی، سید قطب، زمخشری و غیره این آیه را مدنی می دانند. در سوره های مدنی، آیات مکی هم وجود دارد و این امر مورد پذیرش فریقین است. از روایات ابن عباس و ابو سعید خدری به دست می آید که فدک در دست فاطمه سلام الله علیها قرار گرفته بود.

همین مطلب را امام علی علیه السلام در نامه خود به عثمان به حنیف فرموده... **بلی کانت فی ایدینا فدک من کل ما اظلته السماء...**؛ آری از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، تنها فدک در دست ما بود....

آموزه اول) حجاب کامل آن حضرت مقنعه سر کرد و علاوه بر آن، چادر سرتا سری پوشید. به اندازه‌ای که روی پاهای ایشان هم چادر بود. در میان زن‌ها راه می‌رفت که چشم نامحرم به ایشان نیفتد. آمد داخل مسجد و به مجرد ورود ایشان به مسجد، بین قسمت زنانه و مردانه مسجد پرده کشیدند و خطبه‌ای ایراد کردند که این خطبه یکی از افتخارات ما شیعیان است. در حالی که در مقابل نامحرم کوبندگی و قاطعیت دارد، به مسلمانان می‌فهماند که اختلاط بین زن و مرد ممنوع است.

آموزه دوم) اوصاف شیعه مردی از همسرش خواست نزد فاطمه سلام الله علیها برود و از قول او بپرسد که آیا من از شیعیان شما هستم؟ او به حضور حضرت آمد و سؤال شوهرش را رساند. فرمود: به شوهرت بگو: اگر آنچه را به شما امر می‌کنیم انجام دهی و آنچه را که از آن نهی می‌کنیم، انجام ندهی از شیعیان ما هستی وگرنه از شیعیان ما نیستی. وی نزد شوهرش آمد و سخن فاطمه سلام الله علیها را به او رساند. او از این پاسخ ناراحت شد با آه و ناله گفت: وای بر من، کیست که به گناه آلوده نباشد

همسرش وقتی او را چنین آشفته دید به حضور حضرت زهرا سلام الله علیها برگشت و داستان را به عرض رساند، فرمود به شوهرت بگو: چنین نیست که تو تصور می‌کنی. شیعیان ما از افراد نیک اهل بهشت هستند، ولی اگر گناه کار باشند، بر اثر گرفتاریها و صدماتی که در صحرای محشر، در روز قیامت، یا در طبقه اعلائی دوزخ می‌بینند، گناهانشان ریخته می‌شود و سپس ما آنها را نجات می‌دهیم و به بهشت می‌بریم.

آموزه سوم) از خود گذشتگی و ایثار عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود نگریست سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن بیچاره را برطرف سازد. هر جا رفت با دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می‌آمد که چشمش به منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها افتاد، با خود گفت: فاطمه سلام الله علیها سرچشمه نیکوکاری است. درب خانه را کوبید و داستان عرب مستمند را شرح داد. حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: ای سلمان، سوگند به خداوندی که حضرت محمد را به پیامبری برگزید، سه روز است که غذا نخورده ایم. اما من، نیکی و نیکوکاری را درخانه مرا کوبیده است، رد نمی‌کنم آن گاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو گذاشته، مقداری خرما و جو قرض بگیرد. سلمان فارسی می‌گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه سلام الله علیها آمدم و گفتم: دختر رسول خدا مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه ات بردار. حضرت پاسخ فرمود: ای سلمان، این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و

هرگز از آن چیزی بر نمی داریم.

آموزه چهارم) کیفیت رابطه با مردم و خانواده معیار و میزان سنجش ارزشمندی انسان از دیدگاه فاطمه سلام الله علیها روابط شایسته با مردم و خانواده است. حضرت در این باره می فرمایند: بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم خو و مهربان تر است و ارزشمندترین مردان شما آن کسانی اند که با همسران خود مهربان و بخشنده هستند.

آموزه پنجم) نگرانی از حجاب حتی پس از مرگ حضرت به اسماء بنت عمیس مرا روی تابوت آنچنانی نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد. اسماء می گوید: وقتی نگرانی حضرت زهرا سلام الله علیها را دیدم که به امام علی علیه السلام فرمود: وصیت می کنم به شما ای پسر عمو، که برای من تابوتی درست کنید، همان گونه که ملائکه شکل آن را به من نشان دادند.

آموزه ششم رعایت محرم و نامحرم رسول خدا صلی الله علیه و آله درب خانه فاطمه سلام الله علیها را کوبید و فرمود: سلام بر شما، آیا وارد خانه شوم؟ پاسخ شنید، سلام بر تو ای فرستاده خدا، داخل شوید. آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟ فاطمه سلام الله علیها: ای رسول خدا، اگر نامحرمی با شماست وارد نشوید که چادر بر سر ندارم. کمی بعد، چادر به سر گذاشت و فرمود: داخل شوید.

آموزه هفتم) حالات معنوی فاطمه سلام الله علیها در شب ازدواج شب ازدواج و آغاز لحظه های شروع یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره انگیز است. بسیاری این لحظه های شیرین را به انواع گناه می آلاینند و فکر می کنند این کارها مجاز است. امام علی علیه السلام شب عروسی، فاطمه زهرا سلام الله علیها را نگران و گریان دید، پرسید: چرا ناراحتی؟ حضرت زهرا سلام الله علیها پاسخ داد: پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر و قبر خود افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. پس تو را به خدا سوگند می دهم که بیا: تا به نماز بایستیم و با هم در این شب خدا را عبادت کنیم.

آموزه هشتم) علاقه مندی های فاطمه سلام الله علیها حضرت فاطمه سلام الله علیها نسبت به تلاوت برخی از سوره های قرآن سفارش می فرمود: کسانی که سوره های حدید، واقعه، الرحمن، را تلاوت کنند، در آسمان ها و زمین، اهل بهشت خوانده می شوند. فاطمه سلام الله علیها به امام علی علیه السلام سفارش کرد که: وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن، دفن کن. آن گاه بالای سرم روبرو من بنشین و زیاد قرآن بخوان و دعا کن. زیرا در چنین لحظه هایی، میت به انس گرفتن با زندگانی محتاج است. من تو را به خدا می سپارم و درباره فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم (فرهنگ سخنان فاطمه)

آموزه نهم) تقاضای عمر مفید حضرت زهرا سلام الله علیها در مناجات با خدای خویش می فرمود: بار خدایا تو را به علم غیبت و تواناییت بر آفرینش، سوگند می دهم که مرا، تا وقتی می دانی زنده بودن برایم بهتر است، زنده بداری و هرگاه مرگ برایم بهتر بود، مرا بمیران (میزان الحکمه ج ۲ ص ۷۳۵)

آموزه دهم) پاداش سلام و صلوات بر فاطمه سلام الله علیها روایت کرده اند: بر فاطمه سلام الله علیها وارد شدم، آن حضرت ابتدا به من سلام کرد و سپس فرمودند: پدرم در زمان حیاتش فرمود: هر کس بر من و بر تو سه روز سلام کند، بهشت برای او خواهد بود. به حضرت سلام الله علیها عرض کردم: این مطلب مربوط به دوران زندگی شما و آن حضرت است یا اینکه پس از فوت شما هم شامل می شود؟ فرمودند: در زندگی و پس از مرگ هم شامل می شود. رسول خدا فرمود: ای فاطمه هر کس بر تو صلوات بفرستد، خداوند او را خواهد بخشید و مورد آمرزش قرار خواهد داد و او را به من در هر جای بهشت که باشم، ملحق خواهد نمود (فاطمه شادمانی دل پیامبر ص ۳۷۸ و ۴۰۰)

بخش ۲۰: احادیثی درباره حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. **إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ: يَا أَهْلَ الْجَمْعِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ فَاطِمَةُ** زمانی که روز قیامت برپا شود، منادی صدا می زند: ای اهل محشر! چشمان خود را ببندید تا فاطمه عبور کند. کنز العمال ج ۱۳

۲. **مَا رَضِيْتُ حَتَّى رَضِيَتْ فَاطِمَةَ** من جز با خشنودی فاطمه خشنود نخواهم شد. مناقب الإمام علی لابن المغازلی

۳. **يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُرَوِّجَكَ فَاطِمَةَ** ای علی! خداوند مرا امر کرده که ترا به همسری فاطمه درآورم. الصواعق المحرقة باب ۱۱

۴. **كُلُّ بَنِي أَنْثَى عَصَبَتُهُمْ لِأَبِيهِمْ مَا خَلَا وَوُلْدَ فَاطِمَةَ** تمام فرزندان یک مادر، به فامیل پدری منتسب هستند، مگر فرزندان فاطمه (که به من منتسب هستند) کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۰۱ الصواعق المحرقة

۵. **أَحَبُّ أَهْلِي إِلَيَّ فَاطِمَةَ** فاطمه، محبوبترین فرد خانواده من است. الجامع الصغير ج ۱ ص ۲۰۳

۶. **خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ وَ خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ** برترین زنان عالم چهار نفرند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. الجامع الصغير ج ۱ ص ۴۱۲ ح ۴۶۹ الإصابة فی تمییز الصحابة ج ۴

۷. **سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَاطِمَةُ** سرور زنان بهشت است. کنز العمال ج ۱۳ ص ۹۴
۸. **إِذَا إِشْتَقْتُ إِلَى ثَمَارِ الْجَنَّةِ قَبَّلْتُ فَاطِمَةَ** [هرگاه مشتاق میوه های بهشت می شوم فاطمه را می بوسم.] نور الأبصار ص ۵۱.
۹. **أُنزِلَتْ آيَةُ التَّطْهِيرِ فِي خَمْسَةِ فِيٍّ، وَفِي عَلِيٍّ وَحَسَنِ وَحُسَيْنٍ وَفَاطِمَةَ** آیه تطهیر در مورد پنج نفر نازل شد: من و فاطمه و علی و حسن و حسین. إسعاف الراغبین ص ۱۱۶ صحیح مسلم کتاب فضائل الصحابة.
۱۰. **أَوَّلُ مَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَاطِمَةَ** اول کسی که داخل بهشت می شود فاطمه است. ینابیع المودّة ج ۲ ص ۳۲۲ باب ۵۶.
۱۱. **إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَوَلَدَهَا وَ مَنْ أَحَبَّهُمْ مِنَ النَّارِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ** خداوند دخترم فاطمه و فرزندانش و هرکس که آنان را دوست داشته باشد را از آتش جهنم جدا ساخته است و برای همین نام او فاطمه (جدا شده) است. کنز العمال ج ۶
۱۲. **فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ** فاطمه بانوی زنان اهل بهشت است. صحیح البخاری ج ۳ کتاب الفضائل باب مناقب فاطمة ص ۱۳۷۴
۱۳. **فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ** فاطمه حوریه ای است در صورت انسان. مستدرک الصحیحین ج ۳ باب مناقب فاطمة ص ۱۶۴
۱۴. **فَاطِمَةَ بَضَعَةً مَنِي يُوْذِيْنِي مَا آذَاهَا وَ يَنْصُبْنِي مَا أَنْصَبَهَا** فاطمه پاره تن من است، آنچه او را اذیت کند مرا اذیت کرده و آنچه او را به سختی بیندازد مرا به سختی انداخته است. مستدرک الصحیحین ج ۳ ص ۱۷۳
۱۵. **فَاطِمَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ يَا عَلِيُّ وَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْهَا** ای علی! فاطمه در نزد من محبوبتر است و تو عزیز تر! مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۰۲ الجامع الصغیر ج ۲ ص ۶۵۴ ح ۵۷۶۱
۱۶. **فَاطِمَةَ بَضَعَةً مَنِي وَهِيَ قَلْبِي وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي** فاطمه پاره ای از وجود من، قلب و جان من در کالبد من است. نور الأبصار
۱۷. **فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أُمَّتِي** سرور زنان امت من فاطمه است. سیرأعلام النبلاء ج ۲ صحیح مسلم،
۱۸. **فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كِنِسَاءِ الْآدَمِيِّينَ** همانا فاطمه مانند زنان دیگر نیست. مجمع الزوائد ج ۹

۱۹. **يا فاطمة إنّ الله يغضب لغضبك** ای فاطمه! همانا خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می شود. الصواعق المحرقة ص ۱۷۵ مستدرک الحاکم باب مناقب فاطمة

۲۰. **يا فاطمة إنّ الله غير معذبك ولا أحد من ولدك** ای فاطمه! خداوند تو و هیچیک از فرزندان تو را عذاب نمی کند. کنز العمال ج ۱۳ ص ۹۶

احادیثی درباره علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها

۲۱. **قاله لعلي فاطمه احب الي منك، و انت اعز الي منها** به علی فرمود فاطمه در نزد من محبوبتر از توست و تو در نزد من عزیزتر و ارجمندتر از او هستی (طبرانی در معجم الاوسط از ابوهریره ج ۲)

۲۲. **احب اهلي الي فاطمه:** در نزد من محبوبترین فرد خاندانم فاطمه است. ترمذی و حاکم در مستدرک ج ۱

۲۳. **ان الله تعالى امرني ان ازوج فاطمه من علي** خداوند متعال به من فرمان داد که فاطمه را به همسری علی در بیاورم (طبرانی در معجم الکبیر از ابن مسعود ج ۱)

۲۴. **فاطمه بضعه مني، فمن اغضبها اغضبني** فاطمه قطعه ی تن من است پس هر که او را بیازارد، مرا آزرده است (بخاری در صحیح ج ۲)

۲۵. **فاطمه بضعه مني، يقبضني ما يقبضها، و يبسطني ما يبسطها. و ان الانساب تنقطع يوم القيامة غير نسبي و سببي و صهري** فاطمه قطعه ی تن من است. آنچه او را اندوهگین کند، مرا اندوهگین می کند، و آنچه او را شاد کند، مرا شاد می کند و همانا در روز قیامت پیوندهای خانوادگی گسسته می شود، مگر پیوند نسبی و سببی من (احمد بن حنبل در مسند و حاکم در مستدرک ج ۲، ص ۲۰۸)

۲۶. **فاطمه بضعه مني، يقبضني ما يقبضها، و يبسطني ما يبسطها. و ان الانساب تنقطع يوم القيامة غير نسبي و سببي و صهري** فاطمه قطعه ی تن من است. آنچه او را اندوهگین کند، مرا اندوهگین می کند، و آنچه او را شاد کند، مرا شاد می کند و همانا در روز قیامت پیوندهای خانوادگی گسسته می شود، مگر پیوند نسبی و سببی من (احمد بن حنبل در مسند و حاکم در مستدرک ج ۲، ص ۲۰۸)

۲۷. **كان كثيراً ما يقبل عرف فاطمه** [پیامبر] فراوان بر سر فاطمه بوسه می زد (ابن عساکر از عایشه نقل کرده است ج ۲، ص ۳۵۶)

۲۸. اِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، نَادَى مِنْ وِجَاءِ الْحَجَبِ: يَا أَهْلَ الْجَمْعِ، غَضُوا أَبْصَارَكُمْ عَنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ حَتَّى تَمُرَ. چون روز رستاخیز فرا رسد، منادی از پشت پرده‌ها بانگ برمی‌آورد که: ای اهل محشر، چشمانتان را از فاطمه دختر محمد برگزید تا او بگذرد (تمام و حاکم در مستدرک از علی نقل کرده‌اند. ج ۱، ص ۱۲۷)

۲۹. اَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنَ أَهْلِی، أَنْتَ يَا فَاطِمَةُ. ای فاطمه، تو نخستین کسی هستی که از خانواده‌ام به من می‌پیوندد. (ابن عساکر از واثله نقل کرده ج ۱، ص ۴۳۴)

۳۰. اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی جَعَلَ ذَرِيَةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِيْ صُلْبِهِ، وَ جَعَلَ ذَرِيَّتِيْ فِيْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْ طَالِبٍ. خداوند متعال فرزندان هر پیامبری را در پشت خود او قرار داده، و فرزندان مرا در پشت علی ابن ابی طالب قرار داده است (طبرانی در معجم الکبیر از جابر و خطیب در تاریخ از ابن عباس روایت کرده‌اند. ج ۱)

۳۱. كُلُّ بَنِي آدَمَ يَنْمُونُ اِلَى عَصْبِهِ، اِلَّا وَوَلَدَ فَاطِمَةَ. فَاَنَا وَلِيْهِمْ وَ اَنَا عَصَبَتُهُمْ. همه فرزندان آدم به پدرانشان وابسته‌اند، مگر فرزندان فاطمه که من ولی آنها و ریشه و پیوندشان هستم (طبرانی در معجم الکبیر از فاطمه زهرا روایت کرده ج ۲)

۳۲. كُلُّ بَنِي اَنْتِيْ فَاَنْ عَصَبَتُهُمْ لِاَبِيْهِمْ، مَا خَلَا وَوَلَدَ فَاطِمَةَ فَاَنْ اَنَا عَصَبَتُهُمْ وَ اَنَا اَبُوْهُمْ. همه دخترزادگان وابستگی‌شان به پدرشان است، مگر فرزندان فاطمه که من خویش و پیوندشان هستم و من پدرشان هستم (طبرانی در معجم الکبیر از عمر نقل کرده ج ۲)

۳۳. اِنَّ فَاطِمَةَ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَمَهَا اللّٰهُ وَ ذَرِيَّتَهَا عَلٰی النَّارِ. فاطمه خود را پاکدامن نگاه داشت و خدا او و فرزندان او را بر آتش حرام کرده (بزار و ابو یعلی در مسند، طبرانی در معجم الکبیر و حاکم به نقل از ابن مسعود روایت ج ۱)

۳۴. صَلُّوْا عَلٰی، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمْ. بر من درود بفرستید تا خدا بر شما درود بفرستد. (ابن عدی در کامل از ابن عمرو و ابن هریره روایت کرده ج ۲)

۳۵. صَلُّوْا عَلٰی، فَاَنْ صَلَاتِكُمْ عَلٰی زَكَهٍ لَكُمْ. بر من درود بفرستید، زیرا صلوات شما بر من زکات شماست (ابن ابی شیبه و ابن مردویه از ابو هریره روایت ج ۲)

۳۶. اِذَا جَلَسْتَ فِيْ صَلَاتِكَ فَلَا تَتْرَكَ الصَّلَاةَ عَلٰی، فَاِنَّهَا زَكَهٌ الصَّلَاةِ. چون در نماز [برای تشهد] نشستی، صلوات بر من را ترک مکن، زیرا آن زکات نماز است (دارقطنی در سنن از بریده ج ۱)

۳۷. **حیثما کنتم فصلوا علی، فان صلاتکم تبلیغی** هر جا که هستید، بر من درود بفرستید، زیرا درود شما به من می‌رسد (طبرانی در معجم‌الکبیر از حسن بن علی نقل می‌کند ج ۱،)

۳۸. **صلوا علی و سلموا، فان صلاتکم تبلیغی حیثما کنتم** بر من صلوات و سلام بفرستید؛ زیرا هر جا که باشید، صلوات‌تان به من می‌رسد (ابی یعلی در مسندش و ضیاء از حسن بن علی ج ۲،)

۳۹. **زینوا مجالسکم بالصلاه علی، فان صلاتکم علی نور لکم یوم القیامه** مجالس خود را با صلوات بر من بیارید؛ زیرا صلوات شما بر من، روز قیامت برایتان نوری خواهد بود (دیلمی در مسند الفردوس از عبدالله بن عمر روایت می‌کند ج ۲،)

۴۰. **الصلاه علی نور علی الصراط** صلوات بر من نوری بر صراط [در روز رستاخیز] خواهد بود (دارقطنی از ابوهریره روایت می‌کند. ج ۲،)

۴۱. **کل امر ذی بالٍ لایبداً فیه بحمدالله و الصلاه علی، فهو أقطع، ابتر، ممحوق من کل برکه** هرکار مهمی که بدون سپاس و ستایش خدا و صلوات بر من آغاز شود، بریده، بی‌دنبال و بی‌بهره از هر برکتی خواهد بود (رهاوی از ابوهریره ج ۲،)

۴۲. **ما من عبد یصلی علی الا صلت علیه الملائکه مادام یصلی علی** هیچ بنده‌ای نیست که بر من صلوات می‌فرستد، مگر اینکه تا وقتی که صلوات می‌فرستد، فرشتگان هم بر او درود می‌فرستند (احمدبن حنبل در مسند، ابن ماجه و ضیاء از عامر بن ربیع ج ۲،)

۴۳. **من صلی علی صلاه، کتب الله له قیراطاً و القیراط مثل احد** هرکه بر من صلوات بفرستد، خداوند برای او قیراطی می‌نویسد و قیراط همچون کوه احد است! (عبدالرزاق در جامع از علی . ج ۲،)

۴۴. **من صلی علی واحده صلی الله علیه عشر صلوات، و خط عنه عشر خطیئات، و رفع له عشر درجات** هرکس بر من یک صلوات بفرستد، خداوند ده درود بر او می‌فرستد و ده خطایش را پاک می‌کند و ده درجه او را بالا می‌برد (احمدبن حنبل در مسند و بخاری در ادب و نسائی و حاکم در مستدرک از انس ج ۲)

۴۵. من صلی علی حین یصبح عشراً و حین یمسی عشراً، ادركته شفاعتی يوم القيامة هرکه صبحگاه و شامگاه ده بار بر من صلوات بفرستد، روز رستاخیز شفاعتم را در می یابد (طبرانی در المعجم الکبیر از ابودرداء ج ۲)

۴۶. ارزش شناخت فاطمه امام صادق علیه السلام می فرمایند .. فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر هر کس به شناخت حقیقی فاطمه س دست یابد، بی گمان شب قدر را درک کرده

۴۷. اطاعت از فاطمه علیها السلام امام باقر علیه السلام می فرمایند .. ولقد كانت س مفروضة الطاعة علی جميع من خلق الله من الجن و الانس و الطير و الوحش و الانبياء و الملائكة ... اطاعت از فاطمه ع بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندهگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است

۴۸. آثار نام فاطمه علیها السلام امام کاظم علیه السلام لایدخل الفقر بيتا فيه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسين او جعفر او طالب او عبد الله او فاطمة من النساء در خانه ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله و یا از میان زنان، فاطمه باشد، فقر [و تنگدستی] وارد نمی شود

۴۹. احترام به نام فاطمه علیها السلام امام صادق علیه السلام به شخصی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمود اذا سميتها فاطمة فلا تسبها و لاتلعنها و لاتضربها حالا که نام او را فاطمه گذاشته ای، پس دشنامش مده، نفرینش مکن و کتکش مزن

۵۰. الگوی نمونه امام زمان ارواحنا فداه در یکی از نامه هایشان می فرمایند و فی ابنة رسول اسوة حسنة در دختر پیامبر خدا ص برای من الگوی نیکویی است

۵۱. یاور خوب پیامبر اکرم از حضرت امیرالمؤمنین، درباره حضرت فاطمه زهرا پرسیدند. حضرت پاسخ دادند نعم العون علی طاعة الله [فاطمه] خوب یآوری در راه اطاعت و بندگی خداست

۵۲. اختر تابناک امام صادق علیه السلام: ... فاطمة کوکب دری بین نساء اهل الدنيا فاطمه س اختری تابناک در میان زنان دنیا است

۵۳. سرور زنان امام صادق علیه السلام ... فاطمة سيدة نساء العالمين من الاولين و الاخرين فاطمه س سرور زنان جهانیان از اولین تا آخرین است .

۵۴. درود بر فاطمه امام رضا علیه السلام **اول من جعل له النعش فاطمة ابنة رسول الله، صلوات الله عليها و علی ابیها و بعلها و بنیها** نخستین کسی که پس از مرگش برای او تابوت ساخته شد، فاطمه دختر رسول خدا بود؛ درود و صلوات خدا بر او و پدر و شوهر و فرزندان او باد

۵۵. نماز مخصوص فاطمه امام صادق علیه السلام **من صلی اربع رکعات فقرا فی کل رکعة بخصمین مرة «قل هو الله احد» کانت صلوة فاطمة** هر کس چهار رکعت نماز بخواند [هر دو رکعت به یک سلام] و در هر رکعت [پس از سوره حمد] پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، این نماز، نماز فاطمه است

۵۶. فاطمه قلب محمد حضرت امیرالمؤمنین: **ان الحسن و الحسین سبطا هذه الامة و هما من محمد کماکان العینین من الراس و اما انا فکماکان الید من البدن و اما فاطمة فکماکان القلب من الجسد** حسن و حسین علیهما السلام دو سبط این امت هستند، و آن دو برای محمد همانند دو چشم برای سرند، و من [برای محمد همانند دست برای بدن هستم، و فاطمه [برای محمد] همانند قلب برای بدن است

۵۷. افتخار علی علیه السلام به فاطمه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام: **انا زوج البتول سیدة نساء العالمین** من همسر بتول هستم؛ همان کسی که سرور زنان جهانیان است

۵۸. زیارت شهیدان امام صادق علیه السلام **ان فاطمة کانت تاتی قبور الشهداء فی کل غداة سبت** فاطمه در هر بامداد شنبه به مزار شهیدان می رفت .

۵۹. علی شایسته ترین انسان برای فاطمه امام صادق علیه السلام: **لولا ان امیرالمؤمنین ع تزوجها لما کان لها کفو الی یوم القيامة علی وجه الارض آدم فمن دونه** براستی اگر امیرالمؤمنین فاطمه را به ازدواج خود در نیاورده بود، تا روز قیامت بر روی زمین از آدم تا پس از آدم برای فاطمه س هم‌تایی نبود

۶۰. انجام کارهای سخت خانه علی درباره فاطمه زهرا انها استقت بالقربة حتی اثر فی صدرها و طحنت بالرحی حتی مجلت یدها و کسحت البیت حتی اغبرت ثیابها و اوقدت النار تحت القدر حتی دكنت ثیابها فاصابها من ذلک ضرر شدید او آنقدر با مشک، آب کشید که اثر آن در سینه اش آشکار شد و چندان با دست خود آسیاب کرد که دستهایش پینه زد و آن قدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش خاک آلود گردید و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسهایش سیاه و دود آلود شد.

۶۱. **فاطمه مطیع دائم علی** حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام **فوالله ... لا اغضبتنی و لاعصت لی امرا و لقد کنت انظر الیها فتکشف عنی الهموم و الاحزان** سوگند به خدا که فاطمه ع هیچ گاه مرا خشمگین نکرد و در هیچ کاری از من سرپیچی ننمود. و من هرگاه به فاطمه ع نگاه می کردم، غم و اندوه از من زدوده می شد

۶۲. **فاطمه شهیده است** امام کاظم علیه السلام **ان فاطمة صدیقة شهيدة** فاطمه بانوی بسیار راست گویی است که او را به شهادت رسانده اند

۶۳. **فاطمه و خردسالان** امام صادق علیه السلام **ان اطفال شیعتنا من المؤمنین تربیهم فاطمة** بی شک فاطمه خردسالان شیعه ما را (در عالم برزخ) پرورش می دهد

۶۴. **ارزش شناخت فاطمه** امام صادق علیه السلام می فرمایند...: **فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر** هر کس به شناخت حقیقی فاطمه س دست یابد، بی گمان شب قدر را درک کرده

۶۵. **آثار محبت به فاطمه** علیها السلام پیامبر اکرم می فرمایند: **من احب فاطمة ابنتی فهو فی الجنة معی و من ابغضها فهو فی النار** هر کس فاطمه علیها السلام دخترم را دوست بدارد، در بهشت با من است، و هر کس با او دشمنی ورزد، در آتش [دوزخ] است

۶۶. **اطاعت از فاطمه** علیها السلام امام باقر علیه السلام می فرمایند...: **و لقد کانت س مفروضة الطاعة علی جمیع من خلق الله من الجن و الانس و الطیر و الوحش و الانبیاء و الملائكة**... اطاعت از فاطمه بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندهگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است

۶۷. **دستورهای فاطمه** علیها السلام پیامبر اکرم **یا علی انفذ لما امرتک به فاطمة فقد امرتها باشیاء امر بها جبرئیل ای علی!** آنچه را فاطمه بدان امر می کند، انجام ده؛ زیرا من چیزهایی را به او امر کرده ام که جبرئیل ع به آنها امر کرده است

۶۸. **خلقت فاطمه** علیها السلام پیامبر اکرم **ان فاطمة خلقت حورية فی صورة انسیة**... بی شک فاطمه س حوریه ای است که به صورت انسان آفریده شده است.

۶۹. **چرا نام فاطمه** علیها السلام پیامبر اکرم **انی سمیت ابنتی فاطمة لان الله عزوجل فطمها و فطم من احبها من النار**؛ من نام دخترم را فاطمه گذاشتم؛ زیرا خدای عزوجل فاطمه و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دوزخ دور نگه داشته است.

۷۰. آثار نام فاطمه علیها السلام امام کاظم علیه السلام **لایدخل الفقر بیتا فیه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسین او جعفر او طالب او عبدالله او فاطمة من النساء** در خانه ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا از میان زنان، فاطمه باشد، فقر [و تنگدستی] وارد نمی شود.

۷۱. احترام به نام فاطمه علیها السلام امام صادق علیه السلام به شخصی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمود **اذا سميتها فاطمة فلا تسبها و لاتلعنها و لاتضربها** حالا که نام او را فاطمه گذاشته ای، پس دشنامش مده، نفرینش مکن و کتکش مزن

۷۲. الگوی نمونه امام زمان ارواحنا فداه در یکی از نامه هایشان می فرمایند: **و فی ابنة رسول لی اسوة حسنة** در دختر پیامبر خدا برای من الگوی نیکویی است.

۷۳. اختر تابناک امام صادق علیه السلام **فاطمة کوکب دری بین نساء اهل الدنيا** فاطمه س اختری تابناک در میان زنان دنیا است

۷۴. سرور زنان امام صادق علیه السلام **فاطمة سيدة نساء العالمین من الاولین و الاخرین** فاطمه س سرور زنان جهانیان از اولین تا آخرین است.

۷۵. تسبیحات حضرت زهرا امام باقر علیه السلام **ما عبد الله بشیء من التحمید افضل من تسبیح فاطمة** س خداوند در حمد و ستایش به چیزی برتر از تسبیح فاطمه س عبادت نشده است

۷۶. درود بر فاطمه امام رضا علیه السلام **اول من جعل له النعش فاطمة ابنة رسول الله، صلوات الله علیها و علی ابیها و بعلمها و بنیها؛** نخستین کسی که پس از مرگش برای او تابوت ساخته شد، فاطمه ع دختر رسول خدا ص بود؛ درود و صلوات خدا بر او و پدر و شوهر و فرزندانش باد

۷۷. نماز مخصوص فاطمه امام صادق علیه السلام **من صلی اربع رکعات فقرا فی کل رکعة بخمسین مرة «قل هو الله احد» کانت صلوة فاطمة** س ... هر کس چهار رکعت نماز بخواند [هر دو رکعت به یک سلام] و در هر رکعت [پس از سوره حمد] پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، این نماز، نماز فاطمه است

۷۸. فاطمه قلب محمد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام **ان الحسن و الحسین سبطا هذه الامة و هما من محمد کماکان العینین من الراس و اما انا فکماکان الید من البدن و اما فاطمة فکماکان القلب من الجسد** ... حسن و حسین ع دو سبط این امت هستند، و آن دو

برای محمد همانند دو چشم برای سرند، و من [برای محمد همانند دست برای بدن هستم، و فاطمه س [برای محمد ص] همانند قلب برای بدن است

۷۹. افتخار علی علیه السلام به فاطمه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام **انا زوج البتول سیده نساء العالمین** من همسر بتول هستم؛ همان کسی که سرور زنان جهانیان است

۸۰. زیارت شهیدان امام صادق علیه السلام **ان فاطمة كانت تاتي قبور الشهداء في كل غداة سبت ...** ; فاطمه در هر بامداد شنبه به مزار شهیدان می رفت .

۸۱. علی شایسته ترین انسان برای فاطمه امام صادق علیه السلام **لولا ان امیرالمؤمنین تزوجها لما كان لها كفو الى يوم القيامة علی وجه الارض آدم فمن دونه** برآستی اگر امیرالمؤمنین ع فاطمه را به ازدواج خود در نیاورده بود، تا روز قیامت بر روی زمین از آدم تا پس از آدم برای فاطمه همتایی نبود

۸۲. انجام کارهای سخت خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حضرت فاطمه زهرا **انها استقت بالقربة حتى اثرتي صدرها وطحنت بالرحي حتى مجلت يدها وكسحت البيت حتى اغبرت ثيابها واوقدت النار تحت القدر حتى دكنت ثيابها فاصابها من ذلك ضرر شديد**

حضرت فاطمه زهرا آن قدر با مشک، آب کشید که اثر آن در سینه اش آشکار شد و چندان با دست خود آسیاب کرد که دستهایش پینه زد و آن قدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش خاک آلود گردید و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسهایش سیاه و دود آلود شد و از این کارها رنج و سختی زیادی به او رسید

۸۳. فاطمه مطیع دائم علی حضرت امیرالمؤمنین : **فوالله ... لا اغضبتنی ولا عصت لی امرا ولقد كنت انظر اليها فتنكشف عني الهموم والاحزان** سوگند به خدا که فاطمه هیچ گاه مرا خشمگین نکرد و در هیچ کاری از من سرپیچی ننمود . و من هرگاه به فاطمه ع نگاه می کردم، غم و اندوه از من زدوده می شد

۸۴. فاطمه شهیده است امام کاظم علیه السلام **ان فاطمة صديقة شهيدة** فاطمه س بانوی بسیار راست گویی است که او را به شهادت رسانده اند

۸۵. فاطمه و خردسالان امام صادق علیه السلام **ان اطفال شيعتنا من المؤمنین تربيههم فاطمة سلام الله عليها** بی شک فاطمه خردسالان شیعه ما را (در عالم برزخ) پرورش می دهد

۸۶. فاطمه زهره است پیامبر اکرم **انا الشمس و علی القمر و فاطمة الزهرة و الفرقدان الحسن و الحسين** من خورشیدم و علی ماه و فاطمه ، زهره (ناهِید) است و حسن و حسین دو ستاره نور افشان فرقدان هستند

علی، فاطمه علیهما سلام و صلوات در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. **صلوا علی، صلی الله علیکم:** بر من درود بفرستید تا خدا بر شما درود بفرستد (ابن عدی در کامل از ابن عمرو و ابن هریره ج ۲، ص ۹۹)
۲. **صلوا علی، فان صلواتکم علی زکاه لکم:** بر من درود بفرستید، زیرا صلوات شما بر من زکات شماست. (ابن ابی شیبہ و ابن مردویه از ابو هریره ج ۲، ص ۹۹)
۳. **اذا جلستَ فی صلاتکَ فلا تترکن الصلاه علی، فانها زکاه الصلاه:** چون در نماز [برای تشهد] نشستی، صلوات بر من را ترک مکن، زیرا آن زکات نماز است. (دارقطنی در سنن از بریده . ج ۱، ص ۸۷)
۴. **حیثما کنتم فصلوا علی، فان صلواتکم تبلغنی:** هر جا که هستید، بر من درود بفرستید، زیرا درود شما به من می‌رسد. (طبرانی در معجم الکبیر ج ۱، ص ۵۸۲)
۵. **صلوا علی و سلموا، فان صلواتکم تبلغنی حیثما کنتم:** بر من صلوات و سلام بفرستید؛ زیرا هر جا که باشید، صلوات‌تان به من می‌رسد. (ابی یعلی در مسندش و ضیاء از حسن بن علی . ج ۲، ص ۹۷)
۶. **زینوا مجالسکم بالصلاه علی، فان صلواتکم علی نور لکم یوم القیامه:** مجالس خود را با صلوات بر من بیارید؛ زیرا صلوات شما بر من، روز قیامت برایتان نوری خواهد بود. (دیلمی در مسند الفردوس از عبدالله بن عمر روایت می‌کند. ج ۲، ص ۳۲)
۷. **الصلاه علی نور علی الصراط:** صلوات بر من نوری بر صراط [در روز رستاخیز] خواهد بود. (دارقطنی از ابوهریره ج ۲، ص ۱۲۱)
۸. **کل امری ذی بالٍ لا یبدأ فیہ بحمدالله و الصلاه علی، فهو أقطع، ابتر، ممحوق من کل برکه:** هر کار مهمی که بدون سپاس و ستایش خدا و صلوات بر من آغاز شود، بریده، بی‌دنبال و بی‌بهره از هر برکتی خواهد بود (رهاوی از ابوهریره ج ۲، ص ۲۷۷)
۹. **ما من عبدٍ یصلی علی الا صلت علیہ الملائکه مادام یصلی علی:** هیچ بنده‌ای نیست که بر من صلوات می‌فرستد، مگر اینکه تا وقتی که صلوات می‌فرستد، فرشتگان هم بر او درود می‌فرستند. (احمد بن حنبل در مسند، ابن ماجه و ضیاء از عامر بن ربیع روایت می‌کنند. ج ۲، ص ۵۱۹)

۱۰. **من صلی علی صلاه، کتب الله له قیراطاً و القیراط مثل احد:** هرکه بر من صلوات بفرستد، خداوند برای او قیراطی می‌نویسد و قیراط همچون کوه احد است! (عبدالرزاق در جامع از علی . ج ۲، ص ۶۱۸)

۱۱. **من صلی علی واحده صلی الله علیه عشر صلوات، و حط عنه عشر خطیئات، و رفع له عشر درجات:** هرکس بر من یک صلوات بفرستد، خداوند ده درود بر او می‌فرستد و ده خطایش را پاک می‌کند و ده درجه او را بالا می‌برد. (احمدبن حنبل در مسند و بخاری در ادب و نسائی و حاکم در مستدرک ج ۲ ص ۶۱۸)

۱۲. **من صلی علی حین یصبح عشراً و حین یمسی عشراً، ادرکته شفاعتی یوم القیامه:** هرکه صبحگاه و شامگاه ده بار بر من صلوات بفرستد، روز رستاخیز شفاعتم را در می‌یابد. (طبرانی در المعجم الکبیر ج ۲، ص ۶۱۸)

چهار حکایت از زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها ، به چهار عرصه از مصادیق جهاد اقتصادی

۱. در اسلام، نفقه زن (یعنی تأمین مسائل اقتصادی زن) برعهده شوهر اوست. بنابراین یکی از محل‌های بروز جهاد اقتصادی حضرت، نحوه مطالبه وی از شوهر است که سعی می‌کند، با سخت گرفتن بر خود کوچک‌ترین فشاری بر همسرش نیاید.

روزی به حضرت زهرا سلام الله علیها گفت: آیا در خانه چیزی [برای خوردن] داریم؟ حضرت فرمود: قسم به خدایی که حق تو را عظیم داشت، سه روز است که چیزی نداریم تا برایت بیاورم. **علی علیه السلام** فرمود: پس چرا مرا خبر نکردی؟ فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که از تو چیزی بخواهم مرا برحذر داشت و فرمود: از پسر عمویت چیزی نخواه مگر این که خودش برایت بیاورد.. (بحارالانوار ج ۴۳ ص ۳۱)

۲. یکی از مصادیق جهاد اقتصادی که کاملاً عمومیت دارد، برداشتن بار مشکلات اقتصادی از دوش ناتوانان جامعه است. حکایت سه روز، روزه گرفتن حضرت زهرا سلام الله علیها و بقیه اهل خانه ایشان که در همان زمان یتیم و مسکین و اسیری به ایشان مراجعه کردند و هر سه شب، افطار خود را به آنها بخشیدند بدون این که چشم‌داشت هیچ‌گونه تشکر و پاداشی از آنها یا از جامعه داشته باشند و آیات سوره انسان در شان آنها نازل شد (انسان ۸-۹)

۳. یکی دیگر از مصادیق جهاد اقتصادی در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها پشتوانه قرار دادن دارایی خود برای رفع مشکلات حکومت دینی است و این امری است که قبل از

ایشان مادرش خدیجه سلام الله علیها انجام داده بود. حضرت زهرا سلام الله علیها چنان برای رفع نیاز حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله با تمام وجود آماده بود که در موارد متعددی که کسی برای مشکل اقتصادی خود به پیامبر، یعنی به حاکم جامعه دینی مراجعه می کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله خود نمی توانست مشکل او را حل کند، او را به حضرت زهرا سلام الله علیها ارجاع می داد.

از باب نمونه، امام باقر علیه السلام، نقل کرده اند که جابر گفت: روزی نماز عصر را همراه پیامبر خواندیم و هنوز متفرق نشده بودیم که پیرمردی از مهاجران که از شدت پیری و ضعف به زحمت راه می رفت به سمت ما آمد و پیامبر احوالش را جویا شد. او گفت ای پیامبر خدا گرسنه ام، برهنه ام، فقیرم.

حضرت فرمود من چیزی ندارم که به تو بدهم، اما این مقدار هست که بتوانم تو را به کسی که اهل خیر باشد، راهنمایی کنم. پس به خانه کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. کسی که خدا را بر خویش مقدم می دارد، به خانه فاطمه برو.

آن فرد با راهنمایی عمار به خانه حضرت زهرا می رود و عرض حال می کند و حضرت تنها گردنبنند خود را که آن هم هدیه دختر عمویش (دختر حضرت حمزه) بوده به او می بخشد و... (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۵۶-۵۸)

۴. مصادیق جهاد اقتصادی حضرت زهرا سلام الله علیها، تنها در سخت گرفتن بر خود و انفاق اموال خلاصه نمی شود، بلکه ایشان از دارایی های اقتصادی خود در مسیر مبارزات سیاسی نیز استفاده می کرد. نمونه بارز آن را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان فدک می توان مشاهده کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به روحیه ای که از حضرت زهرا سراغ داشت، باغات فدک را که طبق (انفال ۱) به حضرت زهرا بخشیده بود و حضرت هم آن را صرفاً در راه رفع نیاز مستنمدان جامعه مصرف می کرد. که توسط خلفا به ناحق غصب شد.

حضرت در دو خطبه مفصل، فدک را بهانه ای برای نقد مشروعیت حکومت خلیفه اول قرار داد و با این اقدام خود نشان داد که چگونه می توان دارایی های اقتصادی خویش را در مسیر اصلاح سیاسی جامعه و روشنگری قرار داد.

به روایت جلال‌الدین سیوطی در الجامع الصغیر فی احادی البشیر النذیر یکی از کسانی که به مناسبت‌های مختلف به امیرمؤمنان علی روی آورده و از یاد کرد شایسته آن حضرت غفلت نورزیده، ادیب، فقیه، محدث، حافظ، مورخ و مفسر بلند آوازه شافعی،

مرحوم جلال‌الدین عبدالرحمن بن کمال ابی‌بکر بن محمد سیوطی (۸۴۹.۹۱۱) است که تألیفات فراوانی دارد

منابع: الاحتجاج، علامه طبرسی الامالی، شیخ مفید

بحارالانوار، علامه مجلسی الخصال، شیخ صدوق

دلائل الامامة، محمد بن جریر طبری

الصراط المستقیم، علامه زین‌الدین علی بن یونس الغدیر، علامه امینی

کفایة الاثر، ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی

قرآن منظوم (دکتر امید مجد)

گردآورنده و تدوین : محمود زارع پور